

بوکر بر سر نفت دریای خزر

نوشته: اوه کروگر

در صفحه ۱۲

## نگذاریم بهم فراموش شود

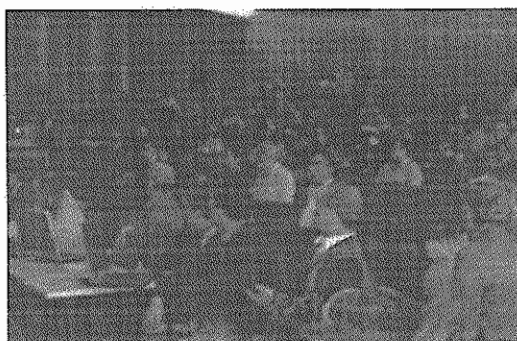


در صفحه ۲

همایش

«اتحاد جمهوری خواهان ایران»

برگزار شد



همایش «اتحاد جمهوری خواهان ایران» در روزهای ۸، ۹، ۱۰ ژانویه در دانشگاه برلین برگزار شد. در این همایش قریب ۳۰۰ تن از اعضای «اتحاد جمهوری خواهان ایران» و به همین تعداد میهمانانی از کشورهای مختلف و همچنین از ایران شرکت داشتند. کارپایه سیاسی، کارپایه تنظیم مناسبات درونی، موضع در قبال انتخابات مجلس هفتم و نیز انتخاب شورای هماهنگی «اتحاد جمهوری خواهان ایران» از جمله مواردی بود که همایش برلین به آن پرداخت. برگزاری همایش «اتحاد جمهوری خواهان ایران» در رسانه‌های ایرانی و ایرانی‌زبان بازتاب گسترده‌ای داشت و موارد در دستور کار خود را موفقیت آمیز به پیش برد. در پایان همایش ۵۰ نفر به عنوان اعضای شورای هماهنگی مرکزی آن انتخاب شدند که مطابق مصوبه همایش ۳۰ درصد آن از میان داوطلبین زن بودند. مشروح گزارش همایش مزبور را در صفحه ۶ می‌خوانید.

### در این شماره

گفتگوهای بی بی سی با برخی تحلیل‌گران و فعالین سیاسی و فرهنگی پیرامون انتخابات مجلس هفتم

در صفحه ۷

دوم خرداد: سایه ایستایی از جمهوریخواهی

کیومرث اسفندیاری  
در صفحه ۹

«چقدر فروش خواهد کرد»

دانا گلستان  
در صفحه ۹

ایدئولوژی دکماتیک خصوصی سازی فراگیر سرفیل جهانی شدن سرمایه‌داری در سایه لیبرالیسم نو است

تهیه و تنظیم: ب. کیوان  
در صفحه ۱۰

## تحصن نمایندگان مجلس شورای اسلامی در اعتراض به رد صلاحیتشان

● نزدیک به ۱۰۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از روز ۲۱ دی ماه با نشستن در راهروهای مجلس در اعتراض به رد صلاحیت‌های گسترده هیات‌های نظارتی، تحصن خود را آغاز کردند.

● مردم نسبت به تحصن نمایندگان اصلاح طلب بی تفاوت هستند.

● بهزاد نبوی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: نمایندگان مجلس، طی این تحصن خواستار برگزاری انتخاباتی آزاد هستند.

● محمدرضا خاتمی منظور از انتخابات آزاد را اعمال نظارت استصوابی شورای نگهبان در حد دوره گذشته تعریف کرد.

● نمایندگان متحصن برای لغو احکام رد صلاحیت، از خامنه‌ای کارگردان اصلی رد صلاحیت‌ها استمداد کرده‌اند.

ایجاد شود.

وی اعلام کرد: طبق مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام آمادگی اعلام مستندات قانونی دلایل رد صلاحیت داوطلبان را در صورت ارائه درخواست کتبی از سوی آنان داریم.

تحصن نمایندگان مجلس در اعتراض به رد صلاحیت‌ها

محمدرضا خاتمی سخنگوی نمایندگان متحصن در مجلس شورای اسلامی است. این نمایندگان در حال مذاکره و رایزنی برای یافتن راه حل در خصوص رد صلاحیت‌ها هستند. علی شکوری را، نماینده تهران نیز گفت: اندازه اعضای هیات مرکزی کوچک‌تر از آن است که برای نایب‌دها تعیین صلاحیت کنند.

بهورز افخمی که در انتخابات مجلس هفتم کاندیدا نشده، گفت: شاید این رد صلاحیت فرصتی باشد که نیروهای اصلاح طلب، لیست جوان‌تری را ارائه دهند.

همچنین خبرها حاکیست در راهروی مجلس تریبونی گذاشته شده است و پلاکاردهایی نیز با عنوانی مختلف در اعتراض به رد صلاحیت‌های گسترده بر روی اداها در صفحه ۳



یا واجد شرایط قانونی هستند که احراز صلاحیت می‌شوند یا این که واجد شرایط قانونی نبوده‌اند احراز صلاحیت می‌شوند. وی یادآور شد: این کار تفتیش عقاید نیست بلکه روش

پس از پایان گرفتن مهلت برای بررسی صلاحیت‌ها توسط دفاتر نظارتی شورای نگهبان اعلام شد که حدود نیمی از داوطلبین مجلس شورای اسلامی رد صلاحیت شده‌اند. اکثر کاندیداهای اصلاح طلبان در تهران و شهرستانها در بین رد صلاحیت‌شدگان بوده‌اند. تعداد رد صلاحیت‌شدگان ۲۰۳۳ تن

### در باره تحصن نمایندگان مجلس

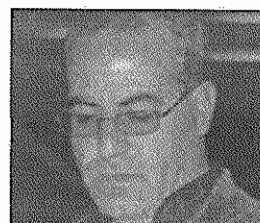
در صفحه ۳

## انصاف‌علی هدایت روزنامه‌نگار مقیم تبریز دستگیر شد

خود برده‌اند. به گفته خانم هدایت، پدرش توسط اداره اطلاعات تبریز دستگیر شده است.

انصاف‌علی هدایت به عنوان روزنامه‌نگار محلی پاره‌ها توسط عوامل حکومتی دستگیر شده است. وی بارها در نوشته‌های خود، علاوه بر جناح تندرو حکومت، جناح موسوم به دوم خرداد را هم مورد انتقاد قرار داده بود.

سفر آلمان و شرکت در اجلاس اتحاد جمهوری خواهان صورت گرفت. انصاف‌علی هدایت به عنوان خبرنگار آزاد در این اجلاس شرکت کرده بود. به گفته دختر این روزنامه‌نگار، عده‌ای پس از یک تماس تلفنی و اطمینان از وجود هدایت در خانه، به آنجا مراجعه کرده و با نشان دادن حکمی او را دستگیر کردند. این افراد تمامی یادداشت‌ها، کامپیوتر شخصی و سی‌دی‌های موجود در خانه را با



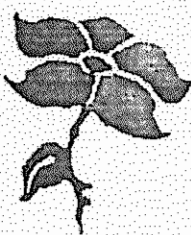
انصاف‌علی هدایت روزنامه‌نگار مقیم تبریز، در خانه خود بازداشت شد. بازداشت وی بعد از بازگشت از

## سرمقاله فراندوم و انتخابات آزاد به جای انتخابات فرمایشی

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راستای خط مشی مصوب کنگره فوق‌العاده سازمان، خواهان عدم شرکت مردم در انتخابات غیردمکراتیک مجلس هفتم شده، خاطر نشان کرده است راه دموکراسی در ایران با فراندوم و انتخابات آزاد گشوده می‌شود. نوشته حاضر، در توضیح این موضع سیاسی سازمان ماست. رهبری سازمان ما خط مشی سیاسی خود را بر بنیان راهبردی (استراتژی) تصریح شده در همه کنگره‌های سالهای اخیر سازمان مبنی بر تحقق شرایط اعمال آزادانه رای مردم و انتقال مدت‌دار همه قدرت به مجلس و دولتی تنظیم می‌کند که در انتخابات آزاد و متناسب برگزیده شوند و تنها به مردم پاسخگو باشند. در جمهوری اسلامی ایران، هرگز چنین نبوده است. طبق قانون اساسی و سایر قوانین این نظام، حق انتخاب شدن تنها محدود به حاملان ایدئولوژی رژیم ولایت فقیه است. قدرت اصلی در دست مقام ولایت است که در دایره بسته روحانیت حاکم، مادام‌العمر تعیین می‌شود. در چنین رژیمی، رای مردم همواره حکم مشاطه بر چهره کریم استبداد و تامین‌کننده مشروعیت کاذب دموکراتیک برای حکومت در انتظار داخلی و خارجی را دارد. این جنبه از انتخابات، در رای‌گیری آبی برای مجلس هفتم برجستگی ویژه‌ای یافته است. در شرایطی که در سراسر جهان و از جمله همسایگی ایران، حکومت‌های استبدادی سرنگون شده‌اند و خواب آرام برای خودکامگان حاکم بر کشور ما نیز نمانده است، در شرایطی که در سالهای اخیر علیرغم سرکوب و خفقان، مردم ایران بارها خواسته‌های آزادیخواهانه خود را طنین گسترده بخشیده‌اند، حکومت ایران به شدت نیاز دارد که مردم را پای صندوق‌های رای بکشاند تا لااقل در عرصه مناسبات خارجی، خود را متکی به آرای عمومی قلمداد و جامعه بین‌المللی را از کمک به مبارزه مردم ایران برای حکومتی جایگزین، منصرف کند. بیپرده نیست که خامنه‌ای رهبر حکومت اعلام کرده است برای او مهمتر از اینکه کدام جناح حکومتی برنده انتخابات شود، این است که انتخابات پررونق باشد. تجربه مجلس ششم نشان می‌دهد در شرایط محدودماندن انتخاب مردم به نیروهای درون حکومت، حتی اگر نتیجه انتخابات مطابق میل خامنه‌ای و محافظه کاران حاکم نباشد، آنها می‌توانند با «حکم حکومتی» و منع مجلس از شکستن «تابو»هایی مانند قانون مطبوعات، با حربه و توی شورای نگهبان و کشاندن مصوبات نامطلوب به مثبث برمودای این شورا، مجمع تشخیص مصلحت و مجلس و نیز با احضار و دستگیری و تهدید قضایی نمایندگان، رای مردم را خنثی کنند. از این رو، رهبری ادامه در صفحه ۲

### اتحاد برای شکل‌گیری یک آلترناتیو جمهوریخواه، دمکراتیک و لائیک

### جشن سی و سومین سالگرد بنیانگذاری



### جنبش فدائیان خلق ایران

● گفتگوی سیاسی

● برنامه‌های متنوع هنری

اسکندر

زاله فرحزادی

و هنرمندان آذربایجانی

مکان: آلمان - بن

Beuel-Brücken Forum

زمان: شنبه ۲۸ فوریه ۲۰۰۴  
گفتگوی سیاسی از ساعت ۱۶

اعلامیه هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### راه، ایستادگی است!

رد صلاحیت ۸۰ نفر از نمایندگان مجلس توسط هیئت‌های نظارت شورای نگهبان، سرانجام اصلاح‌طلبان حکومتی را به عمل اعتراضی جمعی وا داشته است، تحسن نمایندگان معترض به این شمشیرکشی عریان شورای نگهبان را حرکتی مثبت می‌دانیم.

اعتراض نمایندگان متحصن، اعتراض به وجود شورای نگهبان و حتی اعتراض به نفس دخالت این ارگان انتصابی در حق مسلم مردم برای انتخاب نمایندگان خود نیست. این اعتراض، صرفاً اعتراضی است به اوج افراط‌گرایی و انحصارطلبی مطلق آن که این بار شمشیر را بر فرق نمایندگان شاخص جناح اصلاح‌طلب وارد آورده است. خواست معترضین، تامین حقوق شهروندی برای کاندیدشدن و انتخابات آزاد واقعی نیست. خواست آنان به آزادی خودشان محدود مانده است. گر چه آنها از انتخابات آزاد سخن می‌گویند اما پیرامون پیش‌شرطهای یک انتخابات آزاد که در درجه نخست عبارتند از آزادی احزاب و مطبوعات، تامین حق بیان و حق برابر تبلیغات و عدم دخالت هرگونه ارگان حکومتی در امر انتخاب‌شدن و انتخاب‌کردن، سخنی نمی‌گویند. ما اما همین اعتراض و این مقاومت را مثبت دانسته و با تاکید بر حق شهروندی متحصنین برای شرکت در انتخابات، ایستادگی آنان در برابر سرکوبگری ارگانهای وابسته به ولایت فقیه را یک مقاومت مدنی تلقی می‌کنیم.

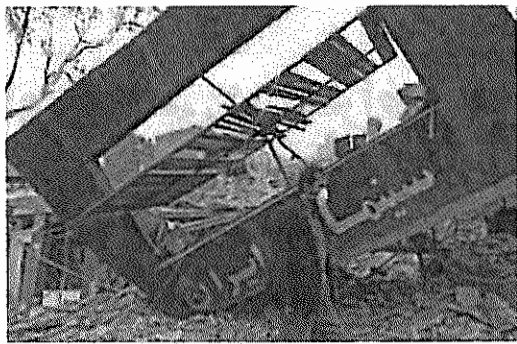
حال که معترضین ایستادگی را جایگزین گلابه‌های همیشگی و عموماً بی‌ثمر یا کم‌ثمر کرده‌اند، می‌توانند روی عقب‌نشاندن شورای نگهبان و شکست رهبر اصلی عملیات آنان یعنی شخص ولی فقیه حساب باز کنند، هر آینه به استمداد از ولی فقیه روی نیاورند. ولی دورزدن دگرباره مردم و توسل به آقایان خامنه‌ای و رفسنجانی که سیاست «سازش با خارج و سرکوب در داخل» را گام به گام تدارک می‌بینند، نتیجه این جز شکست مجدد و این بار قطعی‌تر از همیشه را در پی نخواهد داشت. موفقیت در چالشی که سر بر آورده، پیش از آن که با عقب‌نشینی‌های معینی از سوی ولایت فقیه تبیین شود با نفس ایستادگی تا به آخر تحسن‌کنندگان رقم می‌خورد.

ما تاکید می‌کنیم که، تنها راه برای شکستن سد مقاومت دشمنان آزادی، مراجعه به آرای عمومی و برگزاری رفراندوم برای احقاق حقوق مردم است.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تحسن نمایندگان مجلس را یک مقاومت مدنی می‌داند و اعلام می‌دارد، تا آنجایی که معترضین در برابر آزادی‌ستیزی مقاومت نشان دهند، پشتیبان آنان خواهد بود.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۲۴ دی ماه ۱۳۸۲

### نگذاریم یم فراموش شود



ارمغان سینمای ایران در «بم» برای پشیمان مشتاقان چه بود؟ «باشو، غریبه کوچک» «شایر وقتی دیگر» یا «زندگی از ما دارد»؟ چه چشمهایی شور را به ضیافت این جشنواره‌های تصویری دعوت کرده بودند. چشم‌هایی از آب و آرزو.

اما به ناگهان، ساعت ۵/۲۸ دقیقه، تماشاگر فیلمی شردنگه تنها یک هنرپیشه داشت: مرگ

از فاجعه وحشتناکی که به کشته‌شدن ده‌ها هزار تن از هوپلطان ما انجامید قریب ۵ هفته می‌گذرد. با وجود تلاش‌ها و کمک‌های شوق‌آفرین ایرانیان و همچنین افراد و سازمان‌های بشردوستانه خارجی، هنوز بسیاری از زلزله‌زدگان بم از بسیاری نیازهای اولیه زندگی محرومند. هنوز شاهد اقدامات همدانیه برنامهریزی شده و سازمان‌یافته ارگان‌های دولتی برای سر و سامان‌دادن به اوضاع مناطق آسیب‌دیده و رسیدگی به آسیب‌دیدگان نیستیم. خبرهای بسیار تکان‌دهنده‌ای از گتردگی و دزدی‌ها و چپاول کمک‌های ارسالی به گوش می‌رسد. یا وجود آن که کمک‌های نقدی و جنسی اهدایی از سوی کشورهای مختلف بسیار بالا بوده است، اما در خود مناطق زلزله‌زده کمتر نشانی از این کمک‌ها می‌توان دید. خبرهای مربوط به غارت کمک‌های ارسالی آن چنان در میان مردم بالا گرفته است که رساندهای دولتی در صدا و سیما و جمهوری اسلامی مرتباً با پخش گزارش‌ها و مصاحبه‌هایی با «مردم راضی» شهر می‌کوشند با این‌سبب خبرها مقابله کنند. اما واقعیت‌ها دهان به دهان بازگو می‌شوند.

در یک مورد خبر مستقیمی داشتیم که شخصی که کیسه‌های برنج خریداری کرده بود، در

درون کیسه کارت «اهدایی به زلزله‌زدگان بم» و مبلغ ده هزار تومان پول را که برای زلزله‌زدگان در میان برنج‌ها گذاشته شده بود را یافت. از این گونه موارد بسیار نقل می‌شود. این وضعیت ضرورت

کسب‌رسانی مستقیم و کسب‌رسانی از طریق نهادهای غیردولتی مطمئن را هر چه بیشتر می‌کند. نباید گذاشت شور و شوق اولیه برای کمک‌رسانی را گذشت زمان کهرنگ کند. نباید گذاشت بم فراموش شود.

### رفراندوم و انتخابات آزاد به جای انتخابات فرمایشی

ادامه از صفحه اول

حکومت اگر لازم باشد اکثریت مجلس را به اصلاح‌طلبان گذشته از صافی نظارت استصوابی می‌سپارد. آنچه برای دستگاه ولایت، اهمیتی بیشتر از ترکیب مجلس بی‌اختیار دارد، این است که ظاهر «انتخابی» بودن حکومت حفظ شود. این امر، مهمترین اولویت رهبری جمهوری اسلامی در انتخابات مجلس هفتم است.

غیردمکراتیک بودن انتخابات در جمهوری اسلامی، محدود به این دوره نیست. همانگونه که در بیانیه هیئت سیاسی - اجرایی سازمان ما آمده است، انتخابات در این نظام، هیچگاه آزاد و دمکراتیک نبوده است. اما گاه، راهکار (تاکتیک) شرکت در یک انتخابات غیردمکراتیک برای دستیابی به اهداف مشخص سیاسی، اقدامی مشروع و مجاز است. در دوم خرداد ۱۳۷۶ و سپس در انتخابات ۱۳۷۸ مجلس ششم، مردم ایران محافظه‌کاران را از دستیابی به مقام ریاست جمهوری و اکثریت مجلس باز داشتند تا به اصلاح‌طلبان درون حکومت فرصت دهند با ایستادن در برابر استبداد ولایتی، خواستهای جامعه ایران را به کرسی بنشانند. در انتخابات مجلس ششم، سازمان ما از مردم ایران خواست تا با شرکت هر چه گسترده‌تر در رای‌گیری، به استقبال کاندیداهایی برون‌دکه شعار «ایران برای همه ایرانیان» را سرلوحه تبلیغات انتخاباتی خود قرار داده بودند. با رای قاطع مردم، چهره‌های منفوری مانند هاشمی رفسنجانی منزوی شدند و اکثریت کرسی‌های مجلس در اختیار اصلاح‌طلبان قرار گرفت.

ارزایی ما (و اطمینان داریم ارزیابی میلیونها ایرانی آگاه و آزادخواه) این است که اکثریت مجلس ششم که در اثر حضور گسترده مردم در دست جناح اصلاح‌طلب حکومت قرار گرفت، با نخواست ما را از گلیم فزاینده فزاید و یا هر آنچه که خواست گامی در تعدیل استبداد ولایت بر دارد با سد سدید ارگان‌های متصوب دستگاه ولایت فقیه و شخص ولی فقیه مواجه شد.

از این رو، شرایط امروز در قیاس با شرایط چهار سال پیش به کلی متفاوت است. اکنون تجربه چهار سال مجلس ششم را پشت سر داریم که علیرغم پشتوانه نیرومند رای مردم، نخواست یا نتوانست گرهی از بن‌بست سیاسی ایران بگشاید و موانع پیشرفت به سوی دمکراسی و رعایت حقوق بشر در کشور ما را برآورد. با وجود این تجربه، و در شرایطی که پس از چهار سال، در بر همان پاشنه قبلی می‌چرخد، اکثریت رای‌دهندگان ایرانی مجاب نخواهند شد که تنها برای حفظ اکثریت مجلس از سوی اصلاح‌طلبان حکومتی، بهای گران مشروعیت دمکراتیک بخشدین به نظام جمهوری اسلامی را بپردازند. این نظام از نظر مردم ایران، مشروعیت خود را مدتیاست که از دست داده و قانون اساسی آن به عنوان مانع تحقق مردمسالاری عیان شده است. همین قانون است که برتری مطلق ولایت بر نهادهای انتخابی را مقرر می‌دارد.

پس از چهار سال تجربه مجلس ششم، اکنون کارزار دمکراسی برای ایران نه از مجرای گزینش میان کاندیداهای پیش‌گزینش شده از سوی شورای نگهبان، که از عظیم‌گذشتن تلاش حکومتیان برای «گرم‌کردن تنور انتخابات» می‌گذرد. ما از مردمی که در انتخابات ۷۶ و ۷۸، به طور غیر مستقیم خواستهای دمکراتیک و آزادخواهانه خود را بیان کردند، می‌خواهیم که به بیان خواستهای خود صراحت بیشتری بخشند و به جای شرکت در انتخابات فرمایشی، از رفراندوم برای تغییر قانون اساسی و از انتخابات واقعاً آزاد حمایت کنند. بی‌رونی‌کردن بساط رای‌گیری زیر تیغ نظارت استصوابی شورای نگهبان، گام نخست برای طنین یافتن صدای مردمی است که تحول واقعی می‌خواهند.

مردم می‌خواهند که اساساً حکومت را به رای بگذارند. حکومت می‌خواهد که ایرانیان رای دهند تا یک گروه اقلیت بر ایران حکومت کند، و مردم می‌خواهند که حکومتی را تدارک ببینند که برای همه ایرانیان باشد. رفراندوم، خواست مردم است و تعیین نوع حکومت، موضوع رای ملت. مردم ما خواهان یک انتخابات آزاد هستند و انتخابات آزاد یعنی مقدمات نبود زندانی سیاسی، تحقق آزادی فعالیت همه احزاب و سازمان‌های سیاسی، آزادی بیان و قلم، آزادی انتخاب بی‌قید و شرط رای‌دهندگان، آزادی کامل در کاندیداتوری، و از یک کلام آزادی‌های منطبق بر اصول مدرن در اعلامیه جهانی حقوق بشر. (از بیانیه هیئت سیاسی - اجرایی سازمان ما در باره انتخابات مجلس هفتم) رویکرد سازمان ما به انتخابات مجلس هفتم، بر خلاف تبلیغات مخالفان، انفعالی نیست. ما می‌خواهیم کارزار گفتن یک «نه» دیگر به کل حکومت را سازمان دهیم. ما با همه امکانات خود می‌کوشیم رفراندوم برای تعیین نوع حکومت و انتخابات آزاد، به شعارهای بسیج‌کننده توده‌های هر چه گسترده‌تر مردم در راستای دگرگونی رادیکال و مسالمت‌آمیز تبدیل شود. به آنان که رفتن پای صندوق رای نامی، اجرای سازمان ما در «فعالیته» و خودداری از این اقدام را «انفعال» می‌نامند، می‌گوییم این سخن شما، توهینی بزرگ به خیل عظیم دانشجویان، دانش‌آموزان، دختران، پسران، مردان و زنان ایرانی است که بیش از شش سال، هر چه داشتند در طبق اخلاص گذاشتند، کتک خوردند، به زندان رفتند و مصیبت‌ها کشیدند تا اصلاحات پیش رود، اما اکنون می‌گویند می‌خواهیم حربه نترفتن پای صندوق را بیازماییم، می‌خواهیم با خالی گذاشتن صندوق رای دادن، «نه» خود به کل حکومت را صراحت بیشتری بخشیم. هر چه جامعه مدنی ایران دارد از برکت این فرزندان ایران است، رنجها و تلاشهای شش ساله آنهاست که عقب‌نشینی‌ها را به استبداد تحویل کرده است. آنها کماکان در جبهه مبارزه برای دمکراسی و حقوق بشر ایستاده‌اند و اگر این بار پای صندوق‌های رای روند، بر اساس انتخابی آگاهانه و هشیارانه است. آنها روز و شب خود را با دغدغه آزادی و مردمسالاری می‌گذرانند، تحولات کشور را به دقت دنبال می‌کنند و به دنبال چاره‌ای برای شکستن بن‌بستند. انگ انفعال به آنها نمی‌چسبد و تنها کسانی را بی‌آبرو می‌کند که این اتهام را متوجه بخش عظیمی از بهترین فرزندان میهنمان می‌کنند. اگر هم بخشی از مردم ما دچار یاس و انفعال سیاسی شده باشند (که شده‌اند)، مسئولیت آن در درجه اول متوجه خانی و سایر سیاستمدارانی است که آبی سرد بر آتش امیدهای مردم ریختند و در بزنگاه تعیین سرنوشت سیاسی خود، ماندن با نظام ولایتی و دینی را بر همه‌اشدن با مردم ترجیح دادند.

سازمان ما به موازات تبلیغ گسترده شعار رفراندوم و انتخابات آزاد بر بستر فضای سیاسی در ارتباط با انتخابات مجلس هفتم، تلاش بیکر خود را برای گسترش همکاری و اتحاد عمل و رایزنی با احزاب و سازمانهای سیاسی دمکرات و همه ایرانیان آزادخواه، ادامه می‌دهد. سازمان ما می‌کوشد فرصت استثنایی اتخاذ موضع مشترک در مقیاس کل‌اوپوزیسیون دمکرات و آزادخواه، از دست نرود. اکنون بیش از هر زمان دیگر، شعار رفراندوم و انتخابات آزاد می‌تواند متحدکننده ایرانیان دمکرات و آزادخواه در داخل و خارج از ایران شود. ما برای برداشتن این گام مهم در راستای تحول دمکراتیک در ایران، از هیچ تلاشی دریغ نخواهیم کرد.

### حسن روحانی برای نخستین بار از برقراری رابطه با آمریکا سخن گفت

شماره امروز روزنامه فرانسوی فیگارو به چاپ رسیده است. بیان اینکه باید واقع‌گرا بود. گفت: روابط ایران و آمریکا سرانجام روزی از سر گرفته خواهد شد و به نظر من قدرت ما در این است که می‌توانیم لحظه مناسب را انتخاب کنیم. روحانی که دیشب از فرانسه به تهران بازگشت، افزود: امریکایی‌ها با دخالت در افغانستان و عراق به همسایه ما تبدیل شده‌اند؛ آنها دریافته‌اند که به ایران نیاز دارند و مترجه شده‌اند که حل بحران‌های منطقه‌ای بدون مشارکت ایران امکان‌ناپذیر است. فیگارو در پاسند تا بتوان با استناد به آنها صلاحیت نمایندگان را برای کاندیداتوری، ارزی کرد.

دبیر شورای عالی امنیت ملی اعلام کرد: روابط بین ایران با آمریکا روزی از سر گرفته خواهد شد. به گزارش سرویس دیپلماتیک خبرگزاری کار ایران، ایلتا، دکتر حسن روحانی با اعلام این خبر، تصریح کرد: پایان دوره ریاست جمهوری بهترین فرصت برای اتخاذ چنین تصمیمی است. خبرگزاری فرانسه با اشاره به این جمله روحانی، آورده است: مشخص نیست منظور روحانی از پایان دوره ریاست جمهوری، ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی است که سال آینده به پایان می‌رسد و یا ریاست جمهوری جرج بوش که سال جاری پایان می‌یابد. دبیر شورای عالی امنیت ملی در مصاحبه‌ای اختصاصی که در

### رشد اقتصادی پیش‌بینی شده توسط دولت، جنبه تبلیغاتی دارد

دکتر بهمن آرمات، کارشناس سالیان اقتصادی، در یک گفتگو با خبرنگار خبرگزاری ایلتا، گفت: با توجه به عدم افزایش بودجه عمرانی دولت و مشکلات موجود بر سر راه مکانیزم حساب ذخیره ارزی رشد اقتصادی ۷/۳ درصدی در سال آتی بعید به نظر می‌رسد و آنچه دولت در این رابطه عنوان کرده است، بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد. مجامع بین‌المللی رشد اقتصادی ایران را در سال آتی در خوش‌بینانه‌ترین شرایط ۳/۵ درصد پیش‌بینی کرده‌اند، که با توجه به اقتصاد ضعیف کشور، دستیابی به چنین رشدی بسیار مشکل به نظر می‌رسد. میزان رشد بودجه عمرانی در

سال آینده ۱۱/۶ درصد است و از ۸۵ میلیارد دلار به ۹۵ میلیارد دلار افزایش یافته، که با توجه به محدودبودن رشد بودجه عمرانی، امکان سرمایه‌گذاری بیشتر دولت در بخش‌های عمرانی فراهم نخواهد شد و همین قضیه بازتاب منفی بر روی رشد اقتصادی کشور خواهد داشت. با توجه به اقدامات اخیر بانک مرکزی مکانیزم حساب ذخیره ارزی به عنوان ابزار تأثیرگذار روی سرمایه‌گذاری‌ها با مشکل اساسی روبرو شده و به تبع آن شاهد کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی هستیم و این در حالی است، که سرمایه‌گذاری خارجی هم در ایران عملاً صورت نمی‌گیرد.

تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان‌دهنده این واقعیت است، که چنانچه ایران بخواهد عقب‌ماندگی‌های اقتصادی گذشته را جبران کند، ناچار است حداقل به مدت ۱۰ سال رشد اقتصادی بالای ۱۰ درصد را تجربه کند و شواهد بیانگر این هستند، که در شرایط سیاسی چنین امری محقق نخواهد شد. برای رسیدن به رشد اقتصادی ۷/۳ درصدی پیش‌شرطهایی نظیر افزایش نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی، عدم محدودیت در سرمایه‌گذاری خارجی، از بین رفتن عدم امنیت سرمایه‌گذاری و افزایش بودجه‌های عمرانی بسیار لازم و ضروری است.

### پیام به همایش «اتحاد جمهوریخواهان ایران»

دوستان گرامی! خانم‌ها و آقایان! این همایش پرشکوه و تاریخی را به شما شرکت‌کنندگان و به همه آزادخواهان میهنمان شادباش می‌گویم و برای این همایش، پیروزی آرزو داریم. گردهمایی چنین گسترده‌ای از کوشندگان پیرو مردم‌سالاری، آرزوی دیرینه همه ما بوده است که اینک با خرسندی شاهد برگزاری آن هستیم. به باور ما برگزاری این همایش را یک کامیابی باید دانست که سایه وجد و سرور میان ایرانیان آزادخواه طرفدار هسانگی دمکرات‌های کشورمان با یکدیگر شده است. این پیروزی اما می‌تواند تخته پرشی گردد به سوی پیروزی‌های بیشتر تا که همایش به بیشترین کامیابی خود دست یابد. بی‌گمان موفقیت کامل این نشست بزرگ با این ملاک سنجیده خواهد شد که تا کجا بتواند به ضرورت اتحاد وسیع جمهوریخواهان دمکرات و سکولار ایران پاسخ گوید. این همایش، برخاسته از نیاز مردم ایران است و برای استقرار و بازگشتن آن به میهن دموکراسی در میان مبارزه کرده است و باید که بتواند پاسخگوی همین نیاز باشد. از این‌روست که کامیابی بالای آن، آنگاه نمایان خواهد شد که دامنه پذیرندگان دستاوردهای آن، از گستره آغازگران و تدارک‌کنندگان این «اتحاد»، بس فراتر برود.

استقرار یک جمهوری دمکراتیک و عرفی نیاز به اتحاد گسترده همه مدافعین آن دارد. همه آنان که می‌خواهند ایران ما از چنگ استبداد رهایی یابد، و در آن هیچ سیستم دیکتاتوری اتم از دینی، موروثی و مسلکی بر کشور حاکم نشود. چاره‌ای جز گرد آمدن زیر چتر اتحاد جمهوریخواهی برای استقرار یک جمهوری سکولار و دمکراتیک در کشور ندارند. این تلاش ناگزیر، امروز از آن روحانیت ویژه می‌یابد که اکثریت بزرگ مردم ایران گاه با حضور هوشمندانه در پای صندوق‌های رای و گاه با عدم حضور همدفندانه در انتخابات، و البته در هر دو حالت برای نشان‌دادن اراده خود که هسانا هم‌آوردی با اراده حکومت دینی است، و نیز به اشکال اعتراضی متنوع، خواست تحول‌طلبانه خود را به نمایش می‌گذارند. اکثریت مردم ایران خواستار دگرگونی بنیادین ساختار قدرت سیاسی در کشورند و اندیشه همه‌پرسی برای برون‌رفت از وضعیت کنونی، در حال فرارویی به اراده ملی در میان مردم است. و این تلاش، امروز باز از آن رو بسیار مهم است که آینده سیاسی کشور و هر تحول سیاسی دمکراتیک و ترقی‌خواهانه در ایران ما، وابسته به شکل‌گیری اکثریت تازیبی دمکراتیک در برابر جمهوری اسلامی و میزان تأثیرگذاری آن بر روندهای سیاسی، فرهنگی و فکری جاری است. یاران! با باور ما، نقش ماندگار «اتحاد جمهوریخواهان ایران» در آن خواهد بود که خصلت و ظرفیت جبهه‌ای خود را تحکیم بخشد، در راه اتحاد وسیع سمت بگیرد و خود را آماده برای همکاری و اتحاد با احزاب و سازمان‌های جمهوریخواه دمکرات و دیگر بخش‌های جنبش جمهوریخواهی، دموکراسی خواهی و عرفی‌گرایی در ایران بشناساند.

این «اتحاد» می‌تواند با اتخاذ سستگیری‌های روشن سیاسی، گشاده‌رویی و وسعت نظری، امیدی را که در درون و برون کشور در میان خیل آزادخواهان ایرانی پدید آورده است، سرمایه‌ای برای شکل‌گیری اتحاد وسیع کند. سازمان ما با درود گرم به این همایش تاریخی، بار دیگر، آرزوی خود مبنی بر پیروزی‌های بیشتر این اقدام ملی را، تکرار می‌کند. دست دوستی و همیاری ما با این همایش را بپذیرید.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - هفتم دی ماه ۱۳۸۲





## بیانیه شماره ۲ دفتر تحکیم وحدت (شورای عمومی تهران)

### در خصوص انتخابات مجلس هفتم

سوی ملت و هستی بلند از سوی روشنفکران و تحصیل‌کردگان و احزاب و گروه‌های دلسوز ملت (و نه فقط تشنه قدرت)، نیاز است تا پرده بر این چنین دغل‌بازی بزدان و کوس‌رسان بر چنین به ظاهر انتخاباتی بر بلندای ایران عزیز بکوبند.

در این بیانیه لازم می‌دانیم مطالب ذیل را با دانشجویان و دانشگاهیان و مردم شریف ایران در میان گذاریم:

۱- ما ضمن مشقت و زحمت مستلزم است و اینجاست که فرصتی مناسب برای قضاوت ملت و شناخت اصلاح‌طلبان حقیقی از فرصت سوزان قدرت‌طلب فراهم خواهد آمد و زمینه برای پالایش جریان اصلاح‌طلبی مهیا خواهد شد. رد صلاحیت گسترده داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی در عین اثبات عدم ظرفیت اقتدارگرایان حکومت برای حتی پذیرفتن دموکراسی صوری (که عدم پذیرش ذات و محتوای دموکراسی را مدتهاست به اثبات رسانده‌اند)، موید تحلیل قبلی شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت در بیانیه شماره یک این مجموعه می‌باشد. که انتخابات پیش رو، نه انتخابی دموکراسی‌آفرین و موثر در اداره کشور که تنها انتصابی با جلوه انتخاب است و به درد زشت‌های سیاسی در پای میزهای معامله بر سر منافع ملت برای حفظ قدرت مسمی خورد. و بیش از پیش، پارادکس اقتدارطلبان را در عدم پذیرش واقعی جمهوری و تأثیر رای و انتخاب ملت از سوی و تمایل به استفاده از ویرترین دموکراسی از سوی دیگر آشکار می‌کند. غافل از این که جهان امروز را ماوایی و مسلحانه برای استبداد در لقا انتخاباتی فرمایشی نیست. و فریاد عدم پذیرش و نامشروع‌نشدن چنین انتخاباتی را عزمی راسخ و اراده‌ای استوار از

۲- آنچه که بیش از همه چیز حرکت اعتراضی و جریان اصلاح‌طلبی را تهدید می‌کند، تداوم به سیاستهای کدخدانسانانه و شناخته‌شده‌ای است که همواره منجی اقتدارطلبان از بن‌بست‌ها بوده است و اینک نیز که شورای نگهبان‌شان سیاست به مرگ گرفتن را در پیش گرفته تا همگان را به تب رازی نماید و طبیعی است در روزهای آینده بخواهند با وعده تأیید صلاحیت تعدادی و حضور و دخالت اعتدال‌طلبانه و کدخدانسانانه فردی، در صف معترضان، ایجاد انشقاق نمایند و بساط تحصن اعتراضی نمایندگان را نیز برچینند و دوباره با تکیه بر همان ساختارهای میوید گذشته، روز و روزی خود را از نو آغاز نمایند.

اما خوشبختانه در سالیان اخیر، این شیوه‌ها نخنما شده است و مردم نیز به چیزی جز اصلاح ساختارها رضایت نخواهند داد و این فرض که شورای نگهبان منصوب و امین رهبری، تصمیمی بر خلاف منویات ایشان اتخاذ نماید و این تصور که ایشان از جایگاه داور بی طرف به میانجیگری برخیزند، با توجه به سازون و منصوب‌بودن اعضای شورای نگهبان از طرف ایشان و هماهنگی‌های مستمر سیاستهای اتخاذ شده در بخشهای مختلف تحت امرشان، از اساس پذیرفتنی نبوده و بل خوش‌خیالانه و ساده‌لوحانه است.

فراموش نکنیم که حق بهره‌مندی از انتخابات آزاد و تاثیرگذار، ذاتی بشر است و کسی نمی‌تواند ادعا کند که آن را با لطف و مرحمت و عنایت خود به ملت عطا خواهد کرد و لذا مردم نیز به دور از این جنجالهای کاذب و جنگهای زرگری، تفاوت بین انتخابات و انتصابات را به خوبی دریافته و تصمیم نهایی خود را گرفته و خواهند گرفت. والسلام

## تحصن نمایندگان مجلس شورای اسلامی در اعتراض به رد صلاحیتشان

پیش آمده که نامی نیک از خود به یادگار بگذارد امیدوارم مثل دفعات قبل کوتاه نیاید.

نویسنده: بچه محل  
سلام عزیزان خسته نباشید... امیدوارم تحصن شما سال‌ها طول بکشد... لااقل تریسید و الان که در این شرایط هستی به ملت بگویید که شما هم نتوانستید در این ۴ سال کاری برایشان انجام دهید... بهتر که رد صلاحیت شدید... بگذارید تا جناح راست سرکار بیاید تا ملت کار را یکسره کنند... همان کاری که شما نتوانستید بکنید... باها جان ما از حکومت جز آزادی و آسایش نسبی خواهیم... روشن شد... بخدا دیگه خسته شدیم از گرانی و جریسه و تهدید و... به هر حال سنگ ملت به سینه بزیند تا جیب مبارک...  
نویسنده: همشهری

تا این ولایت عظمای مترقی فقیه هست و این شورای نگهبان خامنه‌ای هست و این مجلس تشخیص مصلحت مولفه هست بدانید مجلس واقعی هم برد نمی‌خورد بنا بر این من در انتخابات شرکت نمی‌کنم

نویسنده: کرا  
می‌بینید. متأسفانه مردم دیگر نمی‌توانند به شما اعتماد کنند. چون آنها را بازی دادید.

آقایان صفایی فراهانی و نبوی که دوستان شما هستند مردم را بازی دادند. آقای رئیس جمهور منافع نظام را بر حقانیت مردم ترجیح داد و مردم دیگر به شما اعتماد نخواهند کرد. آقایان اگر صلاحیت شما تأیید شود. باز هم مردم در انتخابات شرکت نخواهند کرد. تمام شد. مردم از اصلاحات هم گذشتند. کسری دانشجوی ۲۵ ساله از تهران.

نویسنده: بهبود  
دست از سر مردم بردارید. آخه چقدر ما رو بازی می‌دید. بی خیال. خامنه‌ای... همه یکی هستند و ما رو ول کنید اگر راست می‌گویید این تحصن را برای فراندیم بکنید

نویسنده: حمید  
من نمی‌تونم به کسی که برای تأیید صلاحیت خودش خواهان مداخله رهبری!!! می‌شه، اعتماد کنم. رهبر خودش از همه بی‌صلاحیت‌تره، شما که می‌دونید مشکل از خود رهبره، چرا باز هم ازش انتظار دارید؟

ببینم در عمل چه اتفاقی می‌افتد. وی ادامه داد: پیش از این هم مواردی داشته‌ایم که مطلبی مطرح شده و مبنای کار برخی از آقایان مرجع قرار گرفته است، منتهی این مطالب موضوع تعبیر و تفسیر و بزودی قرار گرفته است. این نگرانی وقتی تشدید می‌شود که ما توجه کنیم از اصول مصرح در قانون اساسی توسط شورای نگهبان تفاسیر عجیب صورت می‌گیرد، که به هیچ وجه با مبنای و عرف حقوقی تطبیق ندارد، چه رسد به این‌که با سخنان رهبری تطبیق داشته باشد.

وی در بخش دیگری از این گفتگو به اهداف متحصنین اشاره کرد و گفت: هدف ما برگزاری انتخابات آزاد، سالم، عادلانه و قانونی است و با این هدف اعتراضات خود را دنبال می‌کنیم. آرمین اظهار داشت: تحصن نمایندگان ادامه دارد و زمان خاصی را برای خاتمه آن اعلام نکردیم، و با توجه به شرایطی که پیش می‌آید روش‌ها و اقدامات اعتراضی متناسب با آن روش‌ها را در پیش خواهیم گرفت.

وی اضافه کرد: ممکن است به این نتیجه برسیم که با توجه به شرایط، اقدام دیگری را به جای تحصن انجام دهیم.

ویلاک «متحصنین مجلس»  
وبلاگی برای پخش نظرات متحصنین مجلس راه‌اندازی شده بود، با انتشار توضیحی بخش نظرخواهی این وبلاگ را حذف کرد:

متن یادداشت روابط عمومی متحصنین مجلس به شرح زیر است: توضیح در مورد نظرات کاربران با توجه به امکان سوءاستفاده مخالفان تحصن نمایندگان از برخی نظرات کاربران، مدیریت وبلاگ از کاربران محترم می‌خواهد نظرات اختصاصی خود را از طریق پست الکترونیکی ارسال نمایند. نظرات شما توسط مدیریت وبلاگ و همچنین سخنگوی متحصنین بازمینی خواهد شد. به زودی صفحه مربوط به اعلام حمایت‌ها و پیشنهادهای کاربران در وبلاگی مجزا راه‌اندازی می‌شود. بخشی از اظهار نظرات خوانندگان این وبلاگ بعد از انتشار بیانیه شماره ۸ نمایندگان مجلس قبل از حذف آن به این شکل بوده است: نویسنده: دکتر احمد  
با سلام امروز فرصتی برای مجلس ششم

تحولات روزهای اخیر عرصه سیاست در کشورمان ایران، حکایت از اثبات لزوم تغییر گفتمان رایج جریان اصلاح‌طلب دارد که البته حضور در این عرصه و حرکت در این میدان، نه با در سرداشتن سودای از قدرت و رویای مکتب و در عین حال داشتن امید عافیت و دل‌پستن به کرشمه حکومت و خزیدن در کنج عزلت به هنگام محنت، که با صراحت و جسارت در کلام و جرات و شجاعت در عمل و البته پذیرش مشقت و زحمت مستلزم است و اینجاست که فرصتی مناسب برای قضاوت ملت و شناخت اصلاح‌طلبان حقیقی از فرصت سوزان قدرت‌طلب فراهم خواهد آمد و زمینه برای پالایش جریان اصلاح‌طلبی مهیا خواهد شد.

رد صلاحیت گسترده داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی در عین اثبات عدم ظرفیت اقتدارگرایان حکومت برای حتی پذیرفتن دموکراسی صوری (که عدم پذیرش ذات و محتوای دموکراسی را مدتهاست به اثبات رسانده‌اند)، موید تحلیل قبلی شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت در بیانیه شماره یک این مجموعه می‌باشد. که انتخابات پیش رو، نه انتخابی دموکراسی‌آفرین و موثر در اداره کشور که تنها انتصابی با جلوه انتخاب است و به درد زشت‌های سیاسی در پای میزهای معامله بر سر منافع ملت برای حفظ قدرت مسمی خورد. و بیش از پیش، پارادکس اقتدارطلبان را در عدم پذیرش واقعی جمهوری و تأثیر رای و انتخاب ملت از سوی و تمایل به استفاده از ویرترین دموکراسی از سوی دیگر آشکار می‌کند. غافل از این که جهان امروز را ماوایی و مسلحانه برای استبداد در لقا انتخاباتی فرمایشی نیست. و فریاد عدم پذیرش و نامشروع‌نشدن چنین انتخاباتی را عزمی راسخ و اراده‌ای استوار از

ادامه از صفحه ۳

کرد: البته شورای نگهبان نباید در مقابل کسانی که می‌خواهند گردن‌گفتی نمایند کوتاه بیایند. رهبر حکومت در مورد بررسی صلاحیت داوطلبان که اکنون نماینده مجلس هستند، خاطر نشان کرد: در مورد این افراد، اگر صلاحیت آنان در دوره قبل مورد تأیید قرار گرفته است باید اصل بر صحت گذارده شود، مگر آنکه خلاف آن ثابت گردد.

روز بعد از توصیه‌های خامنه‌ای به شورای نگهبان، جبهه مشارکت همایش اعتراضی داوطلبان رد صلاحیت‌شده را لغو کرد روز ۲۴ دی ماه جبهه مشارکت با انتشار اطلاعیه‌ای از همایشی که قرار بود در روز پنج شنبه ۲۵ دی ماه با حضور همه داوطلبین رد صلاحیت‌شده در سالن شهدای هفتم تیر ماه برگزار شود، خبر داد و اعلام کرد که در آینده این همایشها در استانهای مختلف برگزار خواهد شد.

علوی‌تبار: جبهه دموکراسی در عمل شکل گرفته است  
علی‌رضا علوی تبار گفت: این گونه رد صلاحیت‌های گسترده، خالی‌کردن نهادهای جمهوری از محتوای، وی تصریح کرد: محافظه کاران هر چقدر که بتوانند و زورشان برسد جلو می‌آیند حالا اگر ایران افغانستان نشد، به این دلیل نیست که محافظه کاران نمی‌خواستند، بلکه نتوانستند چنین کاری انجام دهند.

علوی تبار در خصوص ضرورت حضور در انتخابات مجلس هفتم با توجه به شرایط پیش آمده در کشور گفت: در تصمیم‌گیریهای سیاسی باید جمعی تصمیم گرفت، ممکن است موقعی در جمع تصمیم خود ما هم تصویب نشود، اما باید نسبت به تصمیم جمعی تابع بود. وی با اشاره به ضرورت تشکیل جبهه دموکراسی خواهی که برخی اصلاح‌طلبان آن را مطرح کرده‌اند، گفت: به یک معنا این جبهه در حال حاضر شکل گرفته و در عمل بین این نیروها همراهی و همکاری می‌شود ولی باید یک رهبری جمعی تثبیت شده‌تر و منشور حداقلی هم داشته باشد تا با سایر گروهها وجه تمایزش مشخص باشد.

آرمین: ملاک‌های رهبری می‌تواند راهنما باشد  
آرمین گفت: ملاک‌های مطرح شده از سوی مقام معظم رهبری، ملاک‌های خوبی است و می‌تواند راهنما باشد، اما مهم این است که

## ایکاش این صدا خاموش می‌ماند

سهراب مبشری

تقوای اسلامی‌اند می‌ارزد، انسانهایی که بدون دانستن فارسی، کلام جاودان حکیم شیراز را رهنمای همه زندگی خود قرار داده‌اند و چو عضوی به درد آورد روزگار، قرار برایشان نمی‌ماند و خانواده را در ایام مهمترین عید خود به مقصدی در - دوازده هزار کیلومتر آنسوتر ترک می‌کنند. آنوقت حسین انسانها از زبان عالی‌ترین نماینده دولت کشوری که به کمکش شافته‌اند، بدترین فحاشی‌ها را به کل کشورشان می‌شنوند. نکته جالب اینجاست که همین مقام، به خوبی می‌داند که گماشتگانش در جلب محبت دستگاه حکومتی جرح دلبیو بوش، سخت درگیر مسایلهای پنهانی‌اند. مگر چند ماه پیش محسن رضایی از منصوبین رهبر در «مجمع تشخیص مصلحت» و دبیر همین مجمع نبود که در آتن کوشید پیامی به گوش کاخ سفید برساند؟ چقدر وقاحت لازم است که انسان از یک سو سیل فحش را به سمت کل یک ملت و از جمله کسانی که به یاری ملتش شافته‌اند سرازیر و از سوی دیگر، پانیدی را رهبری کند که همه هدفش گرفتن چک سفید از آقای بوش برای تداوم وجود حکومت اسلامی است؟

ایکاش صدای آقای خامنه‌ای خاموش می‌ماند و آبروی ما ایرانی‌ها را نمی‌برد. نمی‌شد این یک دفعه را این آقا خاموش می‌ماند؟

ما مردم ایران، صاحبان سعدی و مولوی و حافظ و فردوسی و خیام، لایق رهبرانی بهتر از اینها نیستیم. این تنگ را از دامن خود بزدایم که امثال آقای سیدعلی خامنه‌ای از جانب ما سخن بگویند. به کابوس ولایت فقیه پایان دهم تا دیگر عرق شرم بر پیشانی ما نشیند، وقتی دردی و نمک‌نشناسی در کلام رهبر حکومت ایران موج می‌زند.

مردم جهان! این ایران نیست که سخن می‌گوید. سخن ایران را در چهره آن مادر رنجور بسی بجوید که از ورای اشک حلقه‌زده در چشمانش، نگاه میر خود را به آن زن پزشک آمریکایی دوخته بود که نوزاد او را زیر چادر سالم به دنیا آورده بود، زنی آمریکایی که برایش اصلا مهم نبود که پاسداران شریعت، کار او را با روسری تحمیلی و نامالوف، سخت‌تر از آنچه بود کرده بودند، بلکه باتری انساندوستی خود را با برق نگاه بیماران ایرانی خود تا مادها و بلکه سالها شارژ می‌کرد. زنی آمریکایی که چه بسا نظرش در باره دستگاه رهبری بوش، او را از هرگونه مسئولیت بابت کارنامه این دولت مبری کرد.

اصلاح‌طلبان درون حکومت! تا کی می‌خواهید حریم مصنوعی فردی را رعایت کنید که برایتان این قدر مسایه آبروریزی است؟ احساس شرف و حرمت انسانی حکم نمی‌کند که از صاحب واژگانی چنین چرکین تبری جوید؟ چه چیز در این دنیا که خود آن را فانی می‌دانید، ارزش آن را دارد که انسان، ننگ قرارگرفتن در زیر بیرق دروغ، وقاحت و نمک‌نشناسی را در ازای آن به جان بخرد؟  
به نقل از اخبار روز

ما ایرانی‌ها هر عیب که داشته باشیم، بی چشم و رو نیستیم. در فرهنگ ایرانی، نمک‌ناشناسی قباحث بسیار دارد. قدر خوبی را دانستن و این قدردانی را نشان دادن، از نخستین درس‌هایی است که به کودکان خود می‌دهیم. اما به نظر می‌رسد برخی حضرات دارای شناسنامه ایرانی، از این گونه تربیت محروم بوده‌اند.

آقای سیدعلی خامنه‌ای این هفته در سخنانی که به مناسبت سالگرد جرقه نخستین انقلاب (انتشار مقاله‌ای در باره آیت‌الله خمینی در روزنامه اطلاعات و تظاهرات اعتراض‌آمیز ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم علیه آن) ایراد کرد، هنر گنجاندن سه خطا در یک ترکیب کلامی پنج واژه‌ای را به نمایش گذاشت و واکنش ایالات متحده در قبال زلزله اخیر هم را به «پنجه چدنی در دستکش حریر» تشبیه کرد. مشت آهنین شنیده بودیم، اما معلوم نیست پنجه چدنی دیگر چه صیغهای است. دستکش حریر هم نه وجود دارد و اگر هم وجود داشت به خاطر ویژگی‌های حریر، قاعدتا به کار پنهان‌کردن مشت آهنین نمی‌آمد.

از این فارسی مشتعش بگذریم و به محتوای سخنان نامبرده توجه کنیم. بدین منظور بد نیست ببینیم آقای احمد بورقانی از اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی طی مقاله‌ای در سایت توقیف‌شده امروز، از مشاهداتش طی سفر به بم چه نوشته است: «تا روز ۱۵ دیماه ۲۹۶ فروند هواپیمای خارجی در کنار سیل پایان‌ناپذیر کمک‌های مردمی و داخلی، بار خود را در بم بر زمین نهاده‌اند. از این میان عربستان با ۲۵ پرواز، ترکیه و آذربایجان هر یک با یک ۲۳ پرواز و آمریکا با ۲۱ پرواز ردیف اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند و به لحاظ تناژ بار عربستان، آمریکا و آلمان در صدراند... در این میان اقدام فوری آمریکا در ارسال کمک و اعزام یک تیم مجیز پزشکی، به نظر من قابل توجه و تامل است. تیم هشاد نفره آمریکا دیروز تمام تجهیزات و مجموعه بیمارستانی خود را تحویل صلیب سرخ جهانی داد، یعنی برای زلزله‌زدگان باقی نهاد و راه بازگشت پیش گرفت. آمریکایی‌ها در مدت اقامت کمتر از یک هفته خود طبق گزارش گروه پزشکان داوطلب ما، آقایان دکتر شایانوش، ذوالریاستین و عاکف، بیش از ۷۷۷ مریض و بیمار را معاینه و درمان کردند و گویا چندین آساده بازگشت نمودند اما برخی بی‌رسی‌های پنهان ایشان را به بازگشت زود هنگام تحمیل کرده».

آقای خامنه‌ای نیک‌بازی ندید تا از خیل امدادگران خارجی و از جمله هشاد آمریکایی که عید سال جدید خود را در کنار مردم بم گذراندند، تشکر کند، و به جای آن، بدون آنکه زحمت جدا کردن حساب این انسانهای شریف از حساب دولتمردان آمریکا را به خود بدهد، «آمریکها، را به باد نسا زگرفت. هر کس، هر قدر هم که مغزش متحجر و افکش حقیر باشد، می‌داند که آمریکا یعنی نزدیک به سیصد میلیون انسان، انسانهایی که یک موی بسیاری از آنها به صد نفر امثال کسانی که مدعی آتشین دین‌پناهی و

### پشتیبانی نمایندگان پارلمان جمهوری فدرال آلمان از تحصن نمایندگان مجلس ایران

موجب گشته که افکار عمومی دنیا از نقض غیرقابل قبول حقوق دموکراتیک و محدودسازی آن در ایران آگاه گردد. معذالک یک لیست بلندبالایی از شهروندان ایران وجود دارد که فاقد امکانات لازم برای اعتراض موثر بر علیه رد نامزدی خود هستند.

نمایندگان آلمانی نوشته‌اند: ما معتقدیم که همه این رد صلاحیت‌ها باید پس گرفته شود. در ادامه این اطلاعیه خطاب به نمایندگان مجلس ایران آمده است: ما نمایندگان پارلمان آلمان از همه فراکسیونها و اعضای گروه پارلمانی آلمان و ایران، از خواست قانونی شما برای حضور در انتخابات به عنوان یک حق دموکراتیک و درخواست از شورای نگهبان که در برابر این حضور مانع تراشی نکند پشتیبانی می‌کنیم. مقام‌های مسئول در ایران باید شرایط لازم برای یک انتخابات آزاد را فراهم آورند.

ایران کنوانسیون‌های بین‌المللی بسیاری را امضا کرده است که در آنها حق انتخاب آزادانه، به صورت شرکت یا عدم شرکت، تضمین شده است. نقض این حقوق چهره بین‌المللی ایران را مخدوش و به مشروعیت آن صدمه خواهد زد.

اعضای گروه پارلمانی آلمان و ایران در پارلمان جمهوری فدرال آلمان با انتشار یک اطلاعیه مطبوعاتی حمایت خود را از تحصن نمایندگان مجلس ایران اعلام کردند. این اطلاعیه مطبوعاتی را رودولف بیدینگ رئیس فراکسیون حزب حاکم سوسیال دموکرات آلمان، کلودیآ روت جانشین رئیس فراکسیون سبزها، هلموت شاورته جانشین رئیس فراکسیون احزاب دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی و رایسنه فونک جانشین رئیس فراکسیون حزب لیبرال‌های آزاد آلمان امضا کردند.

در این اطلاعیه که روز پنجشنبه ۲۵ دیماه در مطبوعات آلمان انتشار یافت، آمده است: همکاران محترم؛ ما از تحصن شما در مجلس و اعتراض‌تان بر علیه رد کاندیداتوری شما برای انتخابات پیش رو پشتیبانی می‌کنیم. همبستگی ما همچنین شامل اعتراض شما بر علیه رد صلاحیت‌های دلخواهی در قانون انتخابات ایران نیز می‌شود.

نمایندگان پارلمان آلمان در ادامه اطلاعیه خود نوشته‌اند: اعتراض نمایندگان مجلس ایران



## پیرامون داوری سازمان بین‌المللی کار در باره وضعیت تشکل در ایران

پس از انتخاب مجدد خاتمی به ریاست جمهوری، تغییراتی نیز در کابینه جدید او وجود آمد. در اثر این تغییرات عده‌ای از وزیران کابینه پیشین جای خود را به وزیران تازه دادند. حسین کمالی که چند دوره به عنوان وزیر کار سر به راه، در دولت‌های گذشته و کابینه اول خاتمی شرکت داشت، در کابینه دوم خاتمی جای خود را به صفر حسینی داد. با کنار گذاشته شدن کمالی تقریباً اکثریت کسانی که در دوران وزارت او در سمت‌های مدیریتی وزارت کار، به کار برگمارده شده بودند نیز جای خود را به افراد تازه‌ای دادند.

گرداندگان حکومت‌گرایه خانۀ کارگر که آقای کمالی حدود دو دهه در رأس آن‌ها قرار داشت، انتظار هند چیز را داشتند جز این‌که روزی در جمهوری اسلامی پس از آن همه خدماتی که به نظام کرده بودند، از کار برکنار شوند. در دوران وزارت کمالی علاوه بر وزارت کار سازمان تامین اجتماعی، اتحادیه بین‌المللی کار و همه افراد و ارگان‌های مرتبط با مسائل کارگری در تسلط بلامنزاع خانۀ کارگر قرار داشت. حتی سرپرست پیشین روزنامه کار و کارگر و آقای علی ربیعی نیز که در سرکوب تشکل‌های مستقل و فعالین آن‌ها نقش اصلی را داشت، پیوسته مقام معاونت اول سازمان بین‌المللی کار و همکاران و همکاران او امکانات خانۀ کارگر هم به شدت محدود گشت که این خود در واقع امر سرآغاز رودررویی و مخالفت گرداندگان خانۀ کارگر با دولت تحت کنترل جبهه مشارکت بود. یکی از پیاده‌های این کمشکل‌ها کشیده شدن پای نمایندگان سازمان بین‌المللی کار به ایران و اظهار نظر آن‌ها

است. مبارزه خانۀ کارگر برای بازگشت به قدرت تا آنجا پیش رفت که خانۀ کارگر تصمیم گرفت برای مرعوب کردن رقیب به سازمان بین‌المللی کار مراجعه و از دست دولت جدید به خاطر برخی از تغییراتی که در قوانین داده شده بود و یا عدم احترام دولت به آن‌ها شکایت کند. بدین ترتیب بود که خانۀ کارگر و دولت‌های گوناگون گذشته که تا پیش از آن کارشان در کنفرانس‌های سالیانه سازمان بین‌المللی کار رفیع و رجوع اعمال خلاف خود و پنهان کردن پایمال‌سازی حقوق کارگران بود، برای تصفیه حساب‌های گروهی پای سازمان بین‌المللی کار را به ایران باز کردند.

اصلاً حشودت آن طور که خانۀ کارگر می‌خواست پیش نرفت، مشارکتی‌های طرف دعوا پس از آمد و رفت‌های هیئت ویژه سازمان بین‌المللی کار موفق شدند تا با نشان دادن فرمایشی بودن و عدم محبوبیت خانۀ کارگر در میان کارگران و در نهایت با انتقاد و امضای تفاهم‌نامه با سازمان بین‌المللی کار حریف را خلع سلاح و در موضع تدافعی قرار دهند. به طوری که خانۀ کارگر به ناگهان تغییر موضع داده و به مخالفت با توافق وزارت کار با سازمان بین‌المللی کار پرداخت، زیرا که طبق داوری هیئت ویژه سازمان بین‌المللی کار، هم‌قانون شوراها را اعلام کرده است. پس بر مبنای آن بوجود آمده را ناقض حقوق سندیکایی کارگران اعلام کرده است و هم خانۀ کارگر را به عنوان تشکلی که در مغایرت با کنوانسیون‌های مربوط به حقوق سندیکایی تشکل و فعالیت می‌کند اعلام کرده است. پس از امضای تفاهم‌نامه مذکور که با استقبال فعالین مستقل کارگری مواجه گردید خانۀ کارگر حمایت شدیدی را بر علیه این تفاهم‌نامه و در مخالفت با پذیرش حق فعالیت سندیکایا آغاز کرده است.

تضاد و اختلاف بین جناح‌های درون حکومتی و به داوری طلبیدن سازمان بین‌المللی کار فضا را برای فعالیت مجدد سندیکای کارگری تا حدی فراهم کرده است. فعالین مستقل سندیکایی که تشکل‌های پنهان در اثر سرکوب و هجوم مشترک نهادهای امنیتی حکومت و خانۀ کارگر تعطیل و مصادره شده بود، در سال‌های اخیر و حتی پیش از آن که پای سازمان بین‌المللی کار به ایران باز شود تلاش‌های گسترده و پیگیرانه‌ای را برای احیا و تشکلی و سازماندهی مجدد تشکل‌های مطلوب خود آغاز کرده‌اند. نگاهی به اظهار نظرات، قطعنامه‌ها، نوشته‌ها و درخواست‌هایی که در سه سال گذشته به وسیله این فعالین در روزنامه‌ها و نشریات و سخنرانی‌های آن‌ها طرح و درخواست شده‌اند نشان‌دهنده استقلال عمل و تلاش‌های آن‌هاست. پذیرش کنوانسیون‌های مربوط به حقوق سندیکایی و حتی امضای تفاهم‌نامه بین اداره کار ایران و سازمان بین‌المللی کار هنوز به معنی پذیرش عملی فعالیت سندیکایا و اتحادیه‌های مستقل کارگری در ایران نیست و هنوز راه درازی در پیش است. ای بسا که در جریان این روند دوباره میان جناح‌های درون حکومت سازش‌ها

می‌خواست پیش نرفت، مشارکتی‌های طرف دعوا پس از آمد و رفت‌های هیئت ویژه سازمان بین‌المللی کار موفق شدند تا با نشان دادن فرمایشی بودن و عدم محبوبیت خانۀ کارگر در میان کارگران و در نهایت با انتقاد و امضای تفاهم‌نامه با سازمان بین‌المللی کار حریف را خلع سلاح و در موضع تدافعی قرار دهند. به طوری که خانۀ کارگر به ناگهان تغییر موضع داده و به مخالفت با توافق وزارت کار با سازمان بین‌المللی کار پرداخت، زیرا که طبق داوری هیئت ویژه سازمان بین‌المللی کار، هم‌قانون شوراها را اعلام کرده است. پس بر مبنای آن بوجود آمده را ناقض حقوق سندیکایی کارگران اعلام کرده است و هم خانۀ کارگر را به عنوان تشکلی که در مغایرت با کنوانسیون‌های مربوط به حقوق سندیکایی تشکل و فعالیت می‌کند اعلام کرده است. پس از امضای تفاهم‌نامه مذکور که با استقبال فعالین مستقل کارگری مواجه گردید خانۀ کارگر حمایت شدیدی را بر علیه این تفاهم‌نامه و در مخالفت با پذیرش حق فعالیت سندیکایا آغاز کرده است.

توفقات تازه‌ای صورت گیرد. بی‌دلیل نیست که دولت هنوز از تنظیم لایحه اصلاح اصل ششم قانون کار و ارائه آن به مجلس برای تصویب خودداری می‌کند. زیرا به لحاظ قانونی هنوز سه نوع تشکل در ایران حق فعالیت دارند که عبارتند از شورای اسلامی کار، انجمن صنفی و نماینده وزارت کار هم هنوز رسماً اعلام نکرده است که با قانونی شدن سندیکایا موافق است. و یا انجمن‌های صنفی حتی با این که انجمن‌های صنفی طبق قانون کار فعلی مجاز شمرده می‌شوند هنوز به انجمن‌های صنفی مستقل اجازه فعالیت قانونی داده نمی‌شود. در حالی که هنوز به چیزی به بار است و نه به دار. از آغاز سفر هیئت ویژه سازمان بین‌المللی کار به ایران تاکنون علاوه بر خانۀ کارگر که با شدت با تفاهم‌نامه سازمان بین‌المللی کار و وزارت کار مخالفت می‌کند و در حالی که هنوز هیچ گونه تلاشی از جانب دولت برای اجرای آن صورت نگرفته، به دلیل فهم درست این ساله توسط فعالین مستقل سندیکایی داخل کشور و استقبال آن‌ها از این توافق عده‌ای از نیروهای چپ رادیکال بی‌اطلاع از سطح واقعی رشد و آگاهی تشکلیاتی در میان کارگران و مزدبگیران و توازن قوا اجتماعی موجود در جامعه و در جهان، بدون توجه به موضوع‌گیری‌های کاملاً واضح و صریح فعالین سندیکایی به اشکال و به زبان‌های گوناگون آن‌ها را متهم به همکاری با بورژوازی کرده و به آن‌ها و فعالیت‌های آن‌ها حمله می‌کنند. این جریانات بدون این که بگویند از نظر آن‌ها نمایندگان مستقل و فعالین مستقل کارگری چه کسانی و در کجا هستند، در واقع دانسته و با ندادنسته فعالین مستقل و نمایندگان واقعی کارگران و مزدبگیران را آن هم به قول خودشان از موضع رادیکال مورد حمله و سرزنش قرار می‌دهند. گرداندگان خانۀ کارگر جمهوری اسلامی نیز اتفاقاً به هنگام مراجعه به اتحادیه‌های بین‌المللی کارگری برای توجیح مخالفت خود با فعالیت سندیکایا مستقل کارگری اظهارات و نوشته‌های این نوع رادیکال‌ها را برای آن‌ها می‌فرستد و می‌گویند ببینید ما تنها نیستیم که مخالف سندیکالیسم و فرمیسم هستیم. این‌ها هم مخالف سندیکالیسم هستند و لایه طرفدار شورا!

دسته دیگری نیز هستند که در خارج نشسته و به خود اجازه می‌دهند که به فعالین داخل رهنمود بدهند که آن‌ها چه بکنند و چه نکنند. از همه بدتر این که عده‌ای ستاد مبارزه برای مقابله با تشکل سندیکایا کارگری را از هم‌اکنون بوجود آورده و از دیگران دعوت می‌کنند که به آن‌ها پیوندند. به عقیده من، باز شدن پای نمایندگان سازمان بین‌المللی کار به ایران بنا بر هر دلیل و علتی که صورت گرفته باشد باید مورد استقبال همه فعالین مستقل سندیکایی قرار گرفته و آن‌ها از این فرصت برای طرح خواسته‌ها و مطالبات خود که به رسیت شناخته شدن فعالیت سندیکایا مستقل مطابق با کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار جزو مهم‌ترین آن‌ها است استفاده نمایند. اتفاقاً نمایندگان اعزامی سازمان بین‌المللی کار به ایران تاکنون برخورد منتفانده‌ای داشته و

### اطلاعیه کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران

#### درباره تلاش‌های خانۀ کارگر

جمهوری اسلامی ایران برای اشغال کرسی نمایندگی کارگران ایران در فدراسیون سندیکایی جهانی F.S.M تشکل حکومت‌ساخته و ایدئولوژیک خانۀ کارگر که از آغاز فعالیت خود تاکنون، کاری جز تفرقه‌افکنی و شرکت در سرکوب سندیکایا، شوراها، اتحادیه‌ها و تشکل‌های مستقل کارگری انجام نداده است و با بودجه و حمایت همه‌جانبه حکومت جمهوری اسلامی توانسته پابرجا بماند، در ماه‌های گذشته کوشش‌های خود را برای غصب کرسی نمایندگی کارگران ایران در فدراسیون سندیکایی جهانی افزایش داده است.

لازم به یادآوری است که کوشش‌های یک دهه گذشته خانۀ کارگر برای پیوستن به F.S.M در اثر مخالفت و افشاکاری کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران و حمایت بسیاری از سندیکایا و اتحادیه‌های عضو S.F.M تاکنون عقیم مانده است. آخرین تلاش گرداندگان حکومت‌گرایه خانۀ کارگر برای پیوستن به فدراسیون سندیکایی جهانی به کمک نماینده اتحادیه کارگران عراق در دوران صدام حسین، در اثر تلاش‌های افشاکر و مخالفت کمیسیون ارتباطات سندیکایی نافرجام ماند.

گرداندگان حکومتی خانۀ کارگر جمهوری اسلامی تصور می‌کردند که می‌توانند به همان آسانی که پس از شرکت در سرکوب سندیکایا، اتحادیه‌ها و شوراها، مستقل کارگری و فعالین آن‌ها توانسته با استفاده از پشتیبانی همه‌جانبه حکومتی خانۀ کارگر را غصب و به اشغال خود درآورند می‌توانند به آسانی با دروغ، نیرنگ و صحنه‌آرایی و جلب حمایت برخی از مقامات و مسئولین اتحادیه‌های کارگری عرب که کشورهای آن‌ها با جمهوری اسلامی روابط حسنه دارند، زمینه پیوستن به S.F.M و کرسی نمایندگی کارگران ایران در فدراسیون جهانی را مهیا نمایند. به همین دلیل اخیراً ملاقات‌هایی بین سران خانۀ کارگر و نمایندگان از اتحادیه‌های کارگری لبنان، سوریه و دبیر کل سندیکایا عرب، در تهران و دمشق صورت گرفته که در این ملاقات‌ها سران خانۀ کارگر برای مجاب‌کردن هیئت‌های عربی دروغ‌های شاخدار در مورد موقعیت خانۀ کارگر و تعدد اعضای آن تحویل طرف مقابل داده‌اند.

به عنوان مثال کریم صادق‌زاده یکی از گرداندگان خانۀ کارگر گفته است که خانۀ کارگر ۲۵ میلیون نفر از کارگران و خانواده‌های آن‌ها را تحت پوشش دارد! نمایندگان اتحادیه‌های عربی حاضر در این ملاقات‌ها آن طور که در گزارشات منتشره آمده است بیشتر به جای گفتگو در مورد مقامات کارگری راجع به روابط حسنه دولت‌های ایران و سوریه اشاره کرده و این روابط را مورد تمجید قرار داده‌اند. بنا به همین گزارشات علاوه بر سفیر ایران در سوریه، حسن جمال دبیر کل اتحادیه کارگران عرب نیز در این ملاقات‌ها حضور داشته و هیئت سوری در تهران با وزیر کار و رئیس مجلس نیز دیدار داشته‌اند.

این ملاقات‌ها و این تلاش‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که فعالین مستقل سندیکایی ایران تلاش‌های گسترده‌ای را از سال‌ها پیش برای احیا و سازماندهی تشکل‌های خویش آغاز کرده‌اند. و سازمان بین‌المللی کار نیز هم قانون شوراها را اعلام کرده است و هم خانۀ کارگر به لحاظ حقوقی بر مبنای بین‌المللی کار اعلام کرده است.

کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران که تاکنون توانسته است با جلب حمایت بسیاری از اتحادیه‌های عضو فدراسیون سندیکایی جهانی مانع انتقال کرسی نمایندگی کارگران ایران در این فدراسیون شود نسبت به این تلاش‌ها هشدار می‌دهد. ما معتقدیم که اگر برخی از نمایندگان اتحادیه‌های کارگری بخوانند به خانۀ کارگر برای پیوستن به فدراسیون سندیکایی جهانی کمک کرده و برای آن به هر دلیلی مشروعیت برتراشند به مناسبت برادرانه کارگران کشورهای عربی و ایران آسیب وارد نموده‌اند. ما در آمیختن مناسبات اتحادیه‌های کارگری با مناسبات دولتی و وجه‌المصلحت قرار دادن منافع کارگران در این رابطه را مردود داشته و محکوم می‌کنیم. به نظر ما مربوط کردن مناسبات اتحادیه‌ها با دولت‌ها به زیان اتحادیه‌های کارگری مستقل و مغایر با حقوق شناخته شده اتحادیه‌ها است. به نظر ما این گونه تلاش‌ها بیش از هر چیز به خود اتحادیه‌های کارگری عرب آسیب وارد آورده و استقلال عمل آن‌ها از دولت‌ها را زیر علامت سوال قرار خواهد داد.

بدینوسیله است که کمیسیون ارتباطات سندیکایی با هر نوع تلاشی که به منظور کمک به خانۀ کارگر برای پیوستن به فدراسیون سندیکایی جهانی صورت بگیرد بدون توجه به منشا این تلاش هم‌چون گذشته و با جدیت مخالفت خواهد کرد.

کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران - دهم دی ماه ۸۲

مخالفت کرد. فعالین مستقل سندیکایی هم آن‌هایی هستند که امروزه علناً و آشکاراً و در شرایط دشوار کنونی دارند برای سازماندهی سندیکایا و تشکل‌های مستقل کارگری تلاش و مبارزه می‌کنند. بنابراین به جای حمله به آن‌ها بایستی مورد پشتیبانی قرار گرفته و هست و الایشان را راجع نهاد.

اظهارات و پیشنهادات آن‌ها به سود فعالین مستقل و سندیکایا مستقل کارگری بوده است. بنابراین نباید با قصاص قبل از جنایت در مورد آن‌ها به قضاوت و غیب‌گویی پرداخت. باید منتظر ماند اگر چنانچه آن‌ها در آینده خواستند دخالت ناروا و جانبدارانه‌ای بکنند، آن وقت آن‌ها را مورد استناد قرار داد و به آن‌ها

## اعتراض هیات موسس سندیکایا کارگری

### نسبت به برگزارکنندگان همایش ملی کار

هیات موسس سندیکایا کارگری با انتشار بیانیهای نسبت به نحوه برگزاری همایش ملی کار اعتراض کردند. در این بیانیه، نسبت به مطالب و قول‌هایی که در چهارمین همایش ملی کار داده شد، اعتراض شده است. در این بیانیه با طرح این سؤال که «آیا فقط تعدادی تشکل غیر سندیکایی، نمایندگی کارگران کشور را به عهده دارند؟»، آمده است: «همایش ملی کار اگر نتواند از محدوده تنگ فعلی خود خارج شود، بی‌شک به نئوسوسیالیزم می‌رسد. بی‌شک به نئوسوسیالیزم می‌رسد. بی‌شک به نئوسوسیالیزم می‌رسد. بی‌شک به نئوسوسیالیزم می‌رسد.»

پایانی این همایش تکلیف اجرای مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین‌المللی کار در زمینه آزادی سندیکایا کارگری مشخص شود، انتظار این است که اراده‌های مصمم و پویا این همه را رسیت بپوشد. این بیانیه به نحوه دعوت از شرکت‌کنندگان اشاره کرده و تصریح می‌کند: «دبیر یا دبیران همایش می‌توانستند و باید از کلیه کارگران کشور و یا نمایندگان واقعی آنان برای شرکت در همایش دعوت می‌کردند.»

موسسان سندیکایا کارگری با اعلام اعتراض خود نسبت به نحوه برگزاری همایش، اعلام کرده‌اند که خواستار برآورده شدن انتظارات خود در مورد قانونی کردن سواد مقاله‌نامه‌های ۹۸ و ۸۷ سازمان جهانی کار، رفع محدودیت‌های غیرقانونی سندیکایا کارگری، ایجاد شرایط مناسب برای ثبت تشکل‌های کارگری، ایجاد بحث‌های آزاد سندیکایی هستند.

در ادامه این بیانیه به بخشی از سخنان رییس همایش - خواجه نوری - اشاره شده و می‌افزاید: «وقتی گفته می‌شود که بسبب بهره‌وری کار و اشتغال معیارهای بهره‌وری در گرو تناسب حداقل مزد با حداقل معیشت است و وقتی ایشان ابراز همدردی می‌کنند که در کمیسیون‌های همایش ملی کار و در قطع‌نامه

## آمار کمک‌های جهانی به بم انتشار یافت

وزارت خارجه جمهوری اسلامی با انتشار گزارشی میزان کمک‌های بشردوستانه کشورهای سازمان‌های خارجی به زلزله‌زدگان بم را اعلام کرده است.

روزنامه ایران چاپ تهران به نقل از بزرگمهر زیاران مدیرکل اقتصادی وزارت خارجه نوشته است: ۶۸ کشور، ۹ سازمان بین‌المللی کمک‌رسان، ۷ سازمان دولتی و ۷۰ سازمان امدادرسان غیردولتی در کمک به ایران مشارکت داشته‌اند و ارزش کمک‌های غیرنقدی به زلزله‌زدگان به حدود ۷۶ میلیون دلار می‌رسد.

سه هزار امدادگر خارجی نیز شامل پزشک، پرستار و نیروهای امدادی برای کمک به زلزله‌زدگان بم وارد ایران شدند. به گفته آقای زیاران، ارسال کمک‌های خارجی همچنان ادامه دارد. بعد از وقوع زلزله بم، ایران آسمان خود را به روی هواپیمای امدادرسان خارجی گشود و آمادگی خود را برای دریافت کمک از تمام کشورها به جز اسرائیل اعلام کرد. این کمک‌ها به وسیله ۲۴۰ فروند هواپیما به ایران حمل شده است که به گفته آقای زیاران نوع کمک‌های ارسالی به مرور

تخصصی‌تر شده و در برگیرنده لوازم اسکان موقت و راهدانازی خدمات اولیه و زیرساختی است. برخی کشورها نظیر بریتانیا و عربستان سعودی هواپیمایی را در اختیار ایران قرار داده‌اند که هواپیمای سعودی شامل یک بیمارستان مخصوص حمل مجروح بوده است.

سازمانهای بین‌المللی هم‌زمان، سازمان‌های مختلف در جهان به کمک‌های خود برای مقابله با عواقب انسانی زلزله بم ادامه می‌دهند. سازمان صلیب سرخ جهانی و سازمان ملل ۷۲ میلیون دلار کمک برای اسکان موقت زلزله‌زدگان اختصاص داده‌اند. سازمان صلیب سرخ جهانی در یک برنامه ۶ ماهه ۴۳ میلیون دلار و سازمان ملل در یک برنامه سه ماهه ۲۹ میلیون و ۴۰۰ هزار دلار کمک در اختیار زلزله‌زدگان قرار خواهند داد. این اعتبارات در بخش‌های خدمات بهداشتی و آموزشی، اسکان زلزله‌زدگان و رسیدگی به آثار زلزله بر میراث فرهنگی بم هزینه می‌شود. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز اعلام کرده‌اند که ۴۰۰ میلیون دلار

## شهرداری ۸۰ میلیارد

### تومان را بدون مناقصه

### دراختیار سپاه قرار داد

اطلاعاتی از روند قراردادهای شهرداری تهران با قرارگاه خاتم‌الانبیا

یک منبع نزدیک به شهرداری تهران روز شنبه به خبرنگار رویداد اطلاع داد که شهرداری تهران تاکنون در مجموع ۸۰ میلیارد تومان با قرارگاه خاتم‌الانبیا سپاه قرارداد بسته است. به گفته این منبع، این قراردادها بدون مناقصه صورت گرفته است و موضوع آن پروژه‌های عمرانی شهر تهران است.

برای بازسازی بم اختصاص خواهند داد. بخشی از این کمک شامل اعطای اعتبار است و ابعاد آن در سفر وزرای دارایی کویت و عربستان به تهران مشخص تر خواهد شد.

## گزارشی از همایش «اتحاد جمهوریخواهان ایران»

همایش جمهوریخواهان با تعیین هیات رئیسه دائم و با تصویب آئین‌نامه اداره اجلاس و دستور کار آن از ظهر روز پنجشنبه آغاز گردید.

در آغاز پروفیسور ولف دیتلر استاد علوم سیاسی دانشگاه آزاد برلین سخنرانی کرد. او در سخنان خود با اشاره به تاریخ معاصر ایران از مردم ایران و فعالان سیاسی و اجتماعی آن، انقلاب ۱۹۷۹ ایران را مورد تأکید قرار داد و هرگونه تلاش برای تحول آتی در ایران را نه ضرر و زیاده بلکه تدریجی و معطوف به تحول بسپاری در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران دانست.

نار از اینکه جمعی از ایرانیان توانسته‌اند اینک با تکیه به اشتراکات خودگرد هم آیند و بنیان‌های نوینی برای تحولات آتی را بنا نهند، ابراز خرسندی کرد و برای همایش جمهوریخواهان ایران آرزوی موفقیت و کامیابی نمود.

سخنران بعدی آقای خسرو قدیری از جبهه ملی ایران (برونمرز) پیام این جبهه را خطاب به همایش «اتحاد جمهوریخواهان ایران» قرائت کرد.

آقای قدیری ضمن تبریک جبهه ملی ایران پرون مرز به نخستین همایش و آرزوی پیروزی آن، یادآور شد دست‌اندرکاران و برگزارکنندگان همایش جمهوریخواهان ایران در برلین توجه نمایند که همه چشم به راه نتیجه این همایش هستند و باید در سطحی بالاتر از مصالح فردی و گروهی قدم برداشت. چه اثرات شکست این همایش شاید از وجه پیروزیش تکان‌دهنده‌تر باشد.

دکتر اکبر مهدی استاد دانشگاه ساکن آمریکا سخنران بعدی بود که در اظهارات خود در زمینه‌هایی همچون «بده و پایگاه اجتماعی جمهوریخواهان در جامعه ایران»، «مشروعیت کارآمدی این جریان»، «قانون‌نمندی، مردمسالاری و حقوق بشر، تشرکریایی و «تجربه غرب و احتیاط در الگوبرداری از آن» نکاتی را مطرح نمود.

آقای فتواد تابان سردبیر نشریه اینترنتی اخبار روز، به عنوان دیگر سخنران این همایش برخی حساسیت‌ها و ملاحظات که گردآمدگان در همایش باید به آنها توجه داشته باشند را مورد اشاره قرار داد و از جمله تأکید کرد که این همایش نباید خود را نگاهبان و سرپرست جمهوریخواهان اپوزیسیون در خارج کشور قلمداد کند و اینکه واقعیت عدم حضور احزاب و سازمان‌های سیاسی را باید توجه داشت و از آن به عنوان یک نقطه ضعف یاد کرد.

آقای مهدی سخنران بعدی ملی مذهبی ساکن پاریس در سخنان خودشان از بسیاری مرزبندی‌های خودی و غیرخودی که در جامعه ایران شیوع دارد سخن گفت. وی تأکید نمود که فقط بیانیه‌ها و اساسنامه‌های زیبا و بی‌نقص به صورت تئوری کافی نیست و عمل آن را شرط موفقیت دانست و پایبندی عملی و اصولی به مفاد بیانیه را شرط تقوی شمرد. در غیر این صورت اجماع جمهوریخواهان مانند گذشته چشم‌انداز موفق را نوید نخواهد داد.

خانم ویکتوریا آزاد از فعالان سیاسی و نیز حقوق زنان که ساکن سوئد هستند در سخنرانی خود به این نکته توجه داد که در رشد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران نباید اغراق کرد و شعارهایی فراتر از سطح رشد کنونی جامعه داد. و شعارهایی همچون جایگزینی یکبارزه رژیم یا لایسته برای ایران هنوز خام و پیش‌رس است. آقای داریوش مجلسی از اعضای جبهه ملی (برونمرز) سخنران بعدی بود که ضمن ابراز خرسندی از تنوع فکری در «اتحاد جمهوریخواهان ایران» از دوری نظری خود نسبت به کسانی که همچنان به اصلاح‌طلبان حکومتی نگاه مثبتی دارند سخن گفت ولی این که چنین افرادی در درون جمهوریخواهان حضور دارند و با دیگر گرایش‌ها تعاملی دمکراتیک دارند را به عنوان یک حسن تلقی نمود. به عقیده مجلسی شکست احتمالی «اتحاد جمهوریخواهان» اثرات اجتماعی زیانباری دارد که باید به هر نحو از آن جلوگیری کرد و این جریان را با اقدامات سنجیده به موفقیت رهنمون شد.

خانم دکتر نسرین بصیری روزنامه‌نگار ایرانی ساکن برلین موضوع سخن خود را به مسئله رابطه دمکراسی و رابطه آن با دمکراسی جنسی اختصاص داد و گفت که بدون اراده‌ای معطوف به برقراری تساوی میان حقوق زن و مرد، سخن گفتن از دمکراسی ناقص است. وی از اینکه سهمیه زنان در نهادهای پیشنهادی «اتحاد جمهوریخواهان ایران» تنها ۳۰ درصد تعیین شده انتقاد کرد و آن را سهمیه در مسافله‌کارترین احزاب اروپایی نیز عقب‌افتاده‌تر دانست. اهمیت عملی کردن کارپایه سیاسی

جمهوریخواهان و این مسئله که حیظه نظر و عمل «اتحاد جمهوریخواهان» نباید صرفاً در محدوده خارج از کشور باقی بماند محورهای صحبت دکتر مهرا براتی بود. به عقیده وی کار یک جنبش جمهوریخواه نه پس از سقوط دیکتاتور بلکه از همین جا و همین لحظه شروع می‌شود تا بنیان‌های استقرار دمکراسی در جامعه تأمین شود. به گفته براتی حوزه نیروهای جمهوریخواه را باید بسیار فراخ گرفت و از یاد نبرد که نیروهای ملی مذهبی که هم‌اکنون درگیر مبارزه در درون کشورند یا افرادی مانند اکبر گنجی و سایرینی که با اندیشه‌های مشابه در زندان به سر می‌برند نیز از موفقه‌های قابل اعتنای این جنبش هستند.

آقای دکتر جمشید اسدی در سخنان خود از دچار شدن جنبش جمهوریخواهی به سرنوشت اصلاحاتی که خاتمی آغاز کرد برحذر داشت و خواهان آن شد که فاصله‌ای میان حرف و عمل این جنبش ایجاد نشود. وی ضمن تأکید بر اینکه ما تاکنون مفسر وقایع بوده‌ایم طلب کرد که جمهوریخواهان به تغییر دهنندگان شرایط موجود فراروند و به دام خوش‌نیشی در اپوزیسیون گرفتار نشوند. وی کارآمدی اتحادهایی نظیر «اتحاد جمهوریخواهان» را تنها تا زمان برقراری دمکراسی در کشور و شکل‌گیری قدرت بر مبنای اراده واقعی مردم ممکن دانست و گفت که از آن پس این احزاب و سازمان‌ها و نمایندگان گروه‌ها و منافع مختلف اجتماعی هستند که در صحنه سیاسی کشور کارایی و نقش عمده را بازی می‌کنند.

خانم فرزانه عظیمی در سخنان خود بر ارتقاء نقش زنان در گستردهای مختلف اجتماعی تأکید کرد.

اسفندیار طبری موضوع صحبت خود را بر توضیح برخی از مقوله‌های مربوط به دمکراسی، جمهوریخواهی و حقوق شهروندی و فدرالیسم متمرکز نمود. از نظر طبری دمکراسی بر خلاف تصور و برداشت رایج نه تفکیک قوا بلکه تفکر عمومی آزاد و نظارت فعال بر کارکرد این سه قواست. اینکه برقراری دمکراسی نیازمند شهروندان دمکرات است نیز از دیگر نکات مورد تأکید طبری بود.

آقای علی شاکری روزنامه‌نگار و پژوهشگر ساکن آمریکا در سخنرانی خود گفت: تأسیس هویت جمهوریخواهان از این منظر مبارک است که می‌رود با اتحاد گسترده غیرایدئولوژیک فراگیر خود به وسعت و تقویت ائتلاف با بقیه نیروهای اجتماعی درون ایران پاری رسانند و در ایجاد قدرت همسنگ در مقابل اقتدارگرایان در خدمت به مردمسالاری ایران موفق باشند.

آقایان فرزین بستجانی و مهدی ذولفقاری که از جبهه ملی برونمرز در همایش جمهوریخواهان شرکت کرده بودند بر شکست اصلاحات حکومتی و روندها و زمینه‌ها که این شکست را رقم زد، تأکید نهادند و خواهان مرزبندی قاطع «اتحاد جمهوریخواهان» با همه اجزا و بخش‌های جمهوری اسلامی شدند. به باور آنها تجربه ۶ سال اصلاح‌طلبی حکومت و سترونی آن می‌آموزد که اینک باید یکسره گرایش‌های اصلاحات را به درون جامعه مستقل کرد.

آقای گودرز اقتداری، روزنامه‌نگار و پژوهشگر مقیم آمریکا در سخنان خود بیش از همه در مورد ظرفیت رابطه نیروهای سیاسی ایران و به ویژه جمهوریخواهان با کشورهای قدرتمند خارجی سخن گفت. به باور وی نه گرایش ضدامپریالیستی و نه شوق و ذوق به مداخله خارجی برای برقراری دمکراسی در ایران منطبق با واقعیت منافع ملی ما و روح دمکراسی و داشتن رابطه‌ای متعادل با جهان خارج نیست.

### دومین روز همایش

همایش «اتحاد جمهوریخواهان» در دومین روز برگزاری خود تصمیماتی اتخاذ کرد. بخشی از جلسه همایش به سخنرانی میهمانان خارجی و همچنین یک کنفرانس مطبوعاتی در محل همایش اختصاص داشت. سخنرانان خارجی این همایش در سخنان خود از خواسته‌های جمهوریخواهان ایران مبنی بر استقرار دمکراسی و حقوق بشر در ایران پشتیبانی و حمایت کردند.

### ماده واحد در مورد جوانان

اولین دستور کار دومین روز همایش بررسی تشکیل ارگان ویژه جوانان جمهوریخواه بود.

در قراری که به این منظور به همایش ارایه شده آمده بود:

ماده واحد: با توجه به اهمیت مساله جوانان و نقش آنان در سرنوشت کشور به عنوان آینده‌سازان میهنمان پیشنهاد می‌شود که شورای سازمان متصرف موظف می‌شود در جهت تشکیل سازمان جوانان و یا تمهیدی دیگر در این رابطه اقدام نماید. فرهاد شرکت‌کننده جوان همایش از شهر کلن آلمان در دفاع از این پیشنهاد گفت: همه ما می‌دانیم نمی‌توانیم از مردم ایران زیر بیست و پنج سال هستند هیچ فعالیتی بدون جوانان ممکن نیست. وی افزود: متوسط سنی شرکت‌کنندگان در همایش جمهوریخواهان خیلی بالاست و به دلیل همین روحیه‌ای که جمهوریخواهان دارند نمی‌توانند با جوانان صحبت کنند. ما جوانان مشکل داریم و نمی‌توانیم در فعالیت‌های فعلی اتحاد جمهوریخواهان شرکت کنیم. بحث‌های شما برای ما خسته‌کننده است. برای جذب جوانان باید کارهای تازه‌ای کرد و این موضوع پیچیده‌ای است و باید با تشکیل گروه ویژه جوانان یا هر طریق دیگری این موضوع را حل کرد.

سپس در مورد این ماده واحد رای‌گیری شد که با اکثریت بالایی به تصویب رسید.

### مساله ملی

در مورد موضوع مسله ملی دو سند و یک ماده واحد به همایش جمهوریخواهان ارایه شده بود.

آقای کمال ارس در دفاع از پیش‌نویس قطعنامه‌ای که به امضای کمال ارس، بابک امیرخسروی، نیرت توحیدی، حبیب برزین، حسن شریعتمداری، رامین صفی‌زاده و اتابک فتح‌الله‌زاده رسیده بود گفت: گروه کار مساله ملی اتحاد جمهوریخواهان موفق نشد یک قطعنامه تهیه کند. وی در توضیح قطعنامه‌ای که مورد تأیید اکثریت گروه قرار گرفته است افزود: این قطعنامه حاصل توافقی بین امضاکنندگان آن است که به نظر اکثریت مردم ایران نزدیک‌تر است تا نظراتی که مقداری افراطی هستند و اگر به عنوان جمهوریخواهان ایران مطرح شود مشکلات زیادی وجود خواهد آورد.

وی سپس به قرائت قطعنامه مذکور پرداخت که در شش بند تنظیم شده و در آن اشاره شده ایران کشور همه اقوام و اقلیت‌های ساکن ایران است و هیچ یک از این اقوام امتیاز و برتری بر دیگران ندارد. در این قطعنامه از تمرکززدایی دفاع شده و در بند ششم آن آمده است: برای گذار از رژیم متمرکز کنونی و برای تحقق یک دموکراسی مبتنی بر ساختاری غیرمتمرکز و تأمین مشارکت مردم در امور خود باید کارشناسانه عمل کرد و گام به گام پیش رفت. با این حال آغاز روند تمرکززدایی مورد تأیید جدی جمهوریخواهان ایران است. در انتهای این قطعنامه نیز آمده است:

ماگزینش مناسب‌ترین شکل عدم تمرکز را با توجه به تاریخ شکل‌گیری ملت ایران و ویژگی‌های قومی و بافت مردم‌شناسی کشور برای درج در قانون اساسی جمهوری ایران به مجلس موسسان آینده واگذار می‌کنیم. سپس آقای وحاب انصاری که به همسراد سیروسی مددی قطعنامه دوم در زمینه مساله ملی را ارایه داده بودند در سخنانی گفت: در جمهوریخواهان ایران دو نظر در مورد مسایل ملی هست. وی افزود: در چند محور بین ما اختلاف وجود داشت. انصاری گفت قطعنامه ما بر ستم ملی تأکید دارد و دلیل وجود این ستم در ایران مبارزات هشتاد ساله اخیر ملل ایران است و همواره موضوع ملیت‌های غیرفارسی در ایران مطرح بوده است. وی تأکید کرد یکی از موفقه‌های مهم جمهوریخواهی مبارزه برای رفع ستم ملی است.

وی در تشریح تفاوت دیگر دو قطعنامه پیشنهادی گفت: ما حرف‌هایمان متکی بر میثاق‌های بین‌المللی است. تفاوت اساسی این است که قطعنامه دوستان مساله ملی را به یک مساله فرهنگی و زبانی تنزل می‌دهد اما از نظر ما این موضوع ابعاد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی هم دارد. یک نیروی جمهوریخواه نمی‌تواند بدون توجه به این مسایل به مساله اصلی ایران یعنی دموکراسی پاسخ دهد. انصاری گفت: باید نظام متمرکز کنونی به نظامی غیرمتمرکز فراروید و قدرت مرکزی پخش شود و شکل آن به دلیل تنوع ملی باید

فدرال باشد. وی گفت استقرار فدرالیسم قطعاً در فرهای رفتن جمهوری اسلامی نیست. یک روند است و در این روند باید سیستم فدرال تحقق یابد. وی در پایان گفت: حل مساله ملی و دموکراسی در ایران ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. بدون حل دموکراتیک مساله ملی نمی‌توانیم به دموکراسی‌ای برسیم که طیف وسیع جمهوریخواهان را در بر بگیرد. اما علیرغم این دو قطعنامه ماده واحد‌ای هم به همایش ارایه شده بود که تصمیم‌گیری در این مورد را به آینده موکول کرده‌است.

در این ماده واحد آمده است: سازماندهی مباحث برای تدوین طرح در رابطه با مسایل ملی - قومی با توجه به آن که برابر حقوقی اقوام ساکن ایران از دیدگاه‌های پایهای جمهوریخواهان بوده و یافتن پاسخ صحیح تحقق این امر از عوامل اصلی پایه‌گذاری دموکراسی در ایران است و با توجه به دیدگاه‌های متفاوتی که در این رابطه در درون جمهوریخواهان وجود دارد همایش سراسری طرح قطعنامه‌های تدوین‌شده در کمیسیون مسایل ملی را به عنوان نظرات درون اتحاد جمهوریخواهان ایران مد نظر قرار داده و شورای هماهنگی آینده را موظف می‌سازد که مباحث کارشناسی را در این زمینه سازمان داده و نتیجه را به اجلاس آینده جمهوریخواهان ارایه دهد.

این ماده بعد از صحبت یک نفر از مخالفین آن به رای گذاشته شد و با اکثریت آرا به تصویب رسید.

### قطعنامه مربوط به تدقیق دیدگاه‌ها

دستور بعدی اجلاس بررسی و تصویب قطعنامه مربوط به دیدگاه‌ها بود که با اصلاحاتی در کمیسیون مربوطه برای تصویب به جلسه عمومی ارایه شد. مهم‌ترین بحث در مورد اصلاحات وارد شده در مورد حذف ماده مربوط به مساله ملی بود که با توجه به تصویب ماده واحد در مورد آن در جلسه صبح از سند دیدگاه‌ها حذف شده بود.

پیش از بررسی سند مذکور پیشنهاد شد که قطعنامه مربوط به تدقیق دیدگاه‌ها از دستور خارج شود که با اکثریت آرا تصویب شد. استدلال مخالفین این بود که در بیانیه ابتدایی اتحاد جمهوریخواهان آمده‌است که دیدگاه‌های مطرحه در این بیانیه بحث صورت گرفته و تدقیق می‌شود. ما این تعهدات را به امضاکنندگان بیانیه اتحاد جمهوریخواهان داده‌ایم و موظف هستیم آن را عملی کنیم. موافقت این تصمیم به این موضوع اشاره داشتند که به دلیل عدم آمادگی در تصمیم‌گیری پیرامون برخی مسایل از جمله مساله ملی، موضوع دیدگاه‌ها باید از دستور خارج شود تا امکان کار بیشتر و دقیق‌تر در مورد آن صورت گیرد.

### طرح راهبرد سیاسی

طرح راهبرد سیاسی دستور بعدی جلسه بود. در کمیسیون مربوطه اصلاحاتی در قطعنامه ارایه‌شده به همایش صورت گرفت و طرح اصلاح‌شده در اختیار همایش قرار گرفت. به گفته مسئول این کمیسیون تغییرات مهمی در طرح اولیه صورت نگرفت. بحث مهم در کمیسیون سیاسی در مورد نحوه استقرار نظام دموکراتیک در کشور بود و پیشنهاد عددی که علاوه بر نظر کمیسیون وجود داشت تأکید بر برکناری جمهوری اسلامی و استقرار یک نظام دموکراتیک در کشور از طریق فرآیند است. این پیشنهاد در کمیسیون پذیرفته نشد و به صورت بند جداگانه‌ای به همایش پیشنهاد شد. این پیشنهاد که از سوی آقای بهزاد کریمی مطرح شد به قرار زیر بود:

قانون اساسی جمهوری اسلامی بر حاکمیت دینی استوار است که در آن راه اعمال اراده مردم بسته شده است. هدف اتحاد جمهوریخواهان ایران تغییر نظام جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری عرفی از راه‌های مسالمت‌آمیز است. از نظر ما مناسب‌ترین راه انتقال به دموکراسی مراجعه به آرای عمومی و برگزاری فرآیند برای تعیین نظام سیاسی کشور است. این پیشنهاد در برابر این پاراگراف سند کمیسیون قرار داشت که می‌گوید: قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی که بر پایه تبعیض میان شهروندان بنا شده با حق حاکمیت مردم ناسازگار است. استراتژی اتحاد

جمهوریخواهان تغییر قانون اساسی و ساختار سیاسی جامعه از راه‌های مسالمت‌آمیز و با تکیه بر جنبش‌های سازمان‌یافته مردم برای استقرار جمهوری عرفی در ایران است.

بیژن حکمت مسئول کمیسیون راهبرد سیاسی در پاسخ به سوالات مختلفی که نسبت به طرح راهبرد سیاسی مطرح شده بود با اشاره به تنوع دیدگاه‌های موجود در کنگره تصریح کرد که برخی از شرکت‌کنندگان در این همایش خود را اصلاح‌طلب می‌دانند و نمی‌پذیرند که اصلاحات و اصلاح جمهوری اسلامی شکست خورده است و در برابر کسان دیگری هستند که معتقدند نظام جمهوری اسلامی اصلاح‌ناپذیر است. به همین دلیل طرح راهبرد سیاسی برای دستیابی به توافق بر روی این دیدگاه‌ها تا حدودی به مبهم ساختن اسناد منجر می‌شود که باید به تدریج و در زمان درازتری در جهت حل آن اقدام کرد. وی در پاسخ به پرسشی این مورد که قطعنامه کاربرد سیاسی به مشی براندازی نزدیک شده است تصریح کرد که در قطعنامه فعلی با قطعنامه قبلی پیشنهادی به همایش تفاوتی وجود ندارد و تغییر مهمی صورت نگرفته است.

بیژن حکمت تصریح کرد که ما علاوه بر تلاش برای ایجاد جبهه وسیع جمهوریخواهان امکان اتحاد عمل با بخش‌هایی از اصلاح‌طلبان و نیز مشروطه‌خواهان را نمی‌کنیم و اگر مواردی پیش بیاید از این اتحاد عمل‌ها استقبال می‌کنیم. سپس آقای بهزاد کریمی در توضیح پیشنهاد خود گفت: ماده مذکور قلب استراتژی سیاسی است و ما را معرفی می‌کند. امروز اهمیت دارد در استراتژی حداکثر سراسری و شفافیت را داشته باشد و در تاکتیک حداکثر انعطاف را داشته باشد. کرسی تأکید کرد در این مورد ما باید بگوئیم چون حاکمیت متکی بر دین است تبعیض ایجاد می‌کند. ما برای چه متحد شدیم؟ ما برای این یا آن تاکتیک متحد نشده‌ایم ما برای این متحد شدیم که این رژیم برود. و این را پنهان نمی‌کنیم. اما ما می‌خواهیم این رژیم با شیوه‌های مسالمت‌آمیز برود و این دو صین مشخصه چهره ما است. ما گزینده‌مان این است که این رژیم از طریق فرآیند برود. فرآیند یعنی یک جنبش اجتماعی نیرومند که این رژیم را تحت فشار قرار دهد و راه اعمال حاکمیت مردم را هموار کند. ما برای این کار پیش‌شرط‌هایی داریم از جمله آزادی‌ها که انتخاب متکی بر آگاهی باشد و نه شوری مثل بعد از انقلاب بهمن. کرسی در پایان گفت: ما باید اعلام کنیم زنده‌باد جمهوری عرفی و زنده‌باد مشی مسالمت‌آمیز.

بعد از صحبت‌های موافقین و مخالفین ۶۵ نفر به پیشنهاد تغییر نظام سیاسی از طریق فرآیند رای دادند و ۱۰۳ نفر نیز به آن رای مخالف دادند. تعداد مستعین ۵ نفر بود.

در پایان جلسه روز دوم اجلاس، پیشنهاد بیش از پنجاه نفر در مورد اعلام موضع جمهوریخواهان نسبت به انتخابات به رای گذاشته شد و همایش تأیید کرد که اتحاد جمهوریخواهان در این همایش موضع خود را در مورد انتخابات مجلس هفتم اعلام کند. تصمیم‌گیری در این مورد به جلسه روز شنبه موکول شد.

روز سوم همایش با سخنرانی اعضا و میهمانان آغاز به کار کرد. از جمله میهمانان سخنران این روز آقای عبدالکریم لاهیجی بودند که در مورد حقوق بشر، جدایی دین از دولت و دین رسمی صحبت کردند.

بررسی بخش آخر آئین‌نامه در مورد شورای رهبری در این روز انجام شد که از جمله موارد آن پذیرش سهمیه ۳۰ درصدی برای زنان در انتخاب ارگانهای جمهوریخواهان بود. این طرح پیشنهاد کمیسیون زنان «اتحاد جمهوریخواهان» بود. همچنین طرح شرح وظایف و اختیارات کمیسیون زنان نیز در این روز تصویب شد.

پیشنهادی که در مورد تصمیم‌گیری اجلاس در مورد انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی بود، از طرف تعدادی از اعضای شرکت‌کننده به اجلاس داده شد. در مورد این پیشنهاد تصمیم‌گیری شد و اجلاس تصمیم گرفت موضع‌گیری در مورد انتخابات را به شورای هماهنگی آینده واگذار کند.

آخرین دستور کار همایش انتخاب شورای هماهنگی بود. همایش سراسری از میان صد و یازده نفر کاندیدای عضویت در شورای هماهنگی پنجاه نفر را برگزید. لازم به ذکر است که هر عضو حق انتخاب حداکثر ۲۶ نفر کاندیدا را داشت. از مجموع ۲۵۵ رای، ۲۲۷ رای معتبر بود، ۵ رای باطل، ۲ رای سفید، و یک رای پس از شروع قرائت آرا داده شده بود که جزو آرا باطله به حساب آمد. این انتخابات با نظارت دکتر عبدالکریم لاهیجی، دکتر کاظم کردوانی و پرویز شوکت برگزار شد.

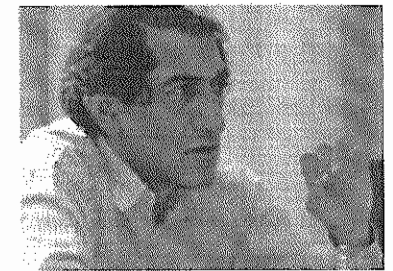


# گفتگوهای بی بی سی با برخی تحلیل‌گران و فعالین سیاسی و فرهنگی پیرامون انتخابات مجلس هفتم

برش‌های بی بی سی: آیا انتخابات در ایران به عنوان شکل و شیوه غالب مبارزه برای تحول و اصلاح مدیریت سیاسی جامعه به امری نهادینه، پایدار و جدی بدل شده است؟ یا به جد گرفته شدن انتخابات در دوم خرداد ۷۶ و اسفند ۷۸ و حتی خرداد ۸۰ پدیده‌های گذرا بوده است؟ به نظر شما در انتخابات دوم خرداد ۷۶ چه اندازه شور حاکم بود و چه اندازه شعور؟

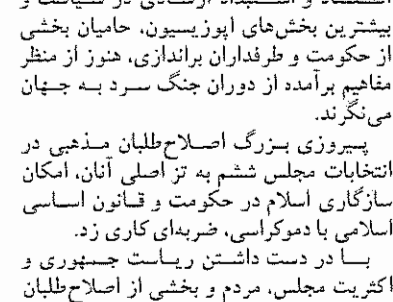
برخی اصلاح‌طلبان مذهبی و طرفداران چپ و راست آنها در داخل و خارج از کشور انتخابات را تنها راه تغییر و اصلاح امور می‌دانند. در مقابل برخی از مخالفان جمهوری اسلامی را عقیده بر آن است که انتخابات در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی راه به جایی نمی‌برد و حاکمیت اسلامی اصلاح‌پذیر نیست. با توجه به آن که همگان از ضرورت تحول سیاسی در ایران سخن می‌گویند آیا انتخابات را شیوه‌ای کارآمد، موثر و درست برای تحول می‌دانید؟ اگر انتخابات در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی و با شرایط کنونی راهی کارآمد و درست نیست پس راه کارآمد و درست کدام است؟ چه شیوه‌ای را پیشنهاد می‌کنید؟ آیا جز اشکال کلاسیک انقلاب و کودتا که در هوای ایران معاصر امتحان خود را پس داده‌اند، اشکال دیگری می‌تواند برای تحول در ایران پیشنهاد شود؟

## آقای باقر برهام (۱۸ دسامبر):



اگر منظور از این سؤال و نهادینه شدن انتخابات این باشد که آیا مردم ایران به ارزش آرای خود پی برده‌اند و آن را به عنوان یک حربه مبارزه در مسایلی به قول شما مدیریت سیاسی جامعه بر روش‌های دیگری چون تروریسم و مبارزه مسلحانه چریکی و هرگونه عمل قهرآمیز بنیادگرایانه از این سقوله ترجیح می‌دهند پاسخ من مثبت است. مردم ما به محض آنکه احساس کنند که شرایط برای اظهار نظر آنان در مسایلی سیاسی آماده است، و این اظهار نظر در شرایطی آزاد و بدون دخالت عوامل دولتی یا خارجی و مانند اینها صورت خواهد گرفت بی تردید در انتخابات شرکت می‌کنند.

## آقای فرج سرکوهی (۸ ژانویه):



انتخابات در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی بی‌معناست. به همین دلیل امروز همه احساس می‌کنیم که گرایش به تحریم و شرکت نکردن روز به روز بیشتر به انتخاب غالب مردم برای انتخابات مجلس هفتم تبدیل می‌شود. یعنی انتخاب نکردن و رای ندادن، چنانکه گفتیم به نوعی رای دادن تبدیل شده است. معنای این رای دادن منفی به نظام این است که نظام باید تغییر کند تا رای مردم به صورت مثبت منشا اثر شود.

راه کارآمد و درست برای خروج از بن‌بست فعلی به نظر من فریاد مردم است. فریاد مردم یگانه راه دموکراتیک و مسالمت‌آمیز برای حل مساله ایران است. باید فریاد مردمی خارج از چهارچوب نظام و قانون اساسی آن و زیر نظارت مراجع بین‌المللی صورت گیرد تا مردم نظرشان را نسبت به ادامه یا برچیده شدن نظام فعلی بگویند. و در صورت علاقه به برچیده شدن نظام فعلی نوع نظام آینده را هم تعیین کنند. نظام آینده به گونه‌ای که همه گرایش‌های سیاسی ایران را راضی کند و هیچ قشری احساس نکند که حق تعیین سرنوشت از آن سلب شده است به نظر من در دو شکل خلاصه می‌شود. جمهوری و پادشاهی مشروطه. مجلس موسسان باید تدوین یک قانون اساسی جدید برای هر یک از این دو نظام را در صورتی که مردم به آنها رای دادند به عهده بگیرد.

آقای داریوش همایون (۱۹ دسامبر):



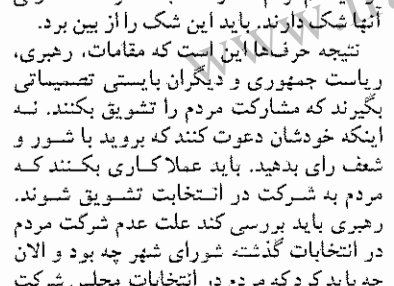
حتی اگر مردم این بار نیز مانند انتخابات نوراها در رای‌گیری شرکت نکنند که متعلقاً چاره دیگری ندارند، باز پس از سه بار نشتخابات با شرکت اکثریت‌های بزرگ رای‌دهندگان می‌توان گفت که انتخابات در رژیم اسلامی جا افتاده است به این معنی که شرکت جستن یا نجستن مردم در رای‌یامدهای سیاسی است؛ از جمله تحریم عمومی رای‌گیری در انتخابات آینده مجلس. به منزله رای منفی به سامیت رژیم، و نه مانند سه پارگذشته به بخش همتر آن، خواهد بود. خود خامنه‌ای هر بار پس ز مشارکت انتخاباتی مردم، آن را به حساب

محبوبیت رژیم می‌گذاشت. اندازه‌گیری آسان نیست ولی میزان شعور هر چه بود به مردم فرصت داد که به صورتی موثر مخالفت خود را ابراز کنند و واپسین راه اصلاح را پیش پای رژیم بگذارند. در این میان اگر اصلاح‌طلبان، مردم را فدای امتیازات و مقام خود، یا در بهترین صورتش، ماندگاری حکومت اسلامی‌شان کردند گناه مردم نبود. راه اصلاحات پیونده نشد و اکنون راه دیگری جز سرنگونی به هر شکل آن باشد، در برابر رژیم نیست.

انتخابات اگر نتیجه عملی نداشته باشد سرانجام، چنانکه امروز شده است، از نفس می‌افتد. اگر نیروی نباشد که از پیروزی انتخاباتی، حتی پیروزی خردکننده انتخاباتی، بهره‌ای بگیرد، شرکت کردن یا نکردن مردم صرفاً به صورت یک حرکت اعتراضی در خواهد آمد که باز ارزش خود را دارد. انتخابات در جمهوری اسلامی می‌توانست به اصلاحات یا مسعنی بی‌انجامد ولی پس از پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات چهار سال پیش مجلس این راه بسته شد. اکنون ما با فرایند سرنگونی رژیم سر و کار داریم.

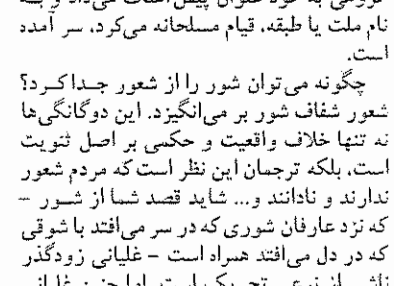
به نظر می‌رسد جز حرکت عمومی، راهی برای مردم نمانده است. وقتی در کشوری هر سال نزدیک یک چهارم درآمد نفتی به بیرون فرستاده می‌شود (بیش از پنج میلیارد دلار) نشانه آن است که نخست، از رهبران تا هر کس دستی بر دارائی کشور دارد، بطور منظم دارند برای گریز و دوران تبعید تدارک می‌بینند و دوم، اقتصاد در حال فروپاشی است و سیل بیکاران و محرومان دیر یا زود سرازیر خواهد شد.

## آقای فریدون احمدی (۱۹ دسامبر):



تحوالات اجتماعی سیاسی و ساختارهای سیاسی بویژه در کشور ما بسیار پیچیده‌تر از آن است که در قالب فرم‌های دولتی چون انتخابات یا مبارزه قهرآمیز، انقلاب یا اصلاح، بکنجد و این که انقلاب به معنی ایجاد تغییرات بنیادی سیاسی لزوماً با اعمال قهر توصیف شود و یا این که شیوه‌هایی همچون شرکت در انتخابات به مثابه یک روش سیاسی، روشی مناسب برای همه دوران‌ها توصیف شود، مطلق کردن و یکجانبه‌نگری است.

## آقای احسان نراقی (۱۹ دسامبر):



من دارم بهشان می‌گویم که وای به حالتان اگر انتخابات مجلس مثل انتخابات شورای شهر

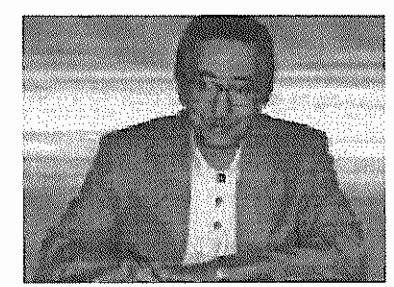
شود. ایران دایم گفته است که ما حکومت مردمی هستیم، ما بحقیم، شما ناحقید و... اگر مردم پشت این دولت نباشند چه اعتباری برای این دولت در دنیا خواهد بود؟ بنابراین عقل سلیم به ما می‌گوید کاری کنیم که مشارکت بیشتر شود. بنده می‌گویم رهبر در جلسهای از هر کس که دل خودشان می‌خواهد بپرسد که چه کنیم که مشارکت مردم بیشتر شود. نه اینکه به مردم بگویند شما بپروید رای بدهید. این جوان‌ها که من دیدم شرکت نمی‌کنند.

بنده که به هیچ رژیمی نه می‌گویم و با تمام رژیم‌های دنیا همکاری کرده‌ام و چویش را هم خورده‌ام، آرزو می‌کنم که مردم به نحو وسیعی در انتخابات شرکت کنند؛ برای اینکه همه می‌گویند که این انتخابات کار ساز است. اگر شرکت نکنند ما در دنیا زیر ذره‌بین قرار خواهیم گرفت. باید بدانند که این انتخابات کلید عمر این رژیم است. اگر مردم رای ندهند بنیاد رژیم جمهوری اسلامی بر هواست. فقط آدم‌های ابله می‌توانند بگویند که مهم نیست که فقط بیست درصد شرکت کنند. این رژیمی است که با دنیا طرف شده، آن وقت اگر بیست درصد مردم در انتخابات شرکت کنند، مسخره می‌شود. می‌گویند مشروعیت خود را از دست داده‌اید. چرا وقتی آقای خاتمی خواست استعفا بدهد همه به او اعتراض کردند؟

برای اینکه اصلاح‌طلب‌ها الان برای محافظه کاران حفاظتی هستند. منابع‌شان از جایش است. بنیادها هم در اختیارشان است و خیلی هم خوش‌اند! چرا عصبانی می‌شوند از رفتن آقای خاتمی؟ چون می‌دانند که وجود ایشان برای آنها یک حفاظ است. می‌رود زنی نطق‌های قشنگی شنک می‌کند. من با آنها حرف زده‌ام. آنها محافظه کاران خودشان هم می‌دانند که اگر فقط خودشان بخواهند باشند برای بقای‌شان کافی نیست. آنها خوب می‌دانند که نباید تنها باشند بلکه در مجلس آینده باید بیست درصدی از نمایندگان اقلیت باشند. پس اول باید مجلسی تشکیل شود که این بیست درصد اقلیت بیایند. بنده معتقدم و به دانشجویان توصیه هم کردم که در انتخابات شرکت کنند ولی آنها شکر دارند. باید این شکر را از بین برد.

نتیجه حرف‌ها این است که مقامات، رهبری، ریاست جمهوری و دیگران بایستی تصمیماتی بگیرند که مشارکت مردم را تشویق بکنند. نه اینکه خودشان دعوت کنند که بروید با شور و شغف رای بدهید. باید عمل‌کاری بکنند که مردم به شرکت در انتخابات تشویق شوند. رهبری باید بررسی کند علت عدم شرکت مردم در انتخابات گذشته شورای شهر چه بود و الان چه باید کرد که مردم در انتخابات مجلس شرکت کنند.

## آقای ابوالحسن بنی‌صدر (۱۹ دسامبر):



بنابر این، اگر جنبشی به قول شما صفت کم و بیش خودجوش پیدا کند، جنبشی است که تنها می‌تواند منبعث از وجدان جمعی باشد. پس انتخابات یک فرصت می‌شود و نه یک روش. سخن صحیح این می‌شود که ما وارد عصری شده‌ایم که در آن، هر تحولی را وجدان جمعی تصدی می‌کند و با شرکت جمهور مردم انجام می‌گیرد. تا وقتی وجدان جمعی پدید نیاید و جامعه‌ای به حرکتی خودجوش و سازمان یافته برنخیزد، تحول روی نمی‌دهد. آن زمان که گروهی به خود عنوان پیش‌آهنگ می‌داد و به نام ملت یا طبقه، قیام مسلحانه می‌کرد، سر آمده است.

چگونه می‌توان شور را از شور جدا کرد؟ شور شفاف شور بر می‌انگیزد. این دوگانگی‌ها نه تنها خلاف واقعیت و حکمی بر اصل ثنویت است، بلکه ترجمان این نظر است که مردم شعور ندارند و نااندند و... شاید قصد شما از شور - که نزد عرفان شوری که در سر می‌افتد با شوقی که در دل می‌افتد همراه است - غلیانی زودگذر ناشی از نوعی تحریک است. اما چنین غلیانی چگونه می‌تواند در فرصت انتخابات ایجاد شود؟ با این توضیح، عرض می‌کنم به همان اندازه که وجدان جمعی شفاف نبود، شور هم کم

## گفتگوهای بی بی سی با برخی تحلیلگران

### و فعالین سیاسی و فرهنگی

#### پیرامون انتخابات مجلس هفتم

ادامه از صفحه ۷

بی نتیجه است و شرکت در آن تکرار تجربه‌ی ناکام و بی ثمر، براندازی به شیوه سنتی مفهومی متعلق به دوران‌های سپری شده است. اصلاحات گام به گام در پرتو حمایت از اصلاح طلبان مذهبی در چارچوب‌های قانونی و سیاسی حاکم، تجربه‌ی شکست خورده است. در بن بست از این دست آرایه پیشنهادهای نو که پاسخ‌های عملی مسایل مردم را با واقعیت‌ها، ظرفیت، فرهنگ و روان جمعی آنان پیوند دهد ضرورتی راهگشا است.

اگر اپوزیسیون بخواهد در انتخابات مجلس از شعارهای سنتی تحریم و شرکت فراتر رفته و پیشنهادهای تازه‌ای مطرح کند شاید که تجربه اروپای شرقی به هنگام فروپاشی، و نه کسی برداری از آن، به کار آید. در دوران فروپاشی در این کشورها نیز تضادهای درون حکومتی امکان اعمال سیاست واحد سرکوب را از حاکمیت گرفته بود. اپوزیسیون مورد قبول مردم وجود نداشت. نهادهای ناظر بر انتخابات راه را بر نامزدهای غیر حکومتی بسته بودند. رسانه‌ها و نهادهای بین‌المللی به سود تحول بسیج شده بودند. ناراضی‌های مردم از استبداد و فساد نهادینه شده پر رنگ بود. مردم تمایلی به خشونت نداشتند. در این کشورها که تجربه کنندگان نخستین نسونه‌های انقلاب مخملین بودند، اپوزیسیون بر بستر آرایه راه حل‌های ابداعی از محافل روشنفکری و نهادهای مستقل مردمی پا گرفت. با الهام از چنین تجربه‌هایی می‌توان در انتخابات آینده مجلس پیشنهادهای عملی، کم خطر و مثبت به مردم آرایه داد.

آقای فرخ نکهدار (۹۹ زانویه):



تمام شواهد حکایت از آن دارد که تغییر در ساختار، در ترکیب، و در سیاست‌های حکومت از طریق استفاده از حق رای و شرکت در انتخابات در ذهن شهروندان به بهترین مشغله سیاسی و به اصلی‌ترین ابزار برای تغییر حکومت بدل شده است.

استقرار جمهوری اسلامی ایران روند مدرنیزه شدن جامعه ایرانی - بخصوص شهری شدن و بسط آموزش همگانی - را، برخلاف تصورات، متوقف نکرد، تنها ویژگی‌های خاصی به آن بخشید. مثلا اسلامی شدن حکومت نه تنها از انفجار در سطح آموزش دختران و مشارکت بسیار فعالتر زنان در حیات سیاسی جلوگیری نکرد، بلکه مژده آن شد.

رای دادن مردم به اصلاح طلبان و شریک کردن آنها در قدرت سیاسی تحولی بزرگ در بطن جامعه به وجود آورد. پیروز گرداندن اصلاح طلبان اعتماد به نفس و مرزهای مردم در مقابل حکومت را به وضوح گسترش داد. اما موفق نشد مرزهای تحمل سیاسی جمهوری اسلامی را جابجا کند و یا در نظام حقوقی کشور تغییری محسوس پدید آورد.

من فکر می‌کنم کم اثر بودن رای مردم در تغییر ساختار حقوقی کشور مقبولیت راه‌های سرنگونی طلبانه، مثل کودتا و انقلاب، را افزایش نمی‌دهد. سازمانگران این گونه راه حل‌ها پایگاه اجتماعی و ارتباط خود را با جامعه مدنی‌هاست که از دست داده‌اند. اقتدار مدرن آنقدر مجرب شده‌اند که به این گونه راه حل‌ها اعتماد نکنند. آنها گرچه سرد و منفعل شده و از شریک‌های انتخابات آتی مایوسند اما هیچ راه حل جایگزینی هم پیدا نکرده‌اند. مردم دارند یک دوره کامل و بازنگری را طی می‌کنند.

مردم این روزها سخت مشغول گفتگو و تبادل نظرند. در هر خاندهای سر بکشید با «چه باید کرد» مواجه می‌شوید.

بعید می‌دانم بدون تغییرات معین در رفتار ارگان‌های غیر انتخابی با ارگان‌های انتخابی، شور و شوق رای دادن و مشارکت در میان اکثریت شهروندان ایرانی شکراف شود.

به دلایل فوق انتخابات مجلس هفتم بسیار سرد و بی‌رقت خواهد بود. اصلاح طلبانی که مردم را به این دلیل به شرکت و وسیع در انتخابات دعوت می‌کنند که گویا این مجلس می‌تواند بانی رفراندوم شود، قادر نیستند شواهدی نشان دهند که از نظر رای دهندگان قانع کننده به نظر آید. اما کسانی هم که مردم را به این دلیل به عدم شرکت در انتخابات دعوت می‌کنند که شورای نگهبان راه هرگونه انتخاب واقعی را می‌بندد و فقط کسانی به مجلس می‌روند که خدمت‌گذار ولایت باشند، برای اثبات گفته خود شواهد کافی ندارند. شورای نگهبان نگرانی عمده‌ای در باره ترکیب مجلس هفتم ندارد. آنها مطمئن هستند که وزن نیروهای معترض و خودرایی در مجلس هفتم بیش از مجلس ششم نیست. بسیار محتمل است که در مجلس هفتم هم گروهی از نمایندگان ناراضی وجود داشته باشد که به رای مردم به مجلس رفته و از زبان نیروهای دموکراتیک و آزادخواهان سخن بگویند. و من با اطمینان می‌گویم که عمل آن روز آنان مورد حمایت کسانی نیز قرار خواهد گرفت که خود به آنان رای نداده‌اند.

زمانی بود که استبداد از رای دهندگان قطعاً واکنش، مساعد به همراه داشت. اصلاح طلبان برای این استبداد حداقل ۴ سال وقت داشتند اما همه را از دست دادند. اکنون دیگر برای شروع بسیار دیر است.

به نظر می‌رسد اکثریت رای دهندگان اولا می‌خوانند، می‌کشند و یا منتظرند که زمینه برای وضعیتی مساعد شود که در آن مجلس و دولت به قدرتی فائقه بدل شوند. ثانیاً از هم اکنون نیک پیداست که اقشار مدرن، پیروز گروه‌های دانشجویی و روشنفکری، دارند حول نمایندگان خاص خود - که ایده‌آل‌های تفکیک دین و حکومت، حقوق بشر، جمهوری و مردم سالاری - را سرلوحه کار قرار می‌دهند، گرد آیند و متحد شوند.

روند ادغام و اتحاد اسلام‌گرایان مدرن شده، مثل جبهه مشارکتی‌ها و بسیاری از ملی مذهبی‌ها، نیز در حال گسترش است. بسط ایده‌آل‌های دموکراسی طلبی و جمهوری خواهی در صفوف اسلام‌گرایان مدرن آنان را هر زمان با نمایندگان اقتدار مدرن ایران همسوتر می‌کند. به این ترتیب برداشت من این نیست که بسازگشت اکثریت رای دهندگان به پای صندوق‌های رای برای اسالیهای طولانی به تعویق می‌افتد. از هم اکنون در افق پیداست که رویارویی ولایت‌گرایان و جمهوریخواهان دارد به چالش سیاسی مرکزی در جامعه ایرانی بدل می‌شود.

خانم مهرانگیز کار (۱۳ زانویه):



تا زمانی که جامعه مدنی توسعه نیافته است برای تحول و اصلاح مدیریت سیاسی، انتخابات تبدیل به یک نهاد نمی‌شود و جای مبارزه برای تغییر اساسی در کادرهای مدیریتی را نمی‌گیرد. بنابراین همواره در یک چنین

پس از بیست و اندی سال پراکندگی میان آنان که برای ایران جمهوریت می‌خوانند، جمهوریت را مردم سالار می‌فهمند و مردم سالاری را همانگونه که باید باشد، یعنی عرفی می‌نامند، اینک شاهد یک هم آمدن بزرگی از سوی این کوشندگان هستیم. این امر، بازتاب یک نیاز است و سازمانگری آن، باید که برآورنده همین نیاز باشد. نیروی سیاسی عظیمی در ایران امروز عملکرده دارد که حکومت دینی را بر نمی‌تابد، با رژیم پادشاهی مرزبندی تاریخی کرده است و از آن اندازه شعور سیاسی و فرهنگی برخوردار است که هیچ نوع حکومت قیم مآبانه و خارج از دایره انتخاب و کنترل خود را گردن نمی‌نهد. این نیروی اجتماعی که گرایش‌های سیاسی بازتاب‌دهنده تمایلات خود را بیش از صد سال است در صحنه سیاست ایران به اقدام و داشته است، اکنون در مرحله‌ای از روند قدرتی‌گیری خود قرار دارد که می‌خواهد در سیمای خود و با کاراکتر خود وارد عرصه شود.

نزدیکی‌های کنونی برنامهای جریان‌ها و شخصیت‌های جمهوریخواه در عرصه سیاست و راهبرد و راهکارهای سیاسی، بیانگر و شاخص پختگی سیاسی این نیروی اجتماعی است و شکل‌گیری «اتحاد جمهوریخواهان ایران» نیز، یکی از تجلیات این پروسه تکوینی است.

سمتگیری مطلوب این «اتحاد» آن خواهد بود که به شکل‌گیری خود، آگاهی کامل داشته باشد و راه آگاهانه خود را با همین آگاهی و الزامات آن هموار کند. نیروی اجتماعی جمهوریخواهی، تجسع و اتحاد همه جریان‌های پاره پاره خود را می‌طلبد. «اتحاد جمهوریخواهان» باید همواره اتحاد بزرگ و گسترده را ست بگیرد. «اتحاد جمهوریخواهان» باید خود را جنبشی با پتانسیل چهرهای تعریف کند تا که مدام از خود فراتر رود و نه اینکه به دام فرورفتن در خود بیفتد و در حوای تبدیل این «اتحاد» به یک حزب سیاسی قرار گیرد. این امر، مهمل‌ترین سمتگیری برای «اتحاد» ما خواهد بود. برعکس، متحدماندن ما و رجوعی به سوی اتحاد بزرگ در قالب‌ها و ظرف‌های نوین،

جامعه‌ای، کودتا و انقلاب مانند یک راه حل ناگزیر ذهن را اشغال می‌کند. از بعد از انقلاب ۵۷ به لحاظ رویکرد انقلابی مردم نسبت به مسایل سیاسی، آنها بر آثار و تبعات نقش‌های خود بیش از پیش آگاه شده‌اند.

این آگاهی لزوماً در شرکت در انتخابات خلاصه نمی‌شود. می‌تواند امتناع از انتخابات یا حضور در شورش‌ها و حرکات اعتراضی را نیز در بر گیرد. به جد گرفته شدن انتخابات در دوم خرداد ۷۶ و اسفند ۷۸ و حتی خرداد ۸۰ از آن رو تحقق یافت که مردم گمان کردند یک رییس جمهور اصلاح طلب در کنار یک پارلمان با اکثریت اصلاح طلب موجبات تحول و اصلاح مدیریت سیاسی را فراهم می‌آورد. حال که دریافته‌اند با وجود ساختار حقوقی کنونی، رییس جمهور اصلاح طلب و پارلمان اصلاح طلب قادر نیستند در بهبود وضعیت نقش‌های قاطعی ایفا کنند مسکن است از حضور در انتخابات آتی روی برتابند. با این حال فقط می‌توانیم از احتمالات سخن بگوییم. محتمل است مردم ایران که حرکات سیاسی‌شان در چند دهه اخیر شدت غیرمنتظره بوده است، دیگر بار نقش‌هایی بیافرینند که عجالتاً از حوزه پیش‌بینی صاحب نظران خارج است.

شور و شعور درهم آمیخته بود. گمان می‌کنم روز دوم خرداد ۱۳۷۶ شور انتخاباتی از شعور سیاسی الهام می‌گرفت. مردم بعد از نوزده سال که از انقلاب می‌گذشت به تجربه دریافته بودند نمی‌توانند در شرایط نظم برآمده از انقلاب، دیگر بار انقلاب کنند. ریشه انقلاب که همنوایی و همصدایی است سوخته بود. اما وعده اصلاحات چشمه آب زلالی شد که در برابرشان جوشید و آنها را به وجد آورد. وعده خوشنودن‌دایی از رفتار حاکمیت، حمایت از حقوق مخالفان، ایران برای تمام ایرانیان، مردم را تکان داد. اینکه گفته شد از اسلام چه بهره می‌بربان حقوق بشری آرایه خواهد شد بر دلها نشست. بخش بزرگی از رای دهندگان کسانی بودند که مدت نوزده سال از حضور در

## سمتگیری مطلوب!

### متن سخنرانی بهزاد کریمی در اولین همایش اتحاد جمهوری خواهان در برلین

سمتگیری مطلوب ما خواهد شد.

«اتحاد جمهوریخواهان باید اتحاد در عین تنوع‌ها باشد. هرگونه نادیده انگاشتن اختلافات و تلاش برای لاپوشانی آنها و یا دورزدن آنان، آفت اتحاد بزرگ و حتی همین اتحاد اولیه خواهد بود. خوشبختی ما در اینست که همه ما متعهد به متدی هستیم که می‌گوید اصل بر اشتراکات است و نقطه عزیمت، مشترکات، و بدیاری ما در آن خواهد بود که نخواهیم این اصل درست را با تکمله ضرور آن یعنی لزوم بروز شفاف تنوعات در میان جمهوریخواهان، درک کنیم. شرط اینکه نگذاریم که هاشم‌ها به نمایش بدل شود همین است که اختلافات را متصدانان در میان نهمیم و با رعایت قوانین دموکراتیک، در چارچوب اشتراکات، نظر اکثریت را میدان‌دار و نظر اقلیت را نقاد آن میدان بدانیم.

ما جمهوریخواهان قبل از همه بر سر دیدگاه‌های اصولی متحد شده‌ایم و نه بر سر این یا آن راهکار سیاسی. از اینرو، باید خود را با همین دیدگاه‌ها تعریف کنیم که در مرکز آن، تلاش ما برای استقرار یک جمهوری مردم سالار و عرفی در ایران بجای جمهوری اسلامی قرار دارد. بدون تثبیت این تعریف‌ها بدون جا افتادن هویت اصلی ما، تلاش‌های عجولانه برای برآمدهای تاکتیکی، مخدوش کردن این هویت اصلی و هدف محوری ما خواهد بود.

جمهوری خواهی، هویت اجتماعی نیست؛ یک انتخاب ساختاری سیاسی برای کشور است. هویت را با برنامه اجتماعی تعریف کنیم و این اتحاد را که برای استقرار یک جمهوری دموکراتیک و لائیک در کشور است - جمهوری‌ای که به پذیرندگان آن میدان عمل می‌دهد تا به شیوه دموکراتیک بر سر برنامه‌های اجتماعی شان به رقابت متصدانان برخیزند - به حزب تقلیل ندهیم. وجود احزاب موجود را به احترام بپذیریم و اتحاد خود را اتحاد بدانیم و پس ما اگر پیش برویم و به شکل دموکراتیک هم پیش برویم، این احتمال قوی است که بسیاری از کوشندگان درون اتحاد ما طی یک روند به فراکسیون‌های معین فرا برویند و از

انتخابات روی برتافته بودند و مهر انتخابات را در شناسنامه‌های خود وارد نکرده بودند. شاید بشود تمام آرزوهای مردم را در جریان انتخابات دوم خرداد ۷۶ در یک جمله خلاصه کرد. با اصلاحات دوران خشونت‌ورزی به پایان می‌رسد. اما چنین نشد و خطا کار مردم ایران نبودند.

اینک شور فرو نشسته است اما شعور همچنان باقی است. به نظر می‌رسد تا زمانی که جمعیت سکولار کشور احساس نکند در تصمیم‌گیری‌های کلان حق و نقش خواهد داشت و تا زمانی که طرفداران پیشین حکومت دینی، نظارت استصوابی شورای نگهبان را رو در روی خود می‌یابند، شعور سیاسی سد راه انواع انتخابات خواهد بود. جمعیت سکولار کشور و بخش بزرگی از حامیان گذشته حکومت دینی هر دو مشترکاً قادر نیستند در بهبود وضعیت نهادهای انتخابی عموماً و به موجب قانون، زیر سلطه و کنترل نهادهای انتصابی هستند و تا این وضع باقی است با انتخابات راه به جایی نمی‌برند.

دو مانع سر راه است، یکی ساختار حقوقی که روزندای برای اتفاس آزادانه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باقی نمی‌گذارد و دیگر مدیریت سیاسی و قضایی کشور که اگر روزندای هم در ساختار حقوقی وجود داشته باشد آن را با تفسیر جناحی می‌بندد. بنابراین از دوم خرداد ۷۶ تاکنون این مانع را رو در روی خود دیده‌ایم و دیده‌ایم که اصلاح طلبان نتوانسته‌اند نهادهای انتصابی را متقاعد به همکاری با نهادهای انتخابی کنند. چون جز این همکاری راه حلی وجود ندارد. ارکان قانون اساسی جمهوری اسلامی، کنترل نهادهای انتصابی بر انتخابی را همه جا تثبیت کرده است. بنابراین مردم بر پایه تجربیاتی که طی این شش سال به دست آورده‌اند ممکن است با وجود شناخت موانع قانونی ترجیح دهند دست کم بخشی از مدیریت سیاسی کشور را از گونه دیگری انتخاب کنند.

فراکسیون‌های پایدار به حزب سیاسی بدل شوند. این امر، بهیچوجه منفی نیست بلکه بیانگر تکامل و تکوین ما است. اتحاد ما، نه می‌تواند ظرف حزب به خود بگیرد و نه می‌تواند خود را صرفاً تجمع کوشندگان منفرد معرفی کند و کارا کتیزد نماید.

«اتحاد جمهوریخواهان ایران، تحول بنیادین در ساختار قدرت سیاسی کشور را از طریق مسالمت‌آمیز پی می‌گیرد و نیروی آن را، جنبش‌های اجتماعی مردم قرار می‌دهد. ما آماده آشتی ملی هستیم، اما صدای آشتی ملی نیستیم. در دو دهه گذشته هر چه که به قهرکردن بر می‌گردد و اعمال قهر، از آن جمهوری اسلامی بوده است و نه از سوی اپوزیسیون دموکرات، حکومت است که باید مجبور شود واقعیت اپوزیسیون را درک کند و برای اینکه چنین شود، ما باید بتوانیم خود را بعنوان نیروی معترض و متعرض و متکی بر مردم خواهان تحول بنیادین سیاسی در کشور، معرفی کنیم و تثبیت نماییم. در چنین صورتی هم خواهیم توانست برای جامعه بین‌الملل مطرح باشیم و خواهیم توانست که تحول سیاسی در کشور را به دست مردم ایران و با حمایت جهانیان رقم بزنیم.

جمهوری مردم سالار، آن ساختار سیاسی مناسبی است که می‌تواند معضل دیرپای مسئله ملی در کشور ما را رفع کند و امر برابر حقوقی همه شهروندان و همه مولفه‌های تشکیل‌دهنده ملت ایران را سر و سامان دهد. مبارزان متشکل و منفرد متعلق به ملیت‌های تحت ستم ایران، به تجربه و آگاهی بر این واقعیت واقفند و متحدین راهبردی خود را می‌شناسند. بر ماست که در گفتنمان و رفتار عملی خود چنان از حقوق دموکراتیک همه آحاد مردم ایران دفاع کنیم که امید آنها را به این کانون و اقدام سیاسی برانگیزانیم. سمتگیری ما در این راستا، ما را فراگیرتر خواهد کرد.

دوستان! کامیابی ما، و ماندن و رفتن ما در جاده طولانی جمهوریخواهی، دموکراسی و عرفی‌گرایی، به چنین سمتگیری‌ها وابسته است. سمتگیری مطلوب، شرط موفقیت ما است.

هفدهم دی ماه ۱۳۸۲

#### بیانیه سازمان‌های مدافع حقوق بشر

##### در اروپا، آمریکا و کانادا

بدنبال تلاشهای مستمر و پیگیر، کوشندگان و نهادهای ایرانی و بین‌المللی مدافع حقوق بشر، فعالین سیاسی و اجتماعی، در رابطه با نقض گسترده و برنامه‌ریزی شده حقوق بشر در ایران، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه پیشنهادی کمیسیون سوم این سازمان در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران را به تصویب رساند. قطعنامه مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، حکومت ایران را مکلف می‌کند که ضمن تصحیح و بهبود وضعیت حقوق بشر در کشور، امکانات بازرسی نمایندگان این سازمان از ایران را فراهم کند.

۱- با توجه به سیاست «چوب لای چرخ گذاشتن» نسبت به تحقیقات ناظران و هیئت‌های موقت سازمان ملل و ایجاد انواع و اقسام موانع در کار آنها از جانب رژیم ایران.

۲- با توجه به نقض گسترده، مستمر و برنامه‌ریزی شده حقوق بشر در ایران. ما فعالین حقوق بشر در اروپا و آمریکای شمالی به خانواده‌های زندانیان سیاسی، قتل‌های زنجیره‌ای، دانشجویان در بند، خانواده‌های اعدام‌شدگان سیاسی، روزنامه‌نگاران و اهل قلم، کوشندگان جنبش زنان، فعالین حقوق بشر ایرانی و بین‌المللی، پیشنهاد می‌کنیم که با همکاری و مراجعه به سازمان ملل بخواهیم که بازرسان اعزامی، تام‌الاختیار و بدون اجازه قبلی و محدودیت زمانی و مکانی باشند. بر همگی ما که خواهان رعایت اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشیم روشن است که نظارت مستمر و نامحدود سازمان ملل متحد می‌تواند تأثیری مثبت در بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران بگذارد.

۲۴ دی ۱۳۸۲ برابر با ۱۴ ژانویه ۲۰۰۴ این بیانیه توسط ۱۰ کانون، کمیته و انجمن ایرانی مدافع حقوق بشر در اروپا، آمریکا و کانادا امضا شده است.



### دوم خرداد: سایه ایستایی از جمهوری خواهی

کیومرث اسفندیاری

### «چقدر فروش خواهد کرد»

دارا گلستان

دادن خیابان خلوتی در مرکز تهران بنام خیابان «دو خرداد» شروع می‌شود و رئیس جمهوری را که در آن با همراهی صد نماینده به آرامی در حال قدم زدن هستند. از عسبران پیاده که روزگاری تمام پیاده‌روها را قرق کرده بودند خبری نیست و حتی تبلیغات «ملی - مذهبی» نیز شوری در آدم‌های بیست میلیونی ایجاد نکرده است. خطری بی‌تأملی بودن قدم زدن «نظام ولایتی»، همه را بسوی صف‌های طولانی خرید بلیط برای فیلم «مشت جورج و دهان صدام» روانه خواهد کرد. وضع بسیار «خطرناک» است و احتمال اینکه این وضع گندش را در آورد زیاد است.

در پرده دوم، ساکنان خیابان «دو خرداد» نگران آینده خیابان هستند و بدنبال چاره‌جویی، سبزه‌های مدتی است زرد شده‌اند. دانشجویان این خیابان را تحریم کرده و تماشاچیان دیگر به آنجا سر نمی‌زنند. شورای نگهبان نیز در حال بیرون کردن همراهان رئیس جمهور از خیابان «دو خرداد» است. رئیس جمهور اعلام می‌کند، «رهبری» با این احکام تخلیه اجباری موافق نیست. رهبری نیز اعلام می‌کند که «من دخالت نمی‌کنم». برخی‌ها دارند از خنده روده‌در می‌شوند.

پرده سوم، با تحسن یکصد نماینده شروع می‌شود. رهبری کسان بدنبال کار خودش است. مردم و دانشجویان به حمایت از تحسن و برای دیدن این فیلم اطراف مجلس را «اشغال» می‌کنند. چند روزی می‌گذرد رهبری فقط زیر چشبی نگاه می‌کند.

پرده آخر، نمایندگان و رئیس جمهور به رهبری التماس می‌کنند رهبری قدری ناز می‌کند و با یک دست چند تا از احکام تخلیه را باطل می‌کند. مردم خوشحال می‌شوند و دانشجویان را تحسین می‌کنند. مردم بلیط‌های خود را برای ماندن همراهان رئیس جمهور به صندوق می‌ریزند. فیلم فروش خوبی کرده است. در فستیوال جایزه اول نصیب فیلم «مشت جورج و دهان صدام» نمی‌شود. رهبر چشمک می‌زند، رئیس جمهور لبخند، اکبر از خوشحالی ریش در آوردد است.

ایسن نام آخرین اثر از ساخته‌های کارگردان ایرانی بنام «نظام ولایتی» است که در بیست و پنج سال گذشته بر حسب یک شوخی تاریخی در ایران به شهرت رسید.

از ساخته‌های قبلی «نظام ولایتی» کارگردان ایرانی می‌توان «جنگ هشت ساله»، «کشتار زندانیان سیاسی»، «قتلهای زنجیره‌ای»، «خاتمی جامی‌زند»، «اکبر شاه می‌شود»، «نویسنده‌گان و دره»، «از جورج پشوش بسترسیم» و بسیاری فیلم و فیلم‌نامه‌های دیگر را نام برد.

آخرین اثر این کارگردان نیمه ایرانی که دوران بچگی را در نجف و پاریس سپری کرده است قرار است در فستیوال هفته‌های میلیون «مردان و زنان فراموش‌کار ایرانی» که مرکز آن در تهران است به نمایش گذاشته شود.

کارشناسان آشنا با «کدهای رفتاری این فستیوال پیش‌بینی می‌کنند که یک جمعیت «بیست میلیونی» مسکن است از این فیلم دیدن کنند.

موضوع فیلم بازی دادن مردمی است که به فیلم‌های کارگردان آمریکایی «جورج بوش» علاقه بیشتری پیدا کرده‌اند و از دیدن ساخته‌های اخیر «نظام ولایتی» سر باز می‌زنند.

داستان فیلم «چقدر فروش خواهیم کرد» مربوط به انتصابات مجلس هفتم در کشوری است که قبلاً نام آن ایران بوده و در حال حاضر آنرا «دارالحکومه» می‌نامند. ماجرای فیلم از آنجا آغاز می‌شود که مردم خسته از وضع فلاکت‌بار زندگی خود به تنگ آمده و دیگر سرریال اصلاح‌طلبی در میان مردم از بیننده کافی برخوردار نیست و خطر اینکه سرریال جدیدی بنام «مشت جورج و دهان صدام» تماشاچیان را به خودش امیدوار کند وجود دارد، خصوصاً که از صنعت فیلم‌سازی برتری نیز برخوردار است و داستان فیلم نیز با پیتر شدن وضع مردم خاتمه پیدا می‌کند.

«نظام ولایتی» در این فیلم به دنبال راهمائی است که نشان بدهد اصلاح‌طلبی کسانکی مشغله فکری بیست میلیون تماشاچی است. اولین پرده این فیلم با نشان

سود خود و خانان خویش بیردازند. در همین دروان - ۶۸ تا ۷۶ - است که خاندانی از رفسنجان بر سایر گروه‌ها غلبه کرده و با دست‌آویز نمودن لزوم بازسازی خرابی‌ها و ویرانی‌های ناشی از جنگ به شکل مافیایی بر منافع و منایع ملی دست‌اندازی نمودند. البته باید از اینجا گفت که در این دوره فضای سیاسی اندکی باز تر شده و به ندرت صدای برخی از اعتراضات مردمی و روشنفکران در سطح جامعه ب شکل محدود منعکس می‌شد؛ بحث قابل طرح دیگر در این دوران نقش «خنثی سیاسی» رهبر جدید به سبب فقدان عشق و ذکاوت و تجربه سیاسی اجرایی است. به همین دلیل است که می‌بینیم رهبر جدید در این دوران بیشتر نقش فرمایشی و تائیدکننده سایرین را داشته و در حقیقت «دوره آموزشی» رهبر جدید به همین دوران محسوب می‌گردد. مقایسه رفتار سیاسی رهبر جدید پس از خرداد ۷۶ که همراه با سخنرانی‌هایی به قصد اعمال تسلط سیاسی و حذف رقیب عمده در درون حاکمیت - خاندان رفسنجانی - از قدرت و میدان دادن - به منتقدان این خاندان در مطبوعات در رسانه‌های گروهی (در دوره انتخابات ریاست جمهوری)، تهدید و ارعاب مجلس و نمایندگان مردم به شکل رسمی، تائیس نیروهای ویژه پاسداری از ولایت (نوی) - گارد ویژه جدید - علاوه بر ارگان‌های نظامی - اقتصادی - اجتماعی سپاه و بسیج و نایش چهره صبحانه حکومت به قصد ارعاب مردم، روشنفکران و دانشجویان در ماجرای کوی دانشگاه و روز ختم غائله که با انتقال نظامی مناطق مرکزی پایتخت توسط نیروهای نظامی و شبه‌نظامی همراه بود، همگی حکایت از تبدیل این عنصر «خنثی سیاسی» به عنصری تمامیت‌خواه و سرکوبگر دارد.

از نکات کلیدی در تحلیل جریان دوم خرداد کاندیداتوری آقای خاتمی و چگونگی آن و شعارهای لیبرالیستی مطرح شده آن سوی وی است. مجموعه‌ای از عواملی که تاکنون برشود شده به مانند: فشارهای کم‌رنگ و رو به فزونی در لایه‌های مختلف اجتماعی بخصوص اقلات متوسط و کم‌درآمد و نسل جدید جوان که خواستار برخورداری از حداقل‌های حقوق شهروندی و اجتماعی بودند، پاره پارزدن یک پارچگی سیاسی و اتوریته سیاسی سرمدمدار دوران سازندگی، حضور مستقل سیاسی رهبری جدید در عرصه سیاسی کشور و عدم پاسخ‌گویی نظام موجود به مطالبات اجتماعی، حاکمیت را بر آن داشت تدبیری جهت تخفیف این نامالیسات و ناراضی‌ها، هر چند به شکل موقت بیانده شدند. «تدبیر» مورد بحث بدین‌گونه قابل تصور است که حاکمیت سیاسی، پشت درب‌های بسته و با توجه نیاز به مشروعیت بخشیدن به انتخابات و نمایش چهره‌ای مردمی از خود در سطح بین‌المللی با کاندیداتوری آقای خاتمی تحت شرایط خاص موافقت نموده و با تمامی قوا و امکانات از جمله بهره‌گیری از نظام اطلاعاتی و ترفند تبلیغ منفی در رسانه‌های همگانی مردم را به «تحریک» به شکاف در انتخابات نمودند. پیروزی خاتمی در انتخابات موجب گردید جنبش و تحول اجتماعی عمیق‌تر و گسترده از آنچه مورد انتظار محافظه‌کاران بود در جامعه شکل گیرد و همین امر موجب گردید که خاتمی سعی نماید با بهره‌برداری از شرایط سیاسی پدید آمده و پشت کردن به قول و قرارهای پشت پرده خود با جناح محافظه‌کار، به نقش آفرینی و ماجراجویی در عرصه سیاسی بپردازد. تلاشی عبث و عقیم که منجر به عقب‌نشینی گام به گام و کم‌رنگ شدن محبوبیت اجتماعی خاتمی و ناسمیدی و سرخوردگی اجتماعی حاصل از آن برای مردم گردید. خلاصه کلام آن‌که، دوم خرداد نه انتخاب سیاسی بود، نه انقلاب، نه رفم و نه انقلاب آرام - از کشفیات اصلاح‌طلبی در ایران! - و انتخاب انقلابی؛ بلکه حرکت و واکنشی غریزی و طبیعی توسعه‌های مردم در مقابل واژه‌هایی مانند آزادی، عدالت، برابری بوده و از سوی دیگر ادامه روندی است که پس از انقلاب آغاز شده و در برخی جهات و مواضع دارد از اهداف اولیه خود فاصله می‌گیرد و آنچه سبب سرعت بخشیدن به این جدایی می‌شود، همانا برخورداری و درگیری‌های ایجاد شده از سوی حاکمیت سیاسی است که به ایجاد و تعریف آرمان‌ها و اصولی جدید برای مردم می‌پردازد و قضاوت در ارتباط با سرانجام این حرکت نیز فقط با گذشت زمان و آشکار شدن برخی حقایق، و اسرار سیاسی میسر می‌باشد.

یکی از تصورهای و تحلیل‌هایی که در ارتباط با تحولات و تحولات اجتماعی در ایران از جانب اصلاح‌طلبان حکومتی مورد استفاده قرار گرفته این موضوع است که می‌گویند: کلیه رقابت‌های سیاسی در ایران نهایی و فینال بوده و دست آخر به این نکته می‌رسند که عامل شکست حرکت‌های مردمی و اصلاح‌طلبانه و سیاستمداران پرچمدار آن، تندروی‌های مردمی و پیش‌گرفتن خواسته‌ها و انتظارات مردم است. تحلیل‌یافته از دو موضوع قابل نقد است. نخست آن‌که؛ باید متذکر شد؛ این بازی نهایی و فینال پوسته در طول تاریخ بین خواص یا طبقات حاکم برخوردار از انواع امکانات جامعه برقرار بوده و تنها تفاوت این فینال‌ها این بوده که طرفین این بازی نهایی مدت‌های مدیدی است، حضور در فینال را به انحصار خود درآورده‌اند و به صورت دوره‌ای نقش‌برنده را در این میدان و عرصه بازی کرده‌اند، آری، این چرخه دیرزمانی است در کشور ما به حیات پر از تعارض و خونین خود ادامه می‌دهند و در این میان ناگفته گذاشتن این موضوع که نیرو و خون‌رسانی این چرخه، از زندگی مردم تامین شده، جایز نیست.

در ارتباط با پیش‌گرفتن خواست‌های مردمی و ترجیح منافع کوتاه‌مدت و لحظه‌ای نسبت به منافع بلندمدت، بدون لحاظ کردن اولویت مصالحان باید متذکر شد که، ملتی که سال‌ها تحت انواع فشارها و حق‌کنشی‌ها قرار داشته به محض آن که اندک مجال و فرصتی می‌یابد، سعی می‌نماید تا حد امکان از فرصت پیش آمده نهایت بهره‌برداری را نموده تا شاید بتواند اندکی از حقوق اساسی و پایمال شده خویش را احیا کند.

با عطف به آنچه تا به حال ذکر شده، بی‌معنی و بی‌اعتباری تحلیل انتزاعی از دوم خرداد ۷۶ - که از سوی اصلاح‌طلبان زندانی با اندیشه‌های سوسیالیستی و چپ مطرح شده - آشکار می‌گردد. در این راستا تنها نکته قابل ذکر این است که حداقل انتظار از روشنفکران و اندیشمندان - که البته منظور قشر و گروهی است که پس از دوم خرداد به ناگهان در جامعه چهره شده و اغلب به واسطه نوشته‌ها و یادداشت‌هایی معلومات و دانش سیاسی - اجتماعی - تاریخی خود را به رخ مردم کشیده و معنی نموده‌اند - تا با الگو برداری از نظریه‌پردازان معروف چپ و سوسیالیستی مردم و آزادی آن‌ها را به سمت خود جلب نماید - آن است که قدری با دقت با قضا یا برخورد نموده و اگر زمانی منافعشان ایجاب کرد، در طرف دیگر منازعه‌اش قرار بگیرند که صاحب اقتدار و قدرت شده، حداقل از تحریف و تحویل حقایق خودداری ورزیده و صرفاً مواضع خود را بیان نمایند.

پی‌گیری و ردیابی ناراضی‌های موجود در جامعه، در تحلیلی واقع‌گرایانه، سال ۶۸ را نقطه عطف و مهمی در شکل‌گیری روند مخالفت‌ها و حرکت‌های اجتماعی معرفی می‌نماید. تا سال ۶۸ دستگاه حاکمیت ایدئولوژیک بدون هیچ دردر و مانعی با بهره‌گیری از شخصیت کاریزماتیک رهبری و جنگ و اولویت دفاع از مرزهای مسلکی و اعمال کنترل و سانسور همدانیه بر رسانه‌های جمعی و گروهی و سیستم آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها)، اوضاع را تحت کنترل داشت و تمامی مخالفان را بدون زحمت و تاوان اجتماعی بسته به سلیقه و نوع فعالیت و سطح مخالفت از صحنه سیاسی - اجتماعی حذف می‌کرد. سال ۶۸ شکاف‌ها و ترک‌هایی در حاکمیت ایدئولوژیک پدید آمده و شروع به آشکار نمودن آثار خود کرد. اصلی‌ترین عوامل پدید آمدن چنین شکاف‌ها و ترک‌هایی را می‌توان ناشی از عوامل درونی در حاکمیت سیاسی و نه فشارها و حوادث اجتماعی برشمرد. به اجمال می‌توان گفت که سال ۶۸، سال جدایی و آغاز پیدایش منافع و رقابت‌های گروهی در درون حاکمیت بود. بدین معنی که در دستگاه حاکمیت با توجه به پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸، مخالفت‌ها و تغییر قائم مقام رهبری، اصلاح قانون اساسی و سرانجام سرگ خینی، گروه‌ها موجود در حاکمیت را بر آن داشت، تا در اندیشه تامین اهداف و امیال سیاسی - اقتصادی خود بی‌آفتند. به همین سبب بود که افراد صاحب نفوذ سیاسی فرصت یافتند و غنائم سیاسی - قدرت - را بر این خود تقسیم و ترک‌ها و شکاف‌هایش خواسته و یا ناخواسته در حاکمیت ایدئولوژیک پدید آوردند و سعی نمودند با دامن زدن به اختلافات و بهره‌گیری از حداکثر توان سیاسی به مصادره منافع مردم به

انگیزه‌ها، علل و گسترش جنبش اجتماعی که از مشخصات بارز آن اعتراض و نقد حاکمیت و اندیشه جمهوری خواهی محسوب می‌گردد، به خلاف مدعیان خام و نوپای جمهوری خواهی - بعضاً پایه گذاران و شرکای نادم - بخوانید فرصت طلب - نظام اقدارگرا و تمامیت‌خواه موجود - ریشه در تاریخ و فرهنگ و برخورد حاکمیت سیاسی با مردم دارد و می‌بایست در ابعاد مختلف اجتماعی - سیاسی - اقتصادی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

نگاهی کوتاه و گذرا به عملکرد شش سال گذشته «به اصطلاح جمهوری خواهان مذهبی» راهگشای مناسبی در موضع‌گیری و تحلیل این جریان اجتماعی خواهد بود. نقطه آغازین این جریان همراه مشارکت گسترده مردمی در انتخابات دوم خرداد ۷۲ - علل و عوامل به شکل مفصلتر تحلیل خواهد شد - بود. پس از پیروزی آقای خاتمی مجموعه‌ای از رویدادهای و چالش‌های اجتماعی - سیاسی و بعضاً اقتصادی در جامعه رخ نمود، که نتیجه فرصت پدید آمده به واسطه انتشار روزنامه‌های جدید در مستیاس انبوه و انعکاس آراء و افکار و انتقادات مردم و روشنفکران در فرصت پدید آمده بود. متعاقب این پیروزی سلسله‌ای از موضع‌گیری‌ها و رویدادهای سیاسی (قتل‌های زنجیره‌ای، رختخشدن در مطبوعات، ماجرای کوی دانشگاه، محاکمه و دستگیری گروهی نویسندگان و منتقدان و فعالین سیاسی)، - البته در این مقاله نیز تفاوت بین خودی‌ها نیز که در مدت حسی به نوشتن مانفست و کتاب‌های جدید و اکثراً پرفروش پرداخته‌اند و غیر خودی‌هایی که از آنرا و سلول‌های انفجاری و بعضاً تحت شکنجه و فشار روحی مجبور به سکوت و خاموشی و در مواردی اعتراف شده‌اند کاملاً محسوس است - فرمانبرداری مجلسی «مردمی» از فرمان‌های رهبری غیر مردمی، کم‌رنگ شدن حضور مردم در انتخابات بعدی و موضع‌گیری‌های بی‌زبانه سیاسی نماد اصلاحات در برابر جریانات مخالف خود در تحلیلی جامع حکایتگر عقب‌نشینی گام به گام این مدعیان از «توهم بی‌رمق و خاصیت جمهوری خواهی» مورد اشاره‌شان دارد.

نخست پیش از هر امر بررسی و شکافتن پیش‌زمینه‌ها و قوایع چنین رخدادی لازم است. لذا نگاه جامعه‌شناختی در کالبدشکافی جریان دوم خرداد راهگشا خواهد بود. پیش از این جریان و در طی دوران متفاوت پس از انقلاب، مجموعه‌ای از ناراضی‌ها و عدم تعادل‌ها و ناموزنیهایی شکل گرفته پس از انقلاب به سبب ماهیت مذهبی و تبعات منتج از آن - سبب محدود شدن خواست‌های قشر جوان و اوجگیری سهم این قشر در ترکیب جمعیتی کشور و سیاست‌های نابخردانه کلان که از سوی سیستم سیاسی ایدئولوژیک در پیش گرفته شده همه و همه دست به دست هم داده و شرایطی را پدید آوردند که منجر به رخ نمودن فرایندی گردید که تلور آن را همگان در دوم خرداد ۷۲ با حضور مردم در انتخابات مشاهده کردند.

در ارتباط با این رخداد و چگونگی ادامه روند و سیر رویدادی که توسط هیئت حاکمه در قبال مسائل و مشکلات مبتلا به جامعه تاکنون اتخاذ گردید، با استناد به زمینه‌های موجود و انباشته، پیش‌بینی تحولات بعدی چندان مشکل نخواهد بود. بدین معنی که با ادامه روند‌های جاری سرکوب و خواست‌های بدحق مردم و فعالین سیاسی با استناد به قوانین یک سو به راهی جز شدت گرفتن و رو به خشونت گذاشتن مخالفت‌های مردمی باقی نخواهد ماند، که البته منظور در اینجا پیش‌بینی تاریخی است که در حیطه تاریخ و تحولات اجتماعی، امری بس پیچیده بوده و علاوه بر زمینه‌های موجود و انباشته می‌باید بر اساس سنجش و درک افراد و جامعه از روند تغییرات انجام گیرد.

ماحصل و نتیجه تحلیل فوق این امر است که دوم خرداد، رویدادی اجتناب‌ناپذیر و ناگزیر بود که نتیجه طبیعی فشارهای پیشین بود. اما در ارتباط با غافل‌گیرکنندگی، گستردگی، و ژرفا و تکانه‌های حاصل از این تحول برای حاکمیت می‌توان گفت که ریشه این بهت و حیرت، شغف و انفعال بیش از حد تصور در مقطع زمانی یادشده می‌باشد. یا به کلامی دیگر، در فضای سکوت و رخوت سیاسی حاکم در کشور که مردم حتی نیاز جرات تفکر و اعتراض به اعمال غیرقانونی و صبحانه حاکمیت را حس نمی‌کردند. چنین حرکتی - مشارکت در انتخابات - بسیار ژرف و گسترده تلقی گردید.

### نه همین لباس زشت است نشان آدمیت

مرتضی نگاهی

ایرانیانی که وارد بازی ریاکارانه نشده‌اند و خودشان هستند با همان سر و وضعی که بوده‌اند و با دوست دارند باشند.

من در سفرهایم به ایران بارها و بارها در اتوبوس و هواپیما و قطار، در کوچه و خیابان و میدان شهروندان «غیر خودی» را می‌دیدم که چگونه تن به این ریا و تزویر نداده‌اند. اینان مهندس و دکتر و کارشناس و خلبان و دانشجو و ... هستند و قاطب ایرانیان تحصیلکرده را تشکیل می‌دهند که حق‌شان هست وزیر و وکیل و سفیر و رئیس جمهور و مدیر بشوند. اما از صحنه کنار گذاشته شده‌اند. اینان ایرانیان سکولارند که عقیده ندارند دین و مذهب‌شان را با حکومت قاطی کنند و ایمان و اعتقادهایشان را در کوچه و بازار به نمایش عمومی نمی‌گذارند.

اگر ایران برای همه ایرانیان باشد این شهروندان نیز جایگاه شایسته خود را در جامعه پیدا خواهند کرد. هستایان این شهروندان لبنان جنگ‌زده و مفلوک را پس از سال‌ها جنگ داخلی و برادرکشی دوباره به سوی خاورمیانه تبدیل کردند. ایران هم می‌تواند جایگاه شایسته خود را در جهان متسدن پیدا کند. حال که مردم متوجه حقیقتی بخشی از نامزدهای انتخابات مجلس شده‌اند، بر ماست که حقوق تمام شهروندان ایرانی را با هر لباس و دین و عقیده و نژاد و زبان مطرح کنیم. این شاید نقطه آغاز جنبش واقعی مدنی ملت ایران باشد در جهت تحقق شعار ایران برای ایرانیان!

دیشب پریشب فیلمی خبری دیدم از اوضاع و احوال ایران. داشت نماینده‌ها را نمایش می‌داد که کتف را جفت کرده و در حین نماز به سجده رفته بودند. در فیلمی دیگر استانداران را نمایش می‌داد در پیشگاه رهبر انقلاب که همه با چهره‌های اخسو و ریش‌های نرزه و شکم‌های برآمده و موهای ژولیده و پیراهن‌های چروک و کت و شلوارهای چروک‌تر و چرکت‌تر و شرفیاب شده بودند.

اینان ایرانیانی‌اند که محصول انقلاب اسلامی‌اند. با ایرانیانی که ملامت عضو تیم ملی فوتبال‌اند یا دکترهایی که جناب رهبر و دیگر دولتمردان محترم را معاینه و معالجه می‌کنند زمین تا آسمان فرق دارند. انگار از دو کره جداگانه به زمین نازل شده‌اند! نظام ریاکارانه مذهبی - سیاسی - عقیدتی از دولتمردان و مسئولان دولتی و نمایندگان ایران چهره‌های «مشابه» (کلون) ساخته که هسان لباس می‌پوشند و هسان سخن می‌گویند. بنابراین خرازی شبیه ولایتی می‌شود و هر دو شبیه محسن رضایی و هر سه شبیه محسن آرمین و هر چهار شبیه خلیل دست‌اندرکاران و زمامداران چپ و راست و اصلاح‌طلب و تمامیت‌خواه و ... طبعاً بین این هسروطنان کسان خوب و دلسوز و انسان‌های فرهیخته هم وجود دارد که «نه همین لباس زشت است نشان آدمیت!»

اما بخش اعظم مردم ایران عملاً به عنوان غیر خودی از سمت‌های دولتی کنار گذاشته شده‌اند و به‌عنوان کاربر در خدمت کارفرمایان و زمام‌داران قرار گرفته‌اند.

# ایدئولوژی دگماتیک خصوصی سازی فراگیر سرفصل جهانی شدن جدید سرمایه داری در سایه لیبرالیسم نو است

تهیه و تنظیم: ب. کیوان

**تدارک پاسخ های دموکراتیک و حامل های راهی**  
بدلی های ما در برابر روندهای ضد اجتماعی نولیبرالی باید تحول پویا را در تاثیر متقابل جنبش ها و مبارزدها و تدارک مفهوم های جدید جستجو کند.

در گرما گرم خصوصی سازی های پست، ارتباط های دور، تدارک برق و مراقبت های بهداشتی و نیز بسیاری کسک های روستایی، بحث در باره وسیله های جلوگیری از این حمله های ضد اجتماعی در داخل سندیکا های چپ و آتاک (انجمن نرخ بندی داد ستدهای مالی برای کمک به شهروندان) جریان دارد. با این همه، بسیاری از افراد منتقد خصوصی سازی ها در مقیاس وسیعی وعده های مبلغ های خصوصی سازی را می پذیرند. مثلاً آن ها به نفع خود گفتمان سوداوری اقتصادی را تکرار می کنند یا افسانهای را باور می کنند که طبق آن تامین مالی عمومی در آستانه ورشکستگی است، بی آن که سیستم مالیاتی را به پرسش کشند.

کوشته حاضر به نوبه خود تلاش می کند، نشان دهد که مقاومت در برابر خصوصی سازی ها از استراتژی متمرکز در زمینه نیازهای اجتماعی و بلند پروازی های دموکراتیک شهروندان در چشم انداز راهی جدیدی ناپذیر است. به جای تبعیت از اجابرای فرضی مبتنی بر واقعیت، در جای نخست باید به تحلیل اقتصادی خصوصی سازی ها و تناسب نیروهای سیاسی پرداخت. هفت تز زیر، بحث در داخل آتاک، سندیکاها و انجمن های مصرف کنندگان را برمی انگیزد. لازم به یادآوری است که آتاک، سندیکاها و انجمن های مصرف کنندگان و غیره مولف های اساسی «ضد قدرت» در مبارزه با جهانی شدن لیبرالیسم نو است.

## ۱ - خصوصی سازی های عنصر تشکیل دهنده دموکراسی جامعه در چشم انداز نولیبرالی است

در میانه دهه ۷۰ سرمایه داری در بحران ساختاری ای گام نهاد که قبل از هر چیز مشخص آن تنزل سودها و کندی انباشت سرمایه است. دولت های اروپایی و شمال آمریکا نخست از راه انگیزش تقاضا بنا بر روش های کنیزی کاملاً شناخته و اکتش نشان دادند. اما از پایان دهه ۷۰ آن ها رفته رفته دریافته اند که برای ایجاد شرایطی که سوددهی بهتر سرمایه را ممکن سازد، باید به شیوه های رادیکال متوسل شوند. دولت محافظه کار مارگارت تاچر در بریتانیا تا ۱۹۷۹ برنامه گسترده محافظه کاری جدید را به اجرا درآورد. بعد در ایالات متحد دولت ریگان تعرض ضد اجتماعی اش را با برنامه عظیم مسابقه تسلیحاتی با تکیه بر روحیه نظامی - کنیزی ترکیب کرد. در اغلب کشورهای اروپایی تحمیل سیاست هایی از آن دست با دشواری زیادی روبرو شدند. تسلط وارداتی که در اروپا و ایالات متحده در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ یافتند به طور موقت شدت اعتراض را کاهش داد. در همان موقعیت بحران، بورژوازی در ۱۹۹۲ - ۱۹۹۱ به نام سازگاری ساختارهای سنتی تعرض وسیعی با جرایم برای بهبود رقابت پذیری بین المللی انجام داد. از آن زمان بسیاری از دستاوردهای اجتماعی پایمال شدند و برخی دیگر پیوسته مورد بحث و پرسش اند. موج های چشمگیر خصوصی سازی که دولت راستی انشالاف سیز دموکرات و بورژوازی را به راه انداختند، در یک بافتار عمومی جای دارد.

## ۲ - تنزل ارزش کار

نوسازی صنعتی با شکل های جدید تقسیم بین المللی و سازماندهی کار پیوند دارد. دغدغه مرکزی همواره افزایش اضافه ارزش (سهم کاری که مزدبر در قابل آن مزد دریافت نمی کند)، کاهش ارزش های مزدبری و از این رو، افزایش سودها است. با رد فهرست بندی مزدها بنا بر تورم و پرداخت ساعت های اضافی به تنزل مستقیم مزدها مبادرت می کنند. ایجاد ساختارهای تولید با نرمش زیاد و تخصصی شدن زیاد، ارزش ها را پایین می آورد. هم زمان نرمش پذیری زمان کار و شرایط مزدبری معمول می گردد. در شاخه های استراتژیک غیر محلی شدن ها سمت کشورهای دارای ارزش ناچیز نیروی کار به دلیل بهره دوری بالای کار پدیدهای تنهایی (Marginal) باقی می ماند. صعود بیکاری و کاهش حقوق بیکاران فشار اضافی بر مزدها را ممکن می سازد.

## ۳ - کاهش اجتماعی شدن سودها

سیستم مالیاتی می تواند بنا بر شکل کارکردش به توزیع اجتماعی ثروت کمک کند.

مالیات های مستقیم بر درآمدهای بالا، دارایی های مهم و سودهای موسسه ها به اجتماعی شدن معین سودها می انجامد. به درستی این وضعیت است که تغییر کرده است. طی دهه ۱۹۹۰ - ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها به اصلاح های مالیاتی که به موسسه ها کمک می کند، مبادرت کردند. لغو مالیات بر دارایی ها (توسط دولت کفیل در آلمان)، همچنین امتیازهای مالیاتی به سود موسسه های بزرگ و تراست ها (توسط دولت شرودر) نمونه هایی از این نوع اصلاح ها، است. البته، اتلاف های سرخ - سبز یا بورژوازی راست به طرد دولت از قلمرو اقتصاد پیش از سالم سازی مدیریت مالی توجه دارند. سیاست آن ها از مدل آسان بی کاپوی پیروی می کند: به محض این که کسری ها آشکار شدند، آن ها کاهش هزینه ها را خواستار شدند. با این که این کاهش متعادل کردن دوباره بودجه را ممکن می سازد، آن ها بی درنگ خواستار کاهش مالیات شدند که به کسری های جدید می انجامد. این کسری ها به نوبه خود دستاویزی برای کاهش های هزینه ها می گردد. هدف این سیاست کاهش اجتماعی شدن جزیی سود از راه کاهش مالیات و بعد بیرون کشیدن باز هم بیشتر پول از جیب مزدبران در خلال برنامه های اقتصادی و افزایش نرخ ها است. هم زمان این سیاست کاهش توان دخالت دولت در عرصه اقتصاد را ممکن می سازد. بنابراین، خصوصی سازی ها به کاهش وام عمومی خدمت نمی کند. بلکه یک وام عمومی ببری کاهش قدرت دولت در قلمرو اجتماعی و قلمرو زیر ساختارها ایجاد می کند.

## ۴ - در باره امکان های جدید سودآوری سرمایه خصوصی سازی ها

جز بریتانیا، در اروپا خصوصی سازی های واقعی اندکی در دهه ۸۰ وجود داشت. اما اکنون برای آن ها زمینه به طور منظم بنا بر برنامه ایدئولوژیک تدارک شده است. در دهه ۹۰ تخریب سپس خصوصی سازی چند بخش کلیدی (ارتباط های دور پست، خدمات های گوناگون مشترک) آغاز گردید. تکنولوژی های جدید (مثلاً در قلمرو ارتباط های دور و اینترنت) زیر کنترل شرکت های خصوصی درآمدند. اکنون ما با موج جدید خصوصی سازی ها در قلمرو راه آهن، بهداشت، شغل یابی و روبرویم. در چارچوب خصوصی سازی های سرمایه، در مفهوم «استعمار درونی»، قلمروهای جدیدی کاوش شده اند که مقدم بر سرمایه گذاری های سودآور است. یک کاوش خیلی آسان تر این است که دولت بخش های «ناسودآور» را قربانی یا ترک می کند.

سرمایه داری اکنون خود را در مرحله غارت اقتصادی می بیند و مالکیت عمومی و همچنین منبع های طبیعی و فکری در هر سطح را تملک زدایی و چپاول می کند. این رفتار از بیمارستان های هامبورگ تا منبع های طبیعی ساکنان آمازون پیش می رود و از «تولید دانش ها» در دانشگاه های تکنولوژی پیشرفته سلیکون والی high-tech de la Silicon Valley عبور می کند. موافقت های بین المللی ADPIC (موافقت ها در باره جنبه های حقوق مالکیت فکری مربوط به تجارت) و AGCS (موافقت های عمومی در باره تجارت و خدمات) به وضعیت رویدادها شکل نهادهی اعطاء می کند. در واقع هر آنچه که می تواند سودهایی تولید کند، باید خصوصی شود.

چند مورد مشخص: RWE و Vivendi با هزینه های آب ثروتمند می شوند. تراست انرژی آلمان RWE که مرکز اجتماعی آن در اسن است، طی سال های اخیر کارزار وسیعی برای تصاحب منبع های آب به راه انداخت. در ژوئن ۱۹۹۹ AQUA SARL یک شعبه RWE را به طور مشترک با کمپانی عمومی آبها (CGE) خریداری کرد، که به گروه فرانسوی و یووانندی و SARL Allianz Capital Partner

با ۴۹/۹ درصد سهم های تهیه آب برلین تعلق داشت. کسی پیش از یک سال بعد در سپتامبر ۲۰۰۰ RWE گروه انگلیسی Thames water plc را با مبلغ بیش از ۸/۱ میلیارد دلار باز خرید کرد. این موسسه که مرکز آن در لندن است از این تاریخ به عنوان مدیر جدید زیر رهبری RWE کارهای مربوط به آب در سطح ملی و بین المللی را اداره می کند. بدین ترتیب ما در برابر پیدایش سوئمن تهیه کننده جهانی خدمات در زمینه معامله و تهیه آب مستقر در مراکزهای عمده لندن، برلین، بوداپست، نیوجرسی، شانگهای، جاکارتا و

پانکوک قرار داریم. پس از خصوصی شدن تهیه آب در انگلستان در دهه ۸۰ اکنون تراکم این روند در سطح جهانی دنبال می شود. یکسال بعد در سپتامبر ۲۰۰۱ RWE جهش بزرگی فراسوی آتلانتیک کرد و در برابر ۴ میلیارد دلار شرکت آمریکن واتر نخستین موسسه اتاژونی، موجود در ۲۳ ایالت آمریکا را خریداری کرد. ویوانندی علاوه بر خریدهای برلین در مه ۲۰۰۲ سرویس های عمومی گورلیتر را با خرید ۴۹/۹ درصد سرمایه آن ها به تملک درآورد. معنی آن این است که برای نخستین بار در آلمان سهم های یک موسسه عمومی در ارتباط های کامل که حمل و نقل عمومی مسافت نزدیک را در بر می گیرد، واگذار شده اند.

- آب برلین، تملک زدایی شهروندان روشی که برلینی ها را از تهیه و ذخیره آبشان باز می دارد، گسترش روندی از این نوع را نشان می دهد. سنای برلین در ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۹ تصمیم گرفت بالغ بر ۴۹/۹ درصد سهم های در کمپانی آب های برلین (BWB) را بفرشد. این کمپانی کنسرسیومی دارد که سارل آکادر از شعبه RWE، کل آب های ویوانندی و سارل آلیانس کاپیتال پارتنر را در بر می گیرد. در داخل این کنسرسیوم، ویوانندی و RWE هر یک ۴۵ درصد و آلیانس ۱۰ درصد سهم ها را در دست دارند.

دولت برلین در رابطه با بخشی از کارفرمایان حرکت بعدی را نشان داد: برلین باید به یکی از دهها مرکز مهم عصبی بازار آب رو به پیشرفت تبدیل شود؛ ساختار جدید سرویس آب های برلین، شرکت سهامدار مادر با مشارکت ویوانندی و سارل آلیانس کاپیتال پارتنر بخصوص به موسسه امکان داد فعالیت هایش را بر پایه سرویس های پیش از این عمومی توسعه دهد و وارد تعرض توسعه طلبانه در بازارهای جدید آب در اروپای شرقی و حتی چین شود. کمپانی آب های برلین اعلام کرد: «ما تهیه و معامله آب را در مقیاس وسیع در برلین، در آلمان و در سراسر دنیا به عنوان هدف تعیین کردیم». گزارش سیاست کاری ۲۰۰۲ آب های برلین، ص ۵۰، این استراتژی طبق سه محور زیر دنبال می شود:

● توسعه بین المللی و سهم شدن در موسسه های تهیه آب و بازسازی قراضه های تولید که از سرمایه گذاری های سرمایه و مهارت سازماندهی بی بهره اند.

● گروه جدید «Multi Utility» باید به تهیه برق در مقیاس وسیع، گرم کردن بازار ارتباط های دور و بسیاری از سرویس های دیگر بپردازد.

کارکرد آب های برلین در پایان دو سال به یک فاجعه کلی انجامید. فروش مرکز بازسازی قراضه های SVZ Pompe Noire به علت بدهی زیاد انجام نگرفت. شرکت اتاژونی گلوبال انرژی محترم شردن قراردادی را که امضا کرده بود، رد کرد. با وجود این، کمپانی آبها قیمت فروش را بالغ بر ۲۱۰ میلیون مارک به عنوان درآمد فوق العاده در ترازنامه اش برای سال ۲۰۰۰ ثبت کرده است. هم زمان سرویس های آبها یک وثیقه ۳۱۵ میلیون مارکی به حساب شعبه هولندینگ (بخش ارتباط ها) و وصل کرده حساب های آن در بانک برای سال ۲۰۰۱ در قبال ۲۳۳ میلیون مارک در وضعیت قرمز بود. در پایان ۲۰۰۱ به روشنی آشکار شد که طرح ها تاگردن در وام ها فرو رفته اند. باید افزود که RWE و ویوانندی هنگام خرید سهم های نرخ یازده در صدی را تضمین کرده بودند (البته، در آغاز این رقم ۹ درصد بود ولی دادگاه آن را کاهش دادند). بر پایه سرمایه آغازین، RWE و ویوانندی زیر سه هولندینگ آب های برلین، استراتژی های توسعه بین المللی را راه انداختند. در نیمه ماه مه ۲۰۰۲ سنای این قلمرو با اکثریت PDS - SPD به هولندینگ آب های برلین (شرکت سهامدار) یک وثیقه ۳۱۶ میلیون یورویی برای نجات از ورشکستگی اعطا کرد. این وثیقه برای پاک کردن وام های قدیمی و ایجاد شاخه بین المللی به کار برده شد.

طی این دوره شرکت ویوانندی نیز در بحران غوطه ور شد. وام هایش روی هم رفته به ۲۵ میلیارد یورو بالغ گردید. شرکت مونیخی آلیانس نخستین شرکتی بود که نتیجه لازم را از آن گرفت و در ژوئن از هولندینگ کنار رفت. شرکت های رقیب RWE و ویوانندی مشارکت خود را به نصف باز خرید کردند. هر دو رقیب بدین ترتیب در موقعیت «آجمز» قرار گرفتند. سناتور کارهای اقتصادی گرگور گیزی (PDS) در نیمه ژوئن ۲۰۰۲ خود را فعالانه وقف قبولاندن قرارداد رد شده در زاگرب به هولندینگ آب های برلین کرد. قلمرو برلین فروش سهم جدید را بررسی می کند. این چیزی

است که به حذف ۱۳۰۰ شغل می انجامد.

- بیمارستان های هامبورگ کشمکش پیرامون «بیمارستان قلمرو» (LBK) که به شهر هامبورگ تعلق دارد، هنوز آن قدر پیشرفته نیست. اما طرح خصوصی سازی دولت این قلمرو و ویژگی هایی را نشان می دهد که ناگزیری باز تولید سناریویی از همان سنوئه کمپانی آب های برلین را رد نمی کنند. LBK نخستین کارفرمای شهر است و تقریباً ۱۳۰۰۰ نفر در استخدام دارد و با ۱۵۰۰ کارآموز نخستین مرکز آموزش هامبورگ به شمار می رود. LBK خود را یکی از بزرگترین موسسه بهداشتی اروپا توصیف می کند. سنای هامبورگ در ۵ فوریه ۲۰۰۲ مبادرت به خصوصی سازی LBK کرد. LBK هنگام تبدیل به یک موسسه حقوق عمومی توسط دولت سویال دموکرات ناگزیر بود، هزینه های مدیریتان پیشین کلینیک را تامین کند. از این رو، این موسسه آگاهانه در قرضه اضافی و در هدف مشخص غوطه ور شد. این «قرضه دار بودن زیاد» بهانه برای استقبال از سرمایه خصوصی گردید. بعلاوه، واضح است که برخی بخش های بیمارستان مستعد استحاله سودهای بالا هستند. مدیریت مطالعه های کلینیک به نفع شرکت های داروسازی و همچنین دادن گواهی نامه و اجاز نامه به نتیجه های پژوهش می تواند انجام معامله های عظیمی را ممکن سازند. با قراردادن (حتی جزیی) بیمارستان ها در دست بخش خصوصی گام مؤثری به سمت ایجاد مجتمع پزشکی - داروسازی - بیوتکنولوژیک برداشته شد.

حتی سندیکای Verdi مشارکت در LBK را برای خروج از رکود سرمایه گذاری خواستار شد. Verdi از به راه انداختن این کار توده ای زیر عنوان «بهداشت فروختنی نیست» ابا نداشته است. این ابتکار باعث شد که LBK در جنبه های زیادی زیر کنترل دولت باقی بماند. وردی در پروژه درخواست خود نوشت: هر چند شهر تجاری آزاد هامبورگ اکثریت سرمایه را حفظ می کند، اما اطمینان پایدار دارد که در زمینه بهداشت این مردم و منافع آنان است که اربابان LBK درخواست خود: «عطش سود سرمایه گذاران خصوصی». این یک ساده لوحی یا دروغی بی قید و شرط است. همه تجربه های گذشته نشان می دهند که موسسه های خصوصی از راه ایجاد شرکت سهامدار (هولدینگ) مانند مورد آب برلین) و ادغام موثر شاخه های کامل فعالیت در سازماندهی کارشان در مقیاس شرکت می توانند کنترل یک موسسه را برای خرید خود تامین کنند؛ حتی اگر خیلی کمتر از ۵۰ درصد سهم ها را داشته باشند.

- «استعمار درونی» و استعمار نو اقتصادهای آمریکای لاتین نشان می دهند که «استعمار درونی» شتابان شکل «استعمار بیرونی» پیدا می کند. بسیاری از شرکت های بزرگ اروپایی و ایالات متحد سهم های قابل ملاحظه زیر ساختارها را در آمریکای جنوبی در دست دارند. در مثل کمپانی اسپانیایی تلفونیکا در اندیشه غلبه وسیع بر سراسر شبکه های تلفنی ثابت و متحرک در آرژانتین، برزیل، پرو، شیلی، سلطه خود را تعریف می کند.

## ۵ - خصوصی سازی ها به پیدایش انحصار در بازارهای جهانی کمک می کند.

تحول بخش ارتباط های دور این واقعیت را تأیید می کند. البته انحصارهای عمومی در سطح دولت ها از بین رفته اند. ولی ما اکنون در برابر تراکم فزاینده این بار در سطح بین المللی قرار داریم. شمار کوچکی از «بازیرگران جهانی» به جنگ متقابل در بازارهای ملی شان پرداخته اند. روندهای مشابه در سایر قلمروها وجود دارند. در مثل پست آلمان گاه نقش کلیدی در بازارهای ژئوستیک بین المللی ایفا می کند. تراست فرانسوی دیوانندی سالک مرکزی بسیاری موسسه های شهرداری و موسسه های آب (Stadt - und Wasserwerk) در آلمان است. تراست های انرژی آلمان RWE و EON در این عرصه با رقیب فرانسوی در کشمکش اند. از این روست که زیر ساختارهای اساسی از هر کنترل عمومی و دموکراتیک حتی پارلمانی بیرون می آیند.

## ۶ - خصوصی سازی های حقوق مدنی را به نیستی می کشاند

حزب های بورژوازی، سبزها و سویالی دموکراسی از روش مردم فریبانه شعار «کاهش بوروکراسی» استفاده می کنند. به نام «آزادی های فردی» و بازار نقش ناچیز دولت را در زمینه تنظیم اجتماعی زیر سوال می برند. تکرار مفهوم لیبرالی «کتر دولت» بدین معنی

است که آن ها از این راه به برآوردن نیازهای مردم می پردازند. ایدئولوژی های نولیبرال و پیروان سبز و سویالی لیبرال آن ها مدعی اند که سرویس های عمومی و حمایت اجتماعی مانند چیزهای دیگر کالا هستند که باید تابع قانون عرضه و تقاضا باشند. از نظر آن ها کسی که می تواند بهتر بپردازد حق استفاده بهتر دارد. بنابراین، آن ها می خواهند این سیاست را با یک رشته اصلاح های اداری و خصوصی سازی های مراقبت های بهداشتی، حمل و نقل ها، ارتباط های دور و حتی آموزش در حلقه کنسرسی پیمانکاری و بهره دوری به اجرا درآورند. این تدارک ها و تدبیرها دولت را به غارت و افزایش نابرابری های اجتماعی سوق می دهد. بر این اساس حقوق شهروندان در زمینه برخورداری از سرویس های عمومی در معرض نابودی قرار گرفته است. شهروندان که با اجرای چنین سیاستی به مشتریان تبدیل می شوند، در صورتی که قدرت ترشدان ناچیز باشد به مقام در یافت کننده صدقه تنزل می یابند. برعکس در یک چشم انداز دموکراتیک و راهی بخش ما سزاوار داشتن آب و هوایی با کیفیت خوب، سزاوار داشتن مسکن مناسب، خوراک سالم، حق برخورداری از فرهنگ، کار مفید و آفریننده، سزاوار داشتن وسیله های حمل و نقل مشترک و حق برخورداری از فعالیت های فرهنگی هستیم. هیچکس نباید آن ها را به درخواست نیکوکاری از جانب هموعانش تقلیل دهد.

## ۷ - دقیق بودن واقع گرایی است

همه نمونه ها و به ویژه نمونه هولندینگ برلینی آبها و طرح های خصوصی سازی LBK هامبورگ، ضرورت مطلق برهان آوری دقیق برای مبارزه موثر با سلب حق از منبع های عمومی را نشان می دهند. فرض «رنال پلیتیک» مدیریت های سندیکایی و کمیته های موسسه ناواقع گرایانه و ساده لوحانه در بالاترین حد است. در بسیاری از موردها مسئله عبارت از رفتاری شبیه «نجات ممکن» است که بر حسب آن رهبران سندیکاها یا عضوهای کمیته های موسسه می کشند موسسه خاص خود را (به زبان دیگر گروهها) نجات دهند. یا به طور شخصی سهمی از یک کیک تقسیم شده به دست آورند.

یک برهان آوری پایدار و دقیق نه تنها مناسب، بلکه بسیار معتبر در درازمدت است. معنی آن این است که نیروی مقاومت باید دستگاه های مفهومی ویژه خود را بسازد. برای این کار باید سه محور اساسی را دنبال کرد. نخست طرح ریزی یک مفهوم اصلی از نیازهای اجتماعی، دموکراسی و تملک اجتماعی منبع ها است. از این دید، انجمن آتاک می کشد حداکثر اجازه را با شریکان اجتماعی برقرار کند. اما این انجمن در همین حال باید استقلال اش را در برابر متحدان خود حفظ کند و به مانورهای سیاسی مهم و تردیدآمیز نیویود (مثل ابتکار وردی به نفع خصوصی سازی جزیی LBK).

خصوصی سازی ها تنها یک جنبه از مسئله را نمایش می دهند. باید در نظر گرفت که بیکاری، مجموع سیستم حمایت اجتماعی، بازارهای مالی بین المللی و همچنین مسابقه تسلیحاتی از قلمروهای به طور تنگاتنگ به هم پیوسته اند. از این رو، نمی توان در جستجوی یک بدیل سیاسی، مسئله های دقیق را برای یافتن راحل های آن ها که به نظر می رسد از دیدگاه پراگماتیک قابل تحقق باشند، جدا کرد. همه نقطه های دردآلود عصب نیازمند برقراری اتحادها برای حمله به آن ها بویژه میان فعالان (کارکنان) و استفاده کنندگان است.

## ۸ - اجتماعی کردن خدمات های عمومی به جای خصوصی کردن آن ها

باید قاطعانه این اندیشه پذیرفته را که کار آبی فقط در دست و سوی کارفرمایی است، قاطعانه رد کرد. این «کار آبی» در دست کاش پیته وسیع عرضه در بخش عمومی هدایت می شود، آن هم در مقیاسی که عرصه سرویس تخصصی شده، به طور انکارناپذیر با کیفیت بالا توسعه می یابد؛ اما فقط افرادی که قدرت خرید بالایی دارند.

باید سیستم باز نشتی ها و بیمه بیماری را مدرنیزه نمود و آن ها را برای رهایی از جنگل سیستم های بیمه های خصوصی و نابینجاری های (راهنانه) وابسته آن در یک ساختار تابع کنترل عمومی متحد کرد. توسعه پسیه مالیات و برقرار سهم های تدریجی می تواند بر «نامسکن بودن تامین مالی» سابق است. سیستم بهداشت نیز باید به باز نشتگان ادامه در صفحه ۱۱



## چادرهای کمک به زلزله‌زدگان در بازارهای آزاد

در حالی که پانزده هزار چادر مرغوب با کلیه تجهیزات توسط یونسف در اختیار جمهوری اسلام قرار گرفته است، هنوز هیچ یک از این چادرها در سطح منطقه هم توزیع نگردیده است. سایت هنگامه شهیدی: در حالی که پانزده هزار چادر مرغوب با کلیه تجهیزات توسط یونسف، در اختیار جمهوری اسلام قرار گرفته است، هنوز هیچ یک از این چادرها در سطح منطقه هم توزیع نگردیده و این در حالی است که از سوی مقامات مسئول گفته می‌شود، یکصد هزار چادر میان زلزله‌زدگان توزیع گردیده. به غیر از یونسف، گروه‌های آمریکایی، ایتالیایی، انگلیسی و فرانسوی نیز چادرهایی را توسط نیروهای خود برای نیاز به زلزله‌زدگان هم، به این شهرستان ارسال داشته‌اند که متأسفانه تاکنون هیچ یک از آنان در اختیار نیازمندان قرار نگرفته است.

مشاهدات عینی از سطح شهر حاکی از این است که زلزله‌زدگان تنها در چادرهای ایرانی با جنس نامرغوب و کاملاً غیر بهداشتی که به ارم هلال احمر مزمین هستند اسکان یافته‌اند و حتی یک مورد چادر خارجی که در آن مردم زلزله‌زده اسکان یافته باشند، مشاهده نگردیده. از سوی دیگر شهیدی می‌شود که این چادرها

### ایدئولوژی دکماتیک خصوصی سازی فراگیر سرفصل جهانی شدن جدید سرمایه داری....

ادامه از صفحه ۱۰

ایجاد شغل‌ها می‌شود. به علاوه، درک جدید از سرویس عمومی بر پایه همبستگی از تقسیم جدید کار ناپذیر است. تقسیم جدید کار که بویژه برای کشورهای پیشرفته مطرح است، مستلزم کاهش جدی زمان کار است. چنان که امروز در اروپا، در این زمینه گذار به ۳۵ ساعت در مقیاس اروپا، بدون کاهش قدرت خرید برای اکثریت مزیداران و بدون افزایش نریش پذیری، کاهش قدرت خرید برای اکثریت مزیداران مطرح است. کاهش زمان کار، ابزار بسیار موثر علیه بیکاری و بسا بر فایده‌های عظیم بهره‌دوری در زمینه اقتصادی توجیه پذیر است. البته، در این خصوص با مسئله باز هم وسیع تر روبرویم. مسئله عبارت از طرح ریزی و تقسیم جدید کار، کار صرفه‌جویی شده و زمان آزاد است. یک چنین رویکردی به این پرسش می‌انجامد که چگونه باید شرایط کار را سازمان داد و به تقسیم جدید و وظیفه‌های تولید مبادرت کرد و تقسیم جدید بین المللی کار بسیار همبسته را برقرار کرد. کاهش جدی زمان کار ابزار مهم اصلاح اساسی رابطه‌ها میان جنس‌ها است. به چارچوب سازماندهی جدید کار باید به طور قطع پرسید که ایجاد شغل‌های جدید یک ضرورت فوری را نشان می‌دهد. در بسیاری قلمروها، به طور اساسی قلمروهای آموزش و سرویس‌های اجتماعی این جامعه‌ها شغل‌های مکمل را توجیه می‌کند. چیزی که ما را به مسئله سرویس عمومی بازمی‌گرداند.

۱۰- **تسلک اجتماعی، دموکراسی و نیازهای اجتماعی**  
تسلک اجتماعی سرویس‌های عمومی، در نهایت سازمان‌دهی جدید کار و تسلک کار و محصول‌های آن به وسیله زحمتکشان به طور طبیعی در مسئله مالکیت جا دارد. اگر مثلاً موسسه‌ها می‌بایست در چارچوب گفتگوها در مقیاس محلی، ملی یا قاره‌ای با دادن امتیازهایی موافقت کنند، این نخستین گام در راستای تسلک اجتماعی است. مثلاً صنعت داروسازی می‌تواند وادار به تولید داروهای مختص برای ذخیره‌سازی رایگان داروهای پایه در سطح جهانی شود. می‌توان این نوع رویکردها را در مقیاس اروپا و جهان در همه بخش‌های مهم اقتصادی ترسیم کرد. گفتگوها به منظور کسب این امتیازها مستلزم بسیج دائمی سندیکاهای دیگر جنبش‌های اجتماعی است. در این چارچوب می‌توان نیازهایی را جستجو کرد و شناساند و پرسید کدام منبع‌ها باید در الویت برای برآوردن کدام نیازها قرار گیرد و به بحث در باره آن پرداخت. این امتیازها به درستی هنوز مالکیت وسیله‌های تولید را به تمامی زیر سؤال قرار نمی‌دهند، بلکه آن‌ها می‌توانند نخستین گام را در راستای اقتصاد اجتماعی شده تشکیل دهند که رو به چشم‌اندازی سوسیالیستی دارد. بدیل‌های ما باید تحول دینامیک را در رابطه مستقیم با جنبش‌ها و مبارزه‌ها و همچنین طرح ریزی مفهوم‌های جدی دنبال کند.

منبع: سندهای سینار «خدمات‌های عمومی» آتاک سال ۲۰۰۲

## حجاریان: در شرایط فعلی میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس هفتم در شهرهای

بزرگ ۱۰ تا ۱۵ درصد خواهد بود مگر آن که اتفاقاتی خاص بیفتند!

مصاحبه روزنامه شرق با سعید حجاریان

مصادف با چهارمین روز تحصن نمایندگان اصلاح طلب در مجلس، به دفتر مطالعات شخصی حجاریان رفتیم و با او به صحبت نشستیم.

○ با توجه به این که شما خود قربانی خشونت هستید و هزینه زیادی برای اصلاحات پرداخت کرده‌اید و از سوی دیگر به خوبی در جریان مشکلات دولت و مجلس به‌انحای گوناگون طی ۶ سال گذشته بوده‌اید، فکر می‌کنید اصلاح طلبان در شرایط فعلی برای پیشبرد اصلاحات چه کار می‌توانند انجام دهند؟

○ سوق دادن خشونت به کانال‌های قانونی یکی از اولین وظایف اصلاح طلبان است. والا خشونت یا منازعه همیشه در جامعه هست. الان در افغانستان و یا عراق ببینید. آنان دنبال این هستند که مجریایی قانونی پیدا کنند تا خشونت‌های قومی، قبیله‌ای، نژادی و طایفه‌ای را در آن کانالیزه کنند. لویه جرگه یکی از نهادهای حل منازعه است. قانون اساسی هم یکی از نهادهای مهم حل منازعه است. سازمان ملل هم در سطح جهانی یک نهاد حل منازعه است. این نهادها باید در کل جامعه ایجاد کرد تا کم‌کم مردم به آرامش، مدارا، همزیستی و هم‌زبانی با یکدیگر خو بگیرد. بعدها کارها روی روال می‌افتد. یکی از کارهای اصلاح طلبان نهادسازی است. ساخت نهادهای مدنی که منازعه را جذب کنند. نهادهای مدنی مثل آسفنج که آب را جذب می‌کند، قابلیت جذب منازعه دارند. وقتی منازعه‌ای جذب نهادهای مدنی گردد، این منازعه به رقابت تبدیل می‌شود که رقابت هم چیز خوبی است.

○ شما یکی از نهادهای حل منازعه را قانون اساسی معرفی کردید در حالی که برخی از ناظران سیاسی معتقدند ریشه بسیاری از مشکلاتی که اصلاح طلبان طی این چند سال با آن مواجه شده‌اند، به قانون اساسی ما برمی‌گردد. زیرا این قانون به نحوی تعبیه شده است که بخشی از نهادهای قدرت عمل‌نهادها را دیگر را از کارآمدی انداخته است.

○ بله، قانون اساسی حتماً نهاد حل منازعه است اما نهاد حل منازعه شرط دارد. قانون اساسی یک رژیم حقوقی است اما در کشور یک رژیم حقیقی هم وجود دارد.

○ پس شمارش راد در جای دیگری می‌بینید و نه قانون اساسی؟

○ بله، ریشه جای دیگر است. قانون اساسی هر چند هم خوب باشد حتی بهترین قانون‌ها را از فرانسه هم بیاریم و به فرغ‌اندوم بگذاریم و مردم هم به آن رای بدهند اما باز هم جواب نمی‌دهد.

○ شما یکی از وظایف اصلی اصلاح طلبان را نهادسازی عنوان کردید، آیا مجلس ششم طی سه سال و نیم گذشته به این موضوع توجهی داشته است؟

○ مجلس ششم سعی کرد یک مقداری نهادسازی کند. در مورد مطبوعات، انجمن‌های صنفی، حقوق مدنی و یا حقوق پایه مثل حقوق بشر...  
○ درست است ولی آیا موفق بود؟ توجه کنید به سرنوشت همان طرح اصلاح قانون مطبوعات که از دستور کار مجلس خارج شد. چهار تا طرح اصلاحی جزئی تر هم که بعدها در همین قانون آوردند، به استناد همان حکم توسط شورای نگهبان رد شد؟

○ بالاخره کار خود را انجام دادند. تلاششان را کردند. مردم ما هم فیمیدند که دنبالش هستند. ○ بله من هم معتقدم مجلس تلاش زیادی کرده که نباید نادیده گرفته شود ولی شاهد بودیم که بسیاری از مصوباتش که به نحوی با حقوق شهروندی سر و کار دارد، مورد تأیید شورای نگهبان قرار نگرفت و بعد از ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام هم بدون هیچ اعلام نظری در پایگانی مجمع در حال خاک خوردن است؟

○ شاید دوستان ما یک قسمت کار را فراموش کردند و آن قسمت فشار افکار عمومی بود. به اعتقاد من همه مسایل را نمی‌شود با ریش سفیدی در بالا حل کرد. شما غافل هستید که فشار افکار عمومی چقدر موثر است؟

○ ظاهراً شما هنوز قائل به همان نظر قبلی خود یعنی فشار از پایین و چانه‌زنی در بالا هستید؟

○ بله، همان حرف اولم! از این جهت هم معتقدم اصلاح طلبان از فشار افکار عمومی غافل ماندند.

○ پس شما هم قبول دارید که به نحوی در این قضیه پای منافع شخصی خودشان مطرح است. خصوصاً آنکه این بحث هم در میان

## قدردانی ایرانیان شهر

ماینز آلمان از تیم

اعزام شده به بم

دوشنبه، ۱۲ ژانویه در شهر ماینز آلمان، طی مراسمی با حضور کمیته پزشکان ایرانی مقیم این شهر، شهردار شهر ماینز و عده زیادی از ایرانیان این شهر و خبرنگاران، از تیم کمک‌رسان آلمانی این شهر که به بم اعزام شده بود قدردانی شد.

این مراسم با سخن‌رانی دکتر سیف‌الدینی‌پور، یکی از پزشکان عضو کمیته کمک‌رسانی، آغاز گردید. وی ضمن اشاره به موقعیت جغرافیایی شهر بم و شرایط نام‌زده کنونی آن از این تاریخ و به ویژه ارگ به مثابه یکی از قدیمی‌ترین بناهای موجود یاد کرد. او سپس از زلزله و ویرانی غیر قابل تصور آن که جهان را تکان داد، سخن گفت.

دکتر سیف‌الدینی‌پور متذکر شد که پس از شنیدن خبر زلزله پزشکان شهر ماینز اقدام به تشکیل کمیته کمک‌رسانی کردند و با همکاری دیگر ایرانیان مقیم ماینز اقدام به جمع‌آوری دارو، لباس و پول کردند. وی در خاتمه سخن خود از همه افسردگی که در این عمل انسان‌دوستانه شرکت داشتند تشکر کرد. به ویژه از آنانی که مستقیم در بم به یاری مردم بی‌بنا شهر شتافتند.

در ادامه شهردار شهر ماینز گفت با توجه به این که ما در شرایط دیگری زندگی می‌کنیم، نمی‌توانیم از آن چه در بم گذشت تصور واقعی داشته باشیم. اما تلاش خواهیم کرد با ادامه کمک‌های خود سهم خود را در این شرایط ادا کنیم. وی با اشاره به پول جمع‌آوری شده توسط ایرانیان که بالغ بر ۱۷ هزار یورو می‌شد از عزم ایرانیان در ادامه جمع‌آوری کمک‌های پولی با انجام برنامه‌های هنری و ... خبر داد.

در ادامه برنامه، لوح تقدیر ایرانیان مقیم شهر ماینز و ویسبادن توسط شهردار و آقای بهروز اسدی از فعالین کمیته به دو تن از کمک‌رسانان تقدیم گردید. سپس قطعه‌ای با دف به یاد زیر اورماندگان بم، توسط آقای حمیدی اجرا گردید. در پایان دو تن از امدادسازان آلمانی با ذکر مشاهدات و ارزیابی‌های خود از بم و عملیات بازسازی آن به حضار گزارش دادند.

گروه آلمانی اولین گروه امدادی بود که در منطقه حضور داشت. بنا به گفته مسئولین این گروه، دولت ایران بدون تقاضای کمک‌های بین‌المللی توان مقابله با فاجعه‌ای چنین گسترده را نداشت. آنها از همکاری بسیار خوب ایرانیان و از حضور چشمگیر دانشجویان که کار ترجمه را انجام می‌دادند، از راه‌اندازی زیرساخت‌های شهر بم چون برق و آب سخن گفتند. تیم آلمانی بزرگ‌ترین کمک در شرایط کنونی را جمع‌آوری پول برای امداد منطقه به ویژه برای کودکان دانست. کودکان در قیاس با بزرگسالان در شرایط نابرابر زندگی می‌کنند و توان کمک‌رساندن به خود را ندارند. آنها تعداد کودکان بی‌سرپرست را بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ کودک تخمین می‌زدند.

تیم آلمانی بازسازی بم در دو سال را امری غیر واقعی دانستند، چرا که هیچ نهاد انتظامی، آموزشی، پزشکی و ... در شهر باقی نمانده است. افرادی که از زلزله جان سالم به در بردند نیز در صدد ترک شهر هستند. از شهری که جمعیت آن بین ۱۰۰ تا ۱۳۰ هزار نفر ارزیابی می‌شد، اکنون بسیاری از بین رفته‌اند. تعداد بی‌شماری مجروح و مابقی می‌خواهند شهر را ترک کنند. تیم امدادی در خاتمه به سئوالات حضار پاسخ داد.

### ارکان مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دو هفته یکبار در روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

زیر نظر شورای سردبیری

سردبیر

فریدون احمدی

شورای سردبیری

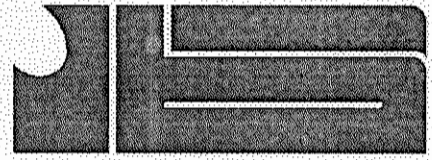
داراب شکیب

محمود صالحی

○ به یقین می‌گویم کسانی که تصمصم گرفته‌اند در انتخابات مجلس هفتم نیایند، نخواهند آمد. اما این مسئله جنگ زرگری را تبلیغات سلطنت طلبان می‌دانم که می‌گویند هر دو جناح سیاسی در کشور سر و ته یک کرباسند و تنها راه، تغییر رژیم است. لیکن شما ببینید آیا واقعا موضوع همین است. حالا خودم را که ترور شد، نمی‌گویم ولی تحمل این همه سختی‌ها و زندان رفتن‌ها توسط اصلاح طلبان آیا می‌تواند جنگ زرگری باشد و آیا این حرف منصفانه‌ای است که بگوییم اصلاح طلبان و محافظه کاران فرقی با هم ندارند و سر و ته یک کرباسند؟

○ به عنوان آخرین سوال فکر می‌کنید میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس هفتم در شهرهای بزرگ از جمله تهران چقدر باشد؟

○ در شرایط فعلی ۱۰ تا ۱۵ درصد خواهد بود مگر آن که اتفاقاتی خاص بیفتند!



چهارشنبه ۱۳۸۲ - ۲۱ ژانویه ۲۰۰۴ دوره سوم - شماره ۳۱۷  
KAR - No. 317 Wednesday 21, Jan. 2004  
G 21170 D

http://www.fada.org  
kar-aksaryat@gmx.de

آدرس کار در اینترنت:  
آدرس پست الکترونیکی:

تلفن: ۰۰۴۹ - ۲۲۱ - ۳۳۱۸۲۹۰  
پست الکترونیک: ۲/۲  
نشانی: شش ماهه ۳۰ یورو  
یک ساله ۶۰ یورو

Verleger: I.G.e.v  
I.G.e.v  
22 44 20 32  
37 05 01 98  
50515 Köln  
Germany  
IBAN: DE33 37050198 0022442032  
SWIFT - BIC: COLSDE33

موضوعات: دارنده حساب، شماره حساب، کد بانک (برای آلمان)، نام بانک، کد بانک برای کشورهای دیگر

فرم درخواست اشتراک  
اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:  
مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

نام: .....  
نشانی: .....  
فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر) به آدرس ..... بستم کنید!

## پوکر بر سر نفت دریای خزر

نویسنده: اوه کروگر

برگردان: محمود صالحی

برگرفته از: International Politics and Society

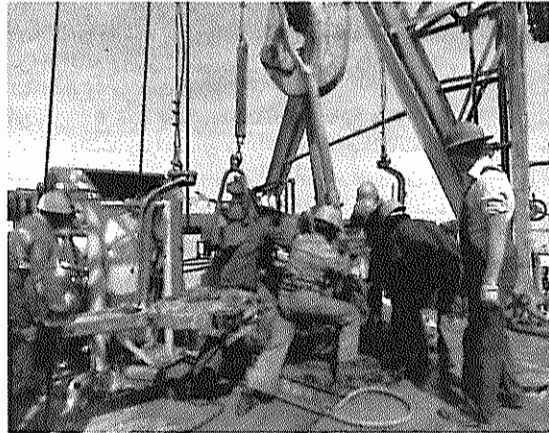
پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به نیویورک و واشنگتن، مناطق قفقاز و آسیای میانه در مرکز توجه ایالات متحده آمریکا قرار گرفتند. یکی از نتایج نبرد بر سر تسلط بر منطقه، تقابل و تسامح علائق آمریکا با قدرتهای دیگر منطقه مانند روسیه، چین، ترکیه و ایران است. جنگ ضد ترور و علائق اقتصادی به استثنایات جدیدی انجامیدند. تلاش برای نزدیکی به جمهوریهای سابق اتحاد شوروی مثل آذربایجان، گرجستان، ازبکستان و قرقیزستان در حالی صورت میگیرد که بر این جمهوری مستبدانی حکومت می کنند که از دمکراسی مد نظر غرب فرسنگها فاصله دارند.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی دولت های صنعتی غرب به این شانس دست یافتند تا با بهره برداری از نفت دریای خزر، از یک سو وابستگی خود به دولت ها و نفت خلیج فارس را کاهش دهند و از سوی دیگر نیاز فزاینده شان به نفت را برآورده سازند. روزانه در جهان ۷۵ میلیون بشکه (هر بشکه برابر با ۱۵۹ لیتر است) نفت به مصرف می رسد که بر اساس تخمین متخصصان بزودی به ۹۰ میلیون بشکه خواهد رسید. اقتصاد آمریکا به تنهایی ۲۰ میلیون بشکه از این میزان را به مصرف می رساند. در حالی که سال ۱۹۷۳ میزان نفت وارداتی آمریکا ۲۷٪ بود، اکنون به ۵۶٪ رسیده است. بر اساس تخمین وزارت انرژی آمریکا با سال ۲۰۲۵ وابستگی به واردات نفت به ۷۰٪ خواهد رسید. مهمترین صادرکنندگان نفت به این کشور کانادا، عربستان سعودی، مکزیک، ونزوئلا و نیجریه هستند.

کشورهای اتحادیه اروپا تمایل به عدم وابستگی یکجانبه در واردات نفت دارند. پس از بحران سال ۷۴-۷۳ منابعی که در دریای شمال کشف و مورد بهره برداری قرار گرفتند، با ثابت ماندن میزان بهره برداری، تا ۱۵ سال دیگر به اتمام خواهند رسید. در کنار خلیج فارس، روسیه و آفریقا که هم اکنون از اروپا هستند، این امید وجود دارد که بر اهمیت نفت دریای خزر افزوده شود.

### انتظاراتی که هنوز تحقق نیافته اند

پس از هیاهوهای اولیه در آغاز دهه نود، اکنون تخمین منابع موجود در منطقه دریای خزر واقعی تر بنظر می رسد. از وجود حتمی ۳ میلیارد تن نفت اطمینان کامل وجود دارد. در مقایسه با زرو نفت جهان که بالغ با ۱۶۵ میلیارد تن است که از این مقدار ۳۵ میلیارد تن آن در عربستان سعودی نیفته، میزان نفت موجود در دریای خزر ۲٪ کل زرو نفت جهان را تشکیل می دهد که تقریباً برابر موجودی نفت دریای شمال است. موجودی گاز در ۸ میلیارد متر مکعب برآورد شده که ۶٪ زرو جهان است. در برخی از گمانه زنی ها موجودی گاز در منطقه دریای خزر حتی به ۲۰ میلیارد متر مکعب می رسد. انتظار کشف ۳۰ میلیارد تن نفت برآورده نشد. نبود اطمینان در مورد منابع واقعاً موجود ناشی از عدم تحقیقات در حوزه دریای خزر است و اگر هم این



تحقیقات کاملاً انجام شود، معلوم نیست بتوان از همه منابع کشف شده بهره برداری نمود، زیرا اولاً از برخی لایه های زمین امکان بهره برداری نفت وجود ندارد و ثانیاً هزینه حفاری در دریا بسیار بالا است. از سوی دیگر به عوامل زیست محیطی نباید بی توجه ماند. با یک ارزیابی خوشبینانه می توان گفت که در سال ۲۰۱۰ میزان برداشت نفت از حوزه دریای خزر روزانه ۳/۸ میلیون بشکه خواهد بود، البته اگر تا آن موقع مسئله لوله های نفت حل شده باشند.

زیرا از یک سو حوزه دریای خزر راه طبیعی کشتی رانی به دریای آزاد و بازار نفت ندارد و از سوی دیگر ظرفیت لوله های موجود کافی نیست. مسئله حقوقی ۳۷۰۰۰۰ کیلومتر مربع دریای خزر هنوز حل نشده باقی مانده است. بر اساس قرارداد مرزی سال ۱۹۲۱ و پروتکل های الحاقی سال ۱۹۳۵ و ۱۹۴۰ بین تهران و اتحاد شوروی، کشور ثالثی حق کشتی رانی و استفاده از منابع طبیعی دریای خزر را ندارد. اما بر اساس توافقنامه سازمان ملل در صورت تشکیل دولت جدیدی باید حق استفاده و بهره برداری با توافق همه طرفین مجدداً تعریف و تعیین شود. تهران در آغاز مخالف این امر بود، اما اکنون دولتهای ایران و ترکمنستان خواهان تقسیم ۲۰ درصدی حوزه دریای خزر هستند. اما طرح روسیه، آذربایجان و قزاقستان ناظر بر تقسیم دریای خزر بر مبنای نوار ساحلی و یک خط فرضی در میان دریا است. بر اساس این طرح سهم ایران که دارای کوتاه ترین نوار ساحلی است تنها ۱۲/۵ درصد از دریا خواهد بود. در لحاظ اقتصادی برای ایران که به خلیج فارس از منابع نفتی بیشتری برخوردار است و بهره برداری از این منابع بسیار مناسبتر از نفت دریای خزر است، این نوع تقسیم شاید مسئله ای نباشد اما به لحاظ سیاسی برای کشوری که ادعای قدرت منطقه ای بودن را دارد، فاجعه بار است. آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان بر این باور بودند که خزر، دریا است و

طبق قوانین بین السللی دریانوردی حق بهره برداری از منابع طبیعی در مرز قاره ای برابر ۱۲ مایل می باشد. البته برای مثال حتی با این تعریف نیز برخی از منابعی که آذربایجان ادعای مالکیت بر آن دارد در آبهای بین السللی قرار دارند. ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در آغاز سال ۲۰۰۱ در مسافرتش به باکو تلاش کرد تحرک در این مناقشه حقوقی ایجاد نماید. در یک تفاهم نامه، آذربایجان و روسیه خواستار تقسیم بستر دریا بین کشورهای ساحلی آن شده و حق کشتیرانی و ماهیگیری برای همه کشورهای ساحلی در نظر گرفته شده است. بر اساس این تفاهم نامه ۲۱٪ از بستر دریای خزر به آذربایجان تعلق می گیرد. این تفاهم نامه در حالی امضا شد که وزیر امور خارجه روسیه ایگور ایوونف در سال ۱۹۹۹ در مسافرتش به تهران گفته بود هر دو کشور از «علاقه مشترکشان» در دریای خزر دفاع خواهند کرد.

در کنفرانس دریای خزر در آخر ماه آوریل سال ۲۰۰۱ که در عشق آباد پایتخت ترکمنستان برگزار شد، کشورهای شرکت کننده به توافقی دست نیافتند. در این کنفرانس موضوع شرکت کنندگان به توافقی دست نیافتند. در این کنفرانس موضوع ایران و ترکمنستان ایزوله شده بود. مناقشه بین آذربایجان و ترکمنستان بر سر کنترل حوزه نفتی کارپاز که در وسط دریا قرار دارد بالا گرفت. صفر مراد نیازف رئیس جمهور ترکمنستان، قسدر علی اف را مستهم به خودداری از مذاکره بر سر بهره برداری از این حوزه کرد. او به این نکته اشاره کرد که فاصله حوزه کارپاز به ترکمنستان ۱۲۰ کیلومتر و تا آذربایجان ۱۸۴ کیلومتر است و امکان درگیری نظامی بعلافت نامعلومی مرزها وجود دارد. بر همین اساس اواخر ماه سپتامبر سال ۲۰۰۲ روسیه و آذربایجان قرارداد دو جانبه ای را مبنی بر تقسیم دریای خزر امضا کردند. طبق این قرارداد ۲۱٪ از بستر دریا به آذربایجان تعلق می گیرد.

آذربایجان بر سر نفت بر زمین زد با امضا قرارداد سال ۲۰۰۲ آذربایجان و روسیه اختلاف نظرات را کنار نهادند و به

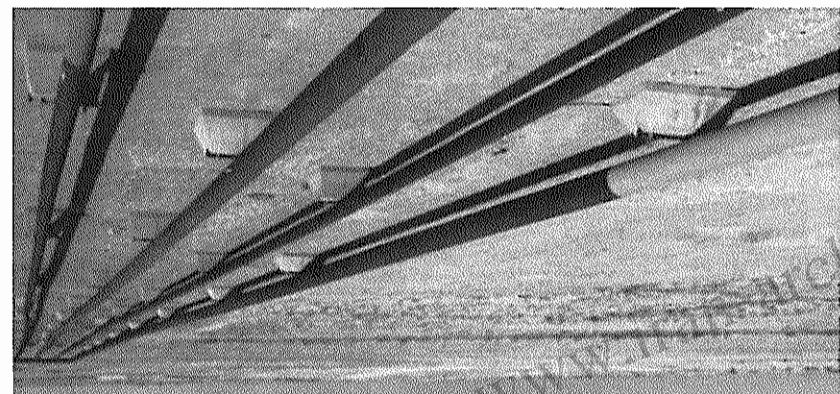
یکدیگر نزدیک شدند. ابوالفضل ایلچی بیگ که تسایلات نزدیکی به ترکیه داشت پس از انتخابش در ۷ ژوئن سال ۱۹۹۲ به مقام ریاست جمهوری، برگ نفت را بر زمین زد. درست هنگامی که قرار بود قرارداد بهره برداری از سه حوزه نفتی توسط کنسرسیوم های بین السللی در لندن به امضا برسد، در یک کودتا علی اف قدرت را در باکو بدست گرفت. علی اف که رئیس سابق کاب و حزب کمونیست بود این قرارداد را لغو کرد. البته این اقدام بخاطر جلب نظر مسکو

یکدیگر نزدیک شدند. ابوالفضل ایلچی بیگ که تسایلات نزدیکی به ترکیه داشت پس از انتخابش در ۷ ژوئن سال ۱۹۹۲ به مقام ریاست جمهوری، برگ نفت را بر زمین زد. درست هنگامی که قرار بود قرارداد بهره برداری از سه حوزه نفتی توسط کنسرسیوم های بین السللی در لندن به امضا برسد، در یک کودتا علی اف قدرت را در باکو بدست گرفت. علی اف که رئیس سابق کاب و حزب کمونیست بود این قرارداد را لغو کرد. البته این اقدام بخاطر جلب نظر مسکو

یکدیگر نزدیک شدند. ابوالفضل ایلچی بیگ که تسایلات نزدیکی به ترکیه داشت پس از انتخابش در ۷ ژوئن سال ۱۹۹۲ به مقام ریاست جمهوری، برگ نفت را بر زمین زد. درست هنگامی که قرار بود قرارداد بهره برداری از سه حوزه نفتی توسط کنسرسیوم های بین السللی در لندن به امضا برسد، در یک کودتا علی اف قدرت را در باکو بدست گرفت. علی اف که رئیس سابق کاب و حزب کمونیست بود این قرارداد را لغو کرد. البته این اقدام بخاطر جلب نظر مسکو

دیگر در تاکتیک های سیاسی عملیاتی دوری جستن از رویارویی مستقیم با مسکو مشهود است. او راه عبور چریک های چچن از طریق آذربایجان را مسدود کرد. اجازه استفاده از پایگاه رادار نیروی هوایی را داد و از تکرار موضوع استقرار نیروهای ناتو در سخنرانی هایش خودداری کرد. پسیل کلیتون رئیس جمهور آمریکا خیلی زود به آذربایجان فیماند که این کشور در استراتژی نفتی آمریکا نقش مرکزی را بر عهده دارد.

بنابر دلایل سیاسی و اقتصادی دولت کلیتون تصمیم به عبور نفت از دو خط لوله را گرفت. خط لوله شمالی با ظرفیت ۱۰۰ هزار بشکه در روز که شرکت دولتی زوکار از آن استفاده می کند، از دریای خزر به بندر مخاچاکالا (مخاج قلعه) در داغستان گذشته و سپس بسوی غرب از پایتخت چچن (گروسی) عبور کرده و به



بندر روسی نوروسسک در دریای سیاه می رسد. برای مسکو هم آذربایجان از موقیعت کلیدی برخوردار است. علاوه بر ذخایر نفت این کشور پل بین روسیه و منطقه خلیج فارس به حساب می آید و از سوی دیگر نقطه تلاقی بسیاری از لوله های نفت و راه های ترانزیت آسیای میانه و اروپا است. آذربایجان مورد علاقه ترکیه و ایران هم هست. آذری ها ۶ میلیون نفر ۸۳٪ جمعیت آذربایجان را تشکیل می دهند. در شمال ایران هم ۱۲ میلیون انگلیسی (BP) است که ۲۲/۶٪ سهم دارد. دیگر سهامداران این پروژه: شرکت دولتی نفت آذربایجان (زوکار) ۲۵٪، شرکت آمریکایی اونوکال ۸/۹٪، شرکت نروژی استات اوایل (TPAO) ۸/۷٪، شرکت ترکی (TPAO) ۶/۵٪، شرکت فرانسوی توتال فینا الف ۵٪، شرکت های ژاپنی اتوجو ۳/۴٪ و اینکس عربستان سعودی ۲/۶٪ هستند.

بندر روسی نوروسسک در دریای سیاه می رسد. برای مسکو هم آذربایجان از موقیعت کلیدی برخوردار است. علاوه بر ذخایر نفت این کشور پل بین روسیه و منطقه خلیج فارس به حساب می آید و از سوی دیگر نقطه تلاقی بسیاری از لوله های نفت و راه های ترانزیت آسیای میانه و اروپا است. آذربایجان مورد علاقه ترکیه و ایران هم هست. آذری ها ۶ میلیون نفر ۸۳٪ جمعیت آذربایجان را تشکیل می دهند. در شمال ایران هم ۱۲ میلیون انگلیسی (BP) است که ۲۲/۶٪ سهم دارد. دیگر سهامداران این پروژه: شرکت دولتی نفت آذربایجان (زوکار) ۲۵٪، شرکت آمریکایی اونوکال ۸/۹٪، شرکت نروژی استات اوایل (TPAO) ۸/۷٪، شرکت ترکی (TPAO) ۶/۵٪، شرکت فرانسوی توتال فینا الف ۵٪، شرکت های ژاپنی اتوجو ۳/۴٪ و اینکس عربستان سعودی ۲/۶٪ هستند.

در مراسم امضای قرارداد، خانم مادلن آلبرایت این پروژه را قدم مهمی در ساختن کردیدور انتقال انرژی از شرق به غرب خواند. ایگور ایوونف وزیر امور خارجه روسیه با عصبانیت گفت ما آماده همکاری هستیم، اما اجازه نمی دهیم روسیه را از مناطقی که به لحاظ تاریخی برای ما اهمیت دارند به عقب براند.

علاوه بر این هر دو لوله از منطقه نامطمئن عبور می کنند. در کنار جنگ در چچن، داغستان نیز همانند بشکه باروت است. گرجستان که در جنگ داخلی ضعیف شده بود زیر رهبری

پس در شهر زومگایت ترکها به ارمنی ها حمله کرده و ۳۰ نفر را به قتل رساندند. با این حمله جنگ بین دو کشور آغاز شد و تلفات طرفین به ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر رسید. ابعاد جنگ بر سر نفت دیگر به حدی رسیده بود که نه آذربایجان و نه ارمنستان قادر به کنترل اوضاع بودند. تعداد آوارگسان جنگی در آذربایجان به ۸۹۰ هزار نفر و در ارمنستان به ۳۸۰ هزار نفر رسیده بود. قرارداد آتش بسی که در ماه مه ۱۹۹۴ به امضا رسید شکنده بنظر می رسد، زیرا باکو معتقد است که یک پنجم خاک آذربایجان هنوز در اشغال ارمنستان است.

ارمنستان مسیحی که در محاصره مسلمانان قرار دارد و تضعیف شده در جنگ با آذربایجان آلترناتیو دیگری به جز نزدیکی به مسکو را نداشت. کمک های اقتصادی و نظامی روسیه برای این کشور حیاتی بودند. به همین دلیل ایروان قراردادی را با مسکو به امضا رساند که طبق آن برای ۲۵ سال آینده ۱۴ هزار نفر از نیروهای نظامی روسی در این کشور مستقر خواهند شد. محل استقرار این نیروها در شهر گنجسری خواهد بود که در نزدیکی مرز ترکیه است. بنظر می رسد که یکی دیگر از اهداف این قرارداد نظامی فشار دائم بر باکو باشد که پس از فروپاشی اتحاد شوروی از استقرار نیروهای روسی در خاک آذربایجان سر باز زده بود.

باکو در مقابل فشارها تسلیم نشد. زیرا از یک سو پس از فروپاشی اتحاد شوروی آذربایجان می توانست روی آمریکا حساب کند. از سوی

شودانادزه به جمع کشورهای مشترک المنافع بازگشت و در فوریه سال ۱۹۹۴ برای جلوگیری از فروپاشی قرارداد نظامی برای استقرار ۲۵ ساله نیروهای نظامی روسی را امضا کرد.

شواردناده از ریسک های این قرارداد نظامی آگاه بود و امضای آن را موکول به حمایت روسیه از گرجستان در جنگ آبخازستان کرده بود. اما مسکو هیچگونه گارانتی نداد. چیرنومیردین نخست وزیر وقت روسیه فقط قول «حفظ تمامیت ارضی گرجستان از طریق راه های مسالمت آمیز» را داد. روسیه در این معامله هیچ نداد، اما چهار پایگاه نظامی در آخالکالاکی در مرز ترکیه، وازیانی در نزدیکی تغلیس، باتومی در دریای سیاه و گوداوتا در آبخازستان بدست آورد.

در کنفرانس امنیت و توسعه که سال ۱۹۹۹ در استانبول برگزار شد، روسیه قول برچیدن آنها را تا سال ۲۰۰۱ داد که تاکنون فقط یکی از پایگاهها برچیده شده است. بین مسکو و تغلیس در مورد برچیدن دو پایگاه دیگر هنوز اختلاف نظر وجود دارد. تغلیس خواستار تخلیه این پایگاه تا سه سال دیگر است و مسکو در آغاز به ۱۴ سال و اکنون پیشنهاد ۱۱ سال را دارد.

گرجستان تمایل دارد تا سال ۲۰۰۵ به ناتو بپیوندد و در سال ۲۰۰۲ مستشاران نظامی آمریکا در این کشور فعالیت خود را آغاز کردند.

با ساخت خط لوله ای به طول ۱۷۵۰ کیلومتر و با ظرفیت یک میلیون بشکه در روز که مسیر آن از باکو بسوی تغلیس و از آنجا به بندر جیحان است، هم آذربایجان و هم گرجستان امید به بهبودی اوضاع سیاسی و اقتصادی دارند. کلنگ این پروژه که از حمایت واشنگتن برخوردار است در ماه سپتامبر ۲۰۰۲ زده شد و هزینه آن ۲۹۵ میلیارد دلار و مدت ساخت آن ۳۰ ماه برآورد شده است. ریاست این پروژه که از طریق یک کنسرسیوم بین السللی به اجرا در می آید برعهده کنسرن انگلیسی (BP) است که ۲۲/۶٪ سهم دارد. دیگر سهامداران این پروژه: شرکت دولتی نفت آذربایجان (زوکار) ۲۵٪، شرکت آمریکایی اونوکال ۸/۹٪، شرکت نروژی استات اوایل (TPAO) ۸/۷٪، شرکت ترکی (TPAO) ۶/۵٪، شرکت فرانسوی توتال فینا الف ۵٪، شرکت های ژاپنی اتوجو ۳/۴٪ و اینکس عربستان سعودی ۲/۶٪ هستند.

در مراسم امضای قرارداد، خانم مادلن آلبرایت این پروژه را قدم مهمی در ساختن کردیدور انتقال انرژی از شرق به غرب خواند. ایگور ایوونف وزیر امور خارجه روسیه با عصبانیت گفت ما آماده همکاری هستیم، اما اجازه نمی دهیم روسیه را از مناطقی که به لحاظ تاریخی برای ما اهمیت دارند به عقب براند.

علاوه بر این هر دو لوله از منطقه نامطمئن عبور می کنند. در کنار جنگ در چچن، داغستان نیز همانند بشکه باروت است. گرجستان که در جنگ داخلی ضعیف شده بود زیر رهبری

بندر روسی نوروسسک در دریای سیاه می رسد. برای مسکو هم آذربایجان از موقیعت کلیدی برخوردار است. علاوه بر ذخایر نفت این کشور پل بین روسیه و منطقه خلیج فارس به حساب می آید و از سوی دیگر نقطه تلاقی بسیاری از لوله های نفت و راه های ترانزیت آسیای میانه و اروپا است. آذربایجان مورد علاقه ترکیه و ایران هم هست. آذری ها ۶ میلیون نفر ۸۳٪ جمعیت آذربایجان را تشکیل می دهند. در شمال ایران هم ۱۲ میلیون انگلیسی (BP) است که ۲۲/۶٪ سهم دارد. دیگر سهامداران این پروژه: شرکت دولتی نفت آذربایجان (زوکار) ۲۵٪، شرکت آمریکایی اونوکال ۸/۹٪، شرکت نروژی استات اوایل (TPAO) ۸/۷٪، شرکت ترکی (TPAO) ۶/۵٪، شرکت فرانسوی توتال فینا الف ۵٪، شرکت های ژاپنی اتوجو ۳/۴٪ و اینکس عربستان سعودی ۲/۶٪ هستند.